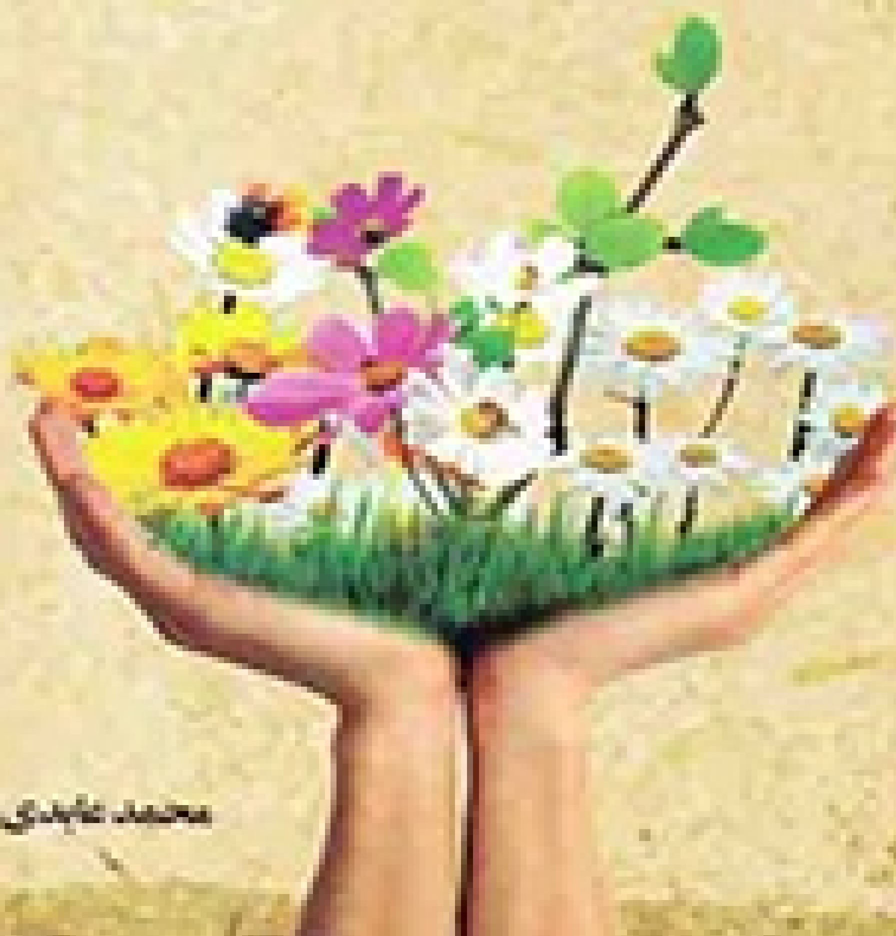


وظایف دولت در پیشگیری از جرم

در جامعه اسلامی

مسئله محوری پیشگیری و حفاظت اجتماعی



محمد عابدی میانجی

بسم الله الرحمن الرحیم

وظایف دولت در پیش گیری از جرم (در جامعه اسلامی)

نویسنده:

محمد عابدی

ناشر چاپی:

نورالسجاد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

وظایف دولت در پیش گیری از جرم (در جامعه اسلامی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : عابدی، محمد، ۱۳۵۳ -

عنوان و نام پدیدآور : وظایف دولت در پیش گیری از جرم (در جامعه اسلامی)/ محمد عابدی؛ به سفارش ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی.

مشخصات نشر : قم: نورالسجاد، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۲۲۴ص.

فروست : عدالت و سلامت.

شابک : ۲۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۲۰-۲۸-۵ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۲۰] - ۲۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : جرم و جنایت-- پیشگیری

موضوع : جرم و جنایت-- سیاست دولت

موضوع : جرم و جنایت -- جنبه های مذهبی-- اسلام

شناسه افزوده : ایران. قوه قضائیه. ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی

رده بندی کنگره : HV۷۴۳۱/ع۱۷و۶ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۳۶۴/۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۳۰۹۳۲

ص: ۱

تقدیم به:

حضرت بقیه الله الاعظم که چشم هامنتظر ظهور اوست تادرسایه «دولت الهی وآسمانی اش » جرم و گناه ازصحنه هستی رخت بربندد وجهانیان سایه نشین حکومت پاکی ها وزیبایی هاشوند.

وتقدیم به مدیرانی که روبه قبله فرهنگ توحید ،نماز عدل واحسان می خوانند وپای درمسیر سراسر عدل ونور منجی موعود می گذارند.

فهرست

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ج) امن سازی حوزه های مورد هجوم ۱۹۴

۱. حوزه های سه گانه ۱۹۴

اول: بینش ها و باورها (اصول دین، هستی شناسی) ۱۹۴

ص: ۱۰

پیش گفتار

حفاظت از محیط زیست و سلامت فضای زندگی ابعاد مختلفی دارد؛ گاهی عبور و مرور وسائل نقلیه و فعالیّت کارگاه های پر سر و صدا، موجب آلودگی صوتی می شود، گاهی نگهداری و پخش زباله ها در فضای زندگی سبب انواع بیماری و ایذای همسایگان می گردد.

پاسداری از پاکی محیط زندگی و سلامت فضای عمومی، یک وظیفه و خواست عموم خردمندان جهان است، امّا آلودگی ها، فقط گرد و غبار و تولید دود و پخش مواد نفتی در رودخانه و دریا و ریختن زباله های متعفن و فاضلاب در کوچه و خیابان نیست.

تولید، تکثیر، پخش و نشر و نمایش مواد آلوده از دیدگاه عقیدتی و اخلاقی و اجتماعی که ایمان، اخلاق، اتحاد، عدالت و استقلال جامعه را در معرض خطر قرار دهد، صدها بار بیش تر از دود و گرد و غبار برای جامعه مشکل ایجاد می کند. جرم و گناه وقتی در منظر و مرئی و در فضای مشترک و عمومی انجام گیرد، محیط اخلاقی و ایمانی جامعه را آلوده می کند. پیشگیری از گناه، به ویژه گناهان مشهودی که جرم و بزه و جنایت و خلاف شناخته می شود، وظیفه ای اجتماعی است که بر عهده افراد جامعه و دولت و ملت مسلمان و هر اندیشمند دلسوز سعادت و سلامت جامعه ی بشری است.

ص: ۱۳

چنـدین سال است که با همین هـدف مقـدس «سـتاد مردمی پیش گیری و حفاظت اجتماعی» در قوّه قضائیه جمهوری اسـلامی ایران تشـکیل شـده است. این سـتاد می کوشـد که با یاری امت از تولید و تکثیر و پیدایش و افزایش جرم های گوناگون پیش گیری کنـد. هسته هـای مردمی حفـاظت اجتماعی و سـتادهای احیای امر به معروف و نهی از منکر و نیروهای مخلص بسـیج و سپـاه و نیروی انتظـامی و همه فرزنـدان مساجـد در هر کجـای کشور بـا هـدایت و نظـارت عالمـان دین می کوشـند که فضـای زنـدگی عمومی را از هر گونه آلودگی به ویروس جرم و گنـاه پـاک نگه دارنـد و از بروز جرایم عقیـدتی، فرهنگی، اخلاقی، اقتصـادی و رسـانه ای جلوگیری کننـد. شـناخت زمینه‌هـای جرم، انگیزه هـای مجرمـان، انواع جرم و علـل و عوامـل پیـدایش و گسترش آن یک وظیفه ی اجتماعی است که بدون آن پاسداری از امنیّت اخلاقی و ایمانی جامعه، امکان پذیر نیست.

یکی از برنامه های این سـتاد که با همکاری گروهی از محققان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه تحقق یافت، تدوین کتاب های عمیق و کاربردی در زمینه مباحث پیش گیری از جرم است. این ستاد تاکنون بیش از ده اثر علمی – پژوهشی و بعضاً آموزشی در راسـتای هـدف پیش گیری از جرم فراهم آورده است. کتاب حاضـر، که به قلم برادر گرامی محمـد حسن خسـروی تألیف شده تلاشـی علمی است، که امید است هم‌چون دیگر خدمات برادران و خواهران مؤمن و فداکار در زمینه‌ی پیشگیری از جرم مقبول آسـتان قـدس ربوبی قرار گیرد و یاران همراه در اقامه این وظیفه ی اجتماعی از الطاف حضـرت حق جلّ و علا بهره مند شوند. پیش گیری از جرم و گناه نوعی «جهاد فرهنگی» و مرزبانی در جبهه ی تقوا و پارسایی است.

در پایـان از حمایت های ریاست محترم قوه قضائیه حضـرت آیهالله هاشـمی شاهرودی و همکاران سـتاد مردمی و برادر گرامی حجهالاسـلام محمـود مهـدی پـور، به دلیـل هـدایت و نظـارت بر تحقیق و تولیـد این مجموعه، و از ناشـر محـترم جنـاب آقـای جلالوند سپاس گذاری می شود.

والسلام، دبیر ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی کشور

سید احمد زرگر/ اسفند ۱۳۸۷

ص: ۱۴

مقدمه مؤلف

آنچه پیش رو دارید، حاصل تلاشی است که برای تبیین «وظایف دولت اسلامی در جهت پیشگیری از جرم و گناه» به انجام رسیده است؛ در فصل اول با عنوان «مروری بر شیوه های پیشگیری از جرم و گناه» مفهوم و انواع پیشگیری را مرور کرده ایم. فصل دوم را به «وظایف دولت اسلامی و پیشگیری از محرومیت ها»، اختصاص داده و در سه بخش به «محدودیت معرفتی بشر»، «محرومیت های جنسی»، «رفاه زدگی و محرومیت های اقتصادی» توجه

کرده ایم. فصل سوم به «دولت اسلامی و اصلاح بسترهای اجتماعی جرم و گناه» اختصاص دارد و به مسائلی چون «مسکن، خانواده، محیط اشتغال و ارتباط و محیط های تحمیلی می پردازد. فصل چهارم و پنجم هم به موضوع دولت اسلامی و اصلاح بسترهای سیاسی و فرهنگی جرم اختصاص دارد به این ترتیب در فصل چهارم حوزهٔ سیاست داخلی و خارجی و وظایف دولت در هر حوزه و در فصل پنجم موضوع هجوم فرهنگی به طور گسترده بحث شده است. در خاتمه به دلیل حساسیت نقش

ص: ۱۵

اقلیت ها، نگاهی به جایگاه اقلیت ها در بسترسازی برای جرم و گناه انداخته ایم.

در این مقدمه ذکر چند نکته ضروری است:

۱. در نوشتهٔ حاضر برای پرهیز از طولانی شدن مباحث، بحث های واژگانی مانند معنای جرم و گناه و تفاوت آن ها، یا معنای دولت و نظام و مباحثی از این دست را واگذاشته ایم و بیشتر به آنچه عرف از این واژگان درک می کنند، تکیه کرده ایم و لذا جرم و گناه را مساوی هم و دولت و نظام را مترادف فرض کرده ایم؛

هر چند تفاوت هایی در گستردهٔ جرم و گناه و چگونگی تمایز یا تداخل آن ها وجود دارد، ولی منظور ما شامل هر دو است و هدف نوشتهٔ حاضر تبیین راه هایی برای «پیشگیری از جرم و گناه» است و همین طور از دولت اسلامی، همان نظام اسلامی را مد نظر قرار داده ایم.

۲. نزدیک به دویست آیهٔ قرآنی در این نوشته مورد توجه و استناد قرار گرفته است؛ از این رو می توان تحقیق حاضر را به نوعی نگاه قرآنی به موضوع پیشگیری از جرم دانست. همین طور حجم فراوانی از روایات به ویژه روایات امیرمؤمنان(علیه السّلام) چراغ راه و راهنمای این پژوهش است.

۳. ضمن اینکه به کتب تخصصی مرتبط استناد و توجه کرده ایم، تلاش نموده ایم نمونه های عینی و مستندی هم برای مطالب ارائه کنیم؛ از این رو حجم قابل توجهی از مطالب را به مصاحبه ها و گزارش های نهادها و مقام های مسئول و ذیصلاح در ارتباط با بحث پیشگیری اختصاص داده ایم.

۴. تلاش کرده ایم مطالب تنها توصیفی نباشند؛ بنابراین در جای جای کتاب به ارائهٔ پیشنهاد های عملی پرداخته ایم؛ به این امید که مورد توجهٔ دلسوزان نظام اسلامی و ارزش های الهی قرار گیرد. و گامی به سوی سلامت اخلاقی جامعه محسوب شود.

محمد عابدی

فصل اول :مروری بر شیوه های پیشگیری از جرم و گناه

اشاره

ص: ۱۷

مقدمه

پیشگیری از جرم و گناه، شیو ه های متنوعی دارد: بخشی از این تنوع به دلیل نگرش های مختلف به موضوع جرم است، برخی از نگاه جامعه شناختی به آن می نگرند و عده ای از نظر روان شناسی، زیست شناسی و ... . تنوع مجرمان و بسترهای جرم و حوزه های متنوع جرم مانند جرایم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... نیز از علل پیشنهاد شیوه های متعدد برای پیشگیری از جرم و گناه است.

مفهوم پیشگیری

پیشگیری در لغت به معنای جلوگیری، دفع، صیانت، پاسداری، ممانعت، بستن جلو، جلوی وقوع چیزی را گرفتن، به کار گرفتن امور احتیاطی برای مانع شدن از رخدادها و ... است.(۱)

معنای لغوی «پیشگیری» در دو بخش «جلوی وقوع چیزی را گرفتن» و «هشدار دادن دربارهٔ وقوع چیزی» نهفته است.

۱- فرهنگ فارسی، محمد معین، تهران، امیرکبیر؛ فرهنگ فارسی، مهشید مشیری، تهران، سروش.

دراصطلاح علمی، تعاریف متعددی برای پیشگیری ارائه شده است که به مهم ترین آن ها اشاره می کنیم.

انواع پیشگیری

۱. پیشگیری گسترده و محدود

پیشگیری گسترده: «هر چیزی که بتواند جرم را کاهش دهد، و علیه آن به کار گرفته شود». این تعریف برای پیشگیری گسترده به کار می رود و بر این اساس پیشگیری شامل اقدامات گستردهٔ کیفری و غیر کیفری می شود.

اگر بخواهیم با این نگاه از جرایم پیشگیری کنیم، باید از دو راهکار «تدابیر دفاع فردی» و «دفاع اجتماعی» استفاده کنیم.

(۱). دفاع فردی: مبارزه با علل شخصی جرم است تا از تکرار آن جلوگیری شود.

(۲). دفاع جمعی: کارهایی موازی کیفر است و یگانه هدفش «کاهش پیامد اجتماعی جرم» می باشد.(۱)

امروزه در فرانسه، چهار اقدام حمایت از بزه دیده، میانجیگری، توسعهٔ خدمات عام المنفعه، توسعهٔ اجتماعی شهرها، با نام «اقدام دفاع جمعی» اعمال می شود.

به این ترتیب پیشگیری گسترده می تواند شامل اقداماتی چون موارد زیر بشود.

(۱). اقدامات رفاه اجتماعی: پیشگیری با هدف بهبود زندگی و رفع نیاز ها و محرومیت های دخیل در جرم است.

۱- ر.ک.: تاریخ اندیشه های کیفری، ژان پراول، ترجمهٔ، حسین نجفی ابرندآبادی، ص۹۴؛ به نقل از جرم شناسی، دکتر میرخلیلی، مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی، ص۴۲.

(۲). اقدامات کیفری: مجازات ها، صدور و اجرای احکام کیفری، بازپروری، اصلاح بزهکاری، مجازات های سلب کننده، آزادی که در چارچوب نظام قضایی اعمال می شوند و بعد از «وقوع جرم» انجام می شود.

(۳). پیشگیری فردی: وقتی جرمی اتفاق افتاد و محکومیت صورت گرفت، برای جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرم، اقداماتی صورت می گیرد.

(۴). ترمیم خسارت بزه دیدگان و حمایت از آن ها: با هدف جلوگیری از آسیب پذیری و عامل بستر جرم شدن، در این نوع قرار می گیرد.

(۵). کنترل بزهکاری: مانند گشت های پلیس و نظارت ها در شمار پیشگیری گسترده از جرم جای می گیرند، حتی اگر برخی آن را از پیشگیری به معنای خاص بیرون بدانند.

پیشگیری محدود: بسته ای از ابزارهاست که دولت برای مهار مناسب جرم و گناه با دو راهکار به کار می برد:

(۱). حذف یا محدودسازی عوامل جرم زا؛

(۲). اعمال مدیریت مناسب بر عوامل محیطی دخیل در جرم آفرینی.

این تعریف از پیشگیری، مربوط به «قبل از وقوع جرم» است و وجه تمایز آن با پیشگیری گسترده نیز در همین جهت است. پیشگیری محدود، تنها تدابیر غیرکیفری را شامل می شود[1] و هدف اصلی، اثرگذاری بر عوامل یا فرآیندهای مؤثر در جرم و گناه است. که پیش از ارتکاب جرم اعمال می شود و جنبهٔ قهرآمیز هم ندارد.

۱- قوه قضائیه و پیشگیری از وقوع جرم، (مجموعه مقالات راجع به قوهٔ قضائیه و پیشگیری از جرم)، انتشارات قوهٔ قضائیه، ابوالحسن شاکری، ص۹؛ جرم شناسی کاربردی، ریمون گسن، ترجمهٔ مهدی کی نیا، انتشارات علامه طباطبایی، ص۱۳۳.

۲. پیشگیری کیفری و جنائی

سیاست کیفری (حقوق جزا): قانون گذاران برای مبارزه با جرایم، به حقوق جزا و «اصل انتقام» متوسل شده اند. سیاست کیفری یا توسل به حقوق جزا مبارزه علیه جرم را دنبال می کند و طبیعتاً جنبهٔ سرکوبگری و تنبیهی دارد. البته دانش جرم شناسی نشان داده است که سرکوبگری و تنبیه صرف، همیشه و به طور کامل موجب تعادل جامعه نمی شود.(۱) از اشکالات عمده پیشگیری کیفری - که گویای ضرورت تکمیل آن با پیشگیری های دیگر است - می توان به این موارد اشاره کرد:

اولاً باید قانون گذار، مجازات ها و اقدامات تأمینی پیش بینی کند و دستگاه قضایی میزان آن را معین و اجرا نماید، بنابراین بین ارتکاب جرم و مجازات، فاصله وجود دارد که آیین دادرسی دچار اطاله است و به دلیل همین فاصله، مجازات جرم را تداعی نمی کند. در عین حال، پیشگیری کیفری در جنبهٔ عام خودداری بعد ارعاب توسط مجازات هاست که مخاطب آن همهٔ جامعه هستند که با اطلاع از مجازات متنبه می شوند و جرم کاهش می یابد. در جنبهٔ خاص نیز (مخاطب بزهکار است) هدف پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرم است.

در پیشگیری کیفری عام، سه محور تهدید بالقوه به مجازات، تهدید بالفعل به مجازات، سرعت در اجرای مجازات مورد توجه است که عمدتاً روی محور اول و با نبود آن به ترتیب روی محورهای دیگر توجه می شود.

در بازدارندگی عمومی دو موضوع «قطعیت» (افزایش احتمال اجرای مجازات)و «شدت و تناسب مجازات ها با جرم برای بازدارندگی» مورد توجه است.(۲)

ص: ۲۲

۱- جرم شناسی، دکتر میرخلیلی، همان، ص۲۵.

۲- همان.

پیشگیری جنائی: یعنی سازمان بخشیدن منظم به مبارزه علیه بزهکاری. سیاست جنایی بعد از سیاست کیفری ایجاد شد، چون پیشگیری کیفری (سرکوبگری) به تنهایی موجب تعادل جامعه نشد، بنابراین به طرق پیشگیری غیرکیفری احساس نیاز شد، زیرا ماهیت افراد در مقابل کیفرها یکسان نیست، یک کیفر با توجه به ماهیت متنوع بزهکاران، اثر یکسان ندارد و اعمال سرکوب و قهرآمیزی صرف، نقش کاملاً مثبت ندارد، از این رو سیاست پیشگیری جنایی با ابزارهای متنوع غیر کیفری لازم است. همچنین لزوم صرفه جویی در هزینهٔ بزهکاری ها و کاهش خسارات نظام قضایی، ایجاب می کند به اقدامات پیشگیرانه پرداخته شود. این سیاست پیشگیری در مجموعهٔ سیاست های اجتماعی قرار می گیرد؛ زیرا برای جلوگیری از جرم، علاوه بر ابزارهای قضایی، جامعه نیازمند ابزارهای اجتماعی هم می باشد.

۳. پیشگیری قهرآمیز و غیر قهرآمیز

قهرآمیز: تمام تدابیر کیفری با دو هدف پیشگیری خاص و عام در این تعریف جای می گیرند. در پیشگیری خاص از ارتکاب جرم توسط مرتکب جلوگیری می شود و در پیشگیری عام این کار با تهدید و ارعاب دیگران که در معرض ارتکاب هستند، انجام می شود.

غیر قهرآمیز: شامل پیشگیری اجتماعی و وضعی است.

۴. پیشگیری اجتماعی و وضعی

پیشگیری اجتماعی: عوامل مختلفی مثل محیط اجتماعی عمومی و شخصی، در ایجاد جرم و گناه نقش عمده دارند؛ بنابراین باید این عوامل را خنثی کرد. در این روش، در محیط مداخله می شود تا جرم زایی و مجرم پروری کاهش یابد. این محیط ها می تواند خانواده (ارتباط با والدین، محیط تشنج، گسست خانواده، تأثیر رفتار والدین، تأثیرات روابط عاطفی و

...) یا مسکن باشد که خود دو بخش اصلی دارد: مسکن انتخابی (خانواده شخص، شغل، تفریح، ارتباط جمعی، گروه های سازمان یافته، باندهای گروهی) و

تحمیلی (محل تحصیل، سربازی، اردوها، زندان ها و ...).(۱)

در پیشگیری اجتماعی، ابتدا عوامل جرم زا شناسایی می شوند، آن گاه اقداماتی برای خنثی کردن یا کنار زدن آثار آن عوامل صورت می گیرد؛ برای مثال فقر یک عامل جرم زا (به ویژه از جهت تبعیض و شکاف طبقاتی) است. حال اگر تنها به محاکمهٔ مجرم اقدام کنیم، ریشه فساد از بین نمی رود و علت جرم نابود نمی شود؛ هر چند معلول تنبیه می شود، در کنار تنبیه مجرم که آثار بازدارندگی و پیشگیرانه دارد، باید عوامل جرم (در این مثال فقر)(۲)

۱- مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، تاج زمان دانش، چ دهم، ۱۳۸۴ش، ص ۲۹۵ - ۳۲۸.

۲- برای مثال بعد از شناخت فقر، درمان همیشه به رفع فقر نیست، زیرا امکان فقرزدایی همه جانبه و همیشگی هرگز مقدور هیچ حکومتی نیست، بلکه بخش مهمی از درمان به یافتن راه های دقیق «مهارت زندگی و حل مسئله» اختصاص دارد؛ یعنی افراد بدانند و بتوانند با فرض وجود فقر به حل مسئله بپردازند و باور کنند که با وجود فقر، مهارت هایی هست که می تواند مانع جرم خیزی شود، نظام اسلامی موظف است بخش عمده ای از توان خود را صرف این موضوع کند. حال مسئله در مورد «ثروت و غنا» هم همین طور است و اشخاصی که توان حل مسئله و مهارت لازم برای استفاده درست از ثروت را یاد نگرفته اند، در زندگی دچار اختلال روش و منش می شوند و به ارتکاب جرم کشیده می شوند. می دانیم که از نگاه قرآن، همان طور که فقر عامل امتحان الهی است و شخصی با کسب مهارت لازم می تواند دین خود را در عین فقر، حفظ کند و به گناه نیفتد، ثروت هم در همین کارکرد را دارد، از این رو، افرادی مثل «قارون» با وجود برخورداری از «ثروت» یا «فرعون» با داشتن «قدرت و برخورداری سیاسی و اجتماعی و ...» به علت نداشتن مهارت لازم و ناتوانی در حل مسائل، به جرم و گناه کشانده می شوند یا همچون «حضرت سلیمان» با مهارت لازم به حل مسئلهٔ خود می پردازند و از جادهٔ صلاح و درست کاری خارج نمی شوند. بنابراین این دیدگاه باید اصلاح شود که تنها راه پیشگیری «فقرزدایی» است، زیرا در این صورت در برابر جرایم ناشی از ثروت هم باید «ثروت زدایی» باشد. بلکه در کنار «تعدیل وضع اقتصادی» باید با عواملی که فقر و ثروت را بستر جرم قرار می دهند، مبارزه شود که از مهم ترین آن ها نداشتن «مهارت لازم برای برخورد با مسئله «فقر، ثروت» است و موضوعی که قرآن کریم بخش عمده ای از آیات خود را به آن اختصاص می دهد. به راستی آیا دولت اسلامی کارنامهٔ موفقی در این ارتباط از خود نشان داده است!

را شناسایی و اصلاح کنیم تا مانع توسعه جرم شویم. در اسلام توجه به علل جرایم بیشتر از توجه به معلول هاست و اسلام رابطه علی و معلولی عوامل اجتماعی و جرایم و گناهان را فراموش نمی کند.

پیشگیری وضعی: در این روش، وضعیت فرد یا شرایط بیرونی (مکان، زمان و ...) تغییر داده می شود تا از ارتکاب

جرم پیشگیری گردد. در این شیوه، توجه به «وضعیت پیش از وقوع جرم» است و تلاش می شود

فرآیند گذر از «اندیشهٔ مجرمانه» به «عمل مجرمانه» قطع شود. گذر از فکر گناه به عمل گناه، به عواملی مانند انگیزه های مجرم، خصوصیات وضعی، شرایط موضعی، شرایط موجود در اوضاع و احوال قبل از جرم، بستگی دارد و باید بر این عوامل غلبه کرد تا جرم کاهش یابد. اقدامات پیشگیرانهٔ فردی عبارتند از :

(۱). کاهش وضعیت های جرم زایی پیش از وقوع جرم؛

(۲). اقداماتی که منجر به افزایش هزینه کیفری برای مجرم شود.

در پیشگیری وضعی دو جهت گیری عمده دیده می شود که عبارتند از:

(۱). مداخله در وضعیت پیش از جرم؛

۲. ایمن سازی اهداف جرم (اقداماتی که مانع بزه دیدگی افراد می شود).(۱)

۱- ر.ک: مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم، علی صفاری، مجلهٔ تحقیقات حقوقی، ش۳۴-۳۳، ص۲۹۱؛ روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، علی حسین نجف ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش۱۹-۲۰، ص۱۴؛ پیشگیری وضعی از جرم، داونیس روبرت...، ترجمه رضا پرویزی، مجله حقوق و قضایی دادگستری، ش۳۲؛ پیشگیری وضعی با نگاه سیاست جنائی اسلام، سید محمود میرخلیلی، رسالهٔ دکتری، دانشگاه تهران.

خلاصه اینکه دو هدف اساسی در این روش وجود دارد.

(۱). دشوار یا نـاممکن سـازی وقوع جرم به رغم وجود انگیزه: تمـام راهبردهـایی که به تغییر وضـعیت، فرصت و موقعیت می انجامد (مانند کنترل ها، ایجاد فضاهای قابل دفاع، جمع آوری ابزارهای جرم، کنترل مجرمان، حمایت از بزه دیدگان و ...) و با هدف ناتوان کردن شخص از تحقق نیت مجرمانه اش اعمال می شود.

(۲). جلوگیری از پیـدایش و شـدت گرفتن انگیزهٔ مجرمـانه: بالابردن خطر شـناسایی و دسـتگیری، کاهش جاذبه های تحریک کنندهٔ محیطی، نصب ابزارهای پنهان، ایجاد پوشـش برای کاهش جذابیت ها و ... از جمله ابزارهایی هستند که برای جلوگیری از تشدید یا ایجاد انگیزهٔ مجرمانه استفاده می شوند.

هنر اصـلی در این پیشـگیری، توانـایی اعمـال مـدیریت، طراحی یا مـداخله در تغییر محیط است و در آن تلاش می شود کاری صورت گیرد که مجرم برای ارتکاب، نیازمنـد تلاش بیش از گذشـته باشد، فنونی به کار رود که ارتکاب جرم را پرخطر سازد و جذابیت ها و لذت ها را کاهش دهد.(۱)

۵. پیشگیری فردی از جرایم

این پیشـگیری زمـانی اعمـال می شود که جرم صورت بگیرد و به دنبال جلوگیری از تکرار جرم باشـیم. بخش مهمی از نهی از منکر، از جمله روش هـای پیشـگیری فردی است که می کوشـد بعـد از ملاحظـهٔ گنـاه و جرم، با نهی گناهکار، از ارتکاب آن جلوگیری کند.

آنچه بیان شد، نمونه هایی از تقسیمات پیشـگیری است که با ادغام و چینش مناسب آن می توان به تقسیمات مناسب تری هم دست یافت.

۱- جرم شناسی کاربردی، گسن ریمون، ترجمهٔ مهدی کی نیا، انتشارات علامه طباطبائی، ص۱۳۳.

فصل دوم :دولت اسلامی و پیشگیری از محرومیت ها

اشاره

ص: ۲۷

مقدمه

نظام اسلامی بر اساس اهدافی که از سوی قرآن، سنّت، عقل و فطرت برای آن طراحی شده، موظف است از جرم و گناه پیشگیری کند تا برای رسیدن به اهداف حکومت داری، امیدوار باشد. با توجه به توانایی و ظرفیت های نظام اسلامی در ابعاد گوناگون (سیاست گذاری، قانون گذاری، برنامه و طرح سازی، نظارت ها و مراقبت ها، ظرفیت های قضایی و انتظامی و اجرایی و ...) می توان وظایفی را برای آن تعریف کرد که بخش هایی از آن یادآوری می شوند.

قرآن کریم به عنوان «کتاب حکومت الهی» توجه ویژه ای به هدایت بشر نموده و یکی از اهداف اصلی خود را هدایت انسان به خیر، نیکی، صلاح و رستگاری دانسته است. آیات الهی، نشان از عنایت خداوند برای «انحراف زدایی» از رفتار و کردار و اندیشهٔ بشر و قرار گرفتن او در مسیر قرب الهی دارد؛ از این رو، کتاب آسمانی ما بهترین تعالیم را برای«جرم زدایی»، «پیشگیری از تداوم و تکرار گناه وجرم» ارائه می دهد. به این آیات توجه کنید:

{وَ اذْكُرُوهُ كَما هَداكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضّالِّينَ}؛(۱)

«و او را یاد کنید، همانگونه که شما را راهنمایی نمود و پیش از آن قطعاً از گمراهان بودید».

{ وَ لَهَدَيْناهُمْ صِراطًا مُسْتَقيمًا}؛(۲)

«و مسلماً آنان را به راهی مستقیم (راست و استوار) راهنمایی می کردیم».

{فَمَنْ تَبعَ هُدایَ فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ}؛(۳)

«پس کسانی که از رهنمود من پیروی کنند، پس نه هیچ ترسی بر آنان است و نه آنان اندوهگین می شوند».

{فَمَنِ اتَّبَعَ هُدایَ فَلا يَضِلّ وَ لا يَشْقی}؛(۴)

« هر کس از هدایت من پیروی کند، گمراه نمی شود و به زحمت نمی افتد».

به این ترتیب به نظر می رسد «وظایف حاکمان اسلامی در برابر پیشگیری از جرم و گناه»، را به کامل ترین شکل و مطمئن ترین صورت می توان از آیات الهی استخراج و تبیین کرد.

۱- بقره / ۱۹۸.

۲- نساء / ۶۸.

۳- بقره / ۳۸.

۴- طه / ۲۳.

بخش اول: محدودیت معرفتی بشر

۱. نداشتن برنامهٔ عمل

بزرگ ترین عامل انحراف بشر، نداشتن «برنامهٔ عمل» است، به گونه ای که هرگز از صحیح و مستقیم بودن مسیر و صراط خود مطمئن نیست و نمی داند راهی که طی می کند، او را به مسیر گناه و هلاکت می کشاند، یا نه؟ اولین گام قرآن کریم برای مبارزهٔ پیشگیرانه با این آسیب، طرح دین به عنوان راهنمای عمل برای جامعه بشری است.

۲. دین، راهنمای عمل

اشاره

دین شامل پیشگیری از انحراف فکری، رفتاری، ساختاری و انحراف در عادات و اخلاق اجتماعی می شود؛ به این ترتیب دین، یعنی ترازوی ارزیابی و قطب نمای حرکت در دست انسان ها. پس تلقی درست از دین، شرط پیشگیری از هر گونه جرم و گناه و ظلم و تجاوز اجتماعی است. این موضوع باید در جایگاه خود به دقت تبیین شود که چون دین، میزان صلاح و فساد است، تخریب آن بزرگ ترین ضربه به انسان هاست و بی دینی، تحریف دین، اعراض از دین، افترا بر دین و خدا و پیامبران از بزرگ ترین جرایم و گناهان است.

{فَمَنْ تَبِعَ هُدایَ فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ}؛(۱)

{فَمَنِ اتَّبَعَ هُدايَ فَلا يَضِلّ وَ لا يَشْقى}؛(۲)

۱- بقره / ۳۸.

۲- طه / ۱۲۳.

آنان که هـدایت الهی را بپذیرنـد و تبعیت کننـد، دچار ترس، انـدوه، گمراهی، و شـقاوت نخواهنـد شـد؛ بنابراین مطرح کردن «هدایت الهی» اقدامی پیشگیرانه در برابر عوامل انحراف است.

{هُوَ الّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقّ}؛(۱)

«او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد».

برای همین خداونـد در همـۀ امت ها اصـرار به معرفی دین خود دارد تا برای همۀ آن ها امکان پیشـگیری از جرم و گناه فراهم شود؛ از جمله در امت اسلام.

{إِنّا أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الْکِتابَ بِالْحَقّ ِ فَاعْبُدِ اللّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّینَ}؛(۲)

« ما این کتاب را به حق، به سوی تو فرستادیم، پس خدا را در حالی که دین خود را برای او خالص کرده ای، پرستش کن».

قرآن کریم آسیب های پیش روی دینـداری را - اعم از آسیب های خارجی و داخلی - به نحو مؤثر گوشـزد می کنـد؛ مانند تفرقه

{...أَنْ أَقیمُوا الدِّینَ وَ لا تَتَفَرّقُوا فیهِ}؛(۳)

«... که دین را بر پا دارید و در آن تفرقه افکنی نکنید».

رویگردانی

{وَمَنْ یَرْتَدِدْ مِنْکُمْ عَنْ دینِهِ فَیَمُتْ وَهُوَ کافِرٌ فَأُولئِکَ حَبِطَتْ أَعْمالُهُم}؛(۴)

۱- فتح / ۲۸؛ صف / ۹.

۲- زمر / ۲و ۳.

۳- شوری / ۱۳.

۴- بقره / ۲۱۷.

«و کسی از شما که از دین خود برگردد، و او در حال کفر بمیرد، پس آنان اعمالشان در دنیا و آخرت تباه می شود».

ابزار قرار دادن دین

{الَّذینَ اتَّخَذُوا دینَهُمْ لَهْوًا وَ لَعِبًا وَ غَرَّتْهُمُ الْحَیاهُ الدُّنْیا}؛(۱)

«کسانی که دینشان را به سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی پست (دنیا)، آنان را فریب داد».

ارتداد از دین

{وَ لا یَزالُونَ یُقاتِلُونَکُمْ حَتّی یَرُدّوکُمْ عَنْ دینِکُمْ إِنِ اسْتَطاعُوا....} ؛(۲)

«و پیوسته با شما پیکار می کنند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند».

انتخاب غلط

{وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْإِسْلامِ دینًا فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ}؛(۳)

«و هر کس جز اسلام دینی بجوید، از او پذیرفته نخواهد شد».

برخی دیگر از عوامل گمراهی و انحراف عقیدتی، اجتماعی بشر عبارتند از:

انکار، تکذیب، تجزیه و تبعیض در قوانین خدا، افترا به خدا، جلوگیری از تبلیغ دین، بستن کانون نشر اندیشه های دینی (مساجد و حوزه های علمیه)، مسخره کردن خدا و پیامبران و دین خدا، تحریف قرآن و سنّت، قتل و آزار

۱- اعراف / ۵۱ و مائده / ۷۷.

۲- بقره / ۲۱۷ و مائده / ۵۷.

۳- آل عمران/ ۸۵.

اهل بیت، بزرگ ترین زمینه ساز جرم و هرج و مرج در تشخیص حق و باطل و ...

نخستین وظیفهٔ نظام اسلامی، به عنوان تداوم بخش نظام اسلامی رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله)، «دین محوری» با همهٔ ظرفیت و توان خود در جامعه است، به گونه ای که با گسترش وتعمیق «دین محوری» از ریشه و اساس، ماهیتی پیشگیرانه و هدایتگرانه به دین بدهد. نقش گسترش «دین محوری» در نظام اسلامی باید از رأس هرم نظام سیاسی تا نظام قانون گذاری، اجرا، قضاوت، نظارت، مصلحت سنجی ها و... را در برگیرد و سازوکارهای دقیقی عهده دار تشخیص خروج از «محور دین» و اصلاح آن در همهٔ بخش های نظام، در تعامل با مردم شوند؛ در غیر این صورت انحرافات عظیمی روی خواهد داد که بسترساز جرایم و گناهان بسیار گسترده و بزرگ خواهد شد.

حکومت اموی، نمونهٔ بسیار تلخ از عدول از «دین محوری» است که اثر آن در جامعهٔ مسلمانان از کوچک ترین ابعاد فردی و اخلاقی تا بزرگ ترین ابعاد سیاسی خود را نشان داد و زمینهٔ تمام جرایم بعدی را فراهم آورد.

«چه شد که بیست سال بعد از شهادت امیرالمؤمنین(علیه السّلام) در همان شهری که ایشان حکومت می کرد، سرهای پسران امیرالمؤمنین را بر نیزه کردند... جواب این است که بیماری وجود دارد که می تواند جامعه ای را که در رأس آن کسی مثل پیغمبر اسلام(صلّی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین(علیه السّلام) بوده است را در ظرف چند ده سال به آن وضعیت برساند. پس این بیماریِ خطرناکی است ... قرآن، جواب ما را داده است. قرآن، درد و بیماری را به مسلمین معرفی می کند. آن آیه این است که می فرماید:

{فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضاعُوا الصَّلاهَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَواتِ فَسَوْفَ یَلْقَوْنَ غَیّا}؛

ص: ۳۴

«پس دو عامل اصلی، عوامل این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی «دور شدن از ذکر خدا» که مظهر آن نماز است،... و عامل دوم {اتَّبَعُوا الشَّهَواتِ} است؛ یعنی دنبال شهوت ها و هوس ها و در یک جمله دنبال دنیاطلبی رفتن... .

نظام اسلامی با ایمان و همت های بلند، با مطرح بودن و اهمیت دادن و زنده نگهداشتن شعارها به وجود می آید و حفظ می شود و پیش می رود. معلوم است که کم رنگ کردن شعارها، بی اعتنایی به اصول اسلام و انقلاب و همه چیز را با محاسبات مادی فهمیدن و مطرح کردن، جامعه را به آنجا پیش خواهد برد که به چنان وضعی برسد... یک روز برای مسلمین پیشرفت اسلام، رضای خدا، تعلیم دین و معارف اسلامی و آشنایی با قرآن و معارف آن مطرح بود، دستگاه حکومت و ادارهٔ کشور، دستگاه زهد و تقوا و بی اعتنایی به زخارف دنیا و شهوات شخصی بود و نتیجهٔ آن هم، حرکت عظیمی بود که مردم به سمت خدا کردند».(۱)

بر این اساس منزوی کردن دین به سبب توهم منافع دنیایی و... مردم را دچار زیان خواهد کرد و حکومت اسلامی نباید برای اصلاح امور، اصالت را از دین بگیرد، زیرا نه تنها مشکل، حقیقتاً حل نخواهد شد، بلکه مشکلات بزرگ تری هم ایجاد خواهد شد؛ هر چند در کوتاه مدت، ملموس نباشد. به این دلیل که دین بر اساس مبنای دقیق الهی طراحی شده و تمام دستورهای آن دارای مبنا و اثر است و هر کدام که نادیده گرفته شود، هیچ چیزی جای آن را نخواهد گرفت.

۱- سخنرانی مقام معظم رهبری دربارهٔ عبرت های عاشورا، تاریخ ۲۱/۴/۷۱.

{لاَ یَتْرُکُ النَّاسُ شَیْئاً مِنْ أَمْرِ دِینِهِمْ لِاسْتِصْلاَحِ دُنْیَاهُمْ إِلاَّ فَتَحَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مَا هُوَ أَضَرُّ مِنْهُ}؛(1)

«مردم برای اصلاح دنیا، چیزی از دین را وا نمی گذارند؛ مگر اینکه خدا آنان را دچار چیزی زیان بارتر کند».

بنابراین نظام اسلامی باید اسباب دین مداری مردم را فراهم کند و ابزارهای لازم آن را در اختیارشان بگذارد تا از ایجاد انحراف یا تداوم کج روی جلوگیری شود.(2) اگر جامعهٔ اسلامی براساس رهنمودهای دین و قرآن پیش رود، ویژگی «اصلاح گری ذاتی» قرآن، مانع از بروز بسیاری از انحرافات خواهد شد. برای همین تأکید فراوانی شده است که همهٔ رفتارها و تعامل های نظام اسلامی با مردم، بر محور قرآن و دین باشد، امام علی(علیه السّلام) می فرمود:

«قرآن نگهدارندهٔ کسی است که به آن تمسک جوید و نجات دهندهٔ کسی است که به آن چنگ زند، کجی ندارد تا راست شود و به باطل گرایش ندارد تا از آن بازگردانده شود... کسی که با قرآن سخن بگوید، راست گفته و هر کس به آن عمل کند، پیشتاز است».(3)

«آگاه باشید! کسی با داشتن قرآن، نیازی ندارد و بدون قرآن، بی نیاز نخواهد شد، پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی ها از قرآن یاری بخواهید که در قرآن، درمان بزرگ ترین بیماری ها، یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی هست».(4)

۱- نهج البلاغه، خ۱۰۶، ص۶۴۸. و ر.ک. به همان، خ۱۵۳، ص۲۸۲.

۲- این غیر از «دین محوری» خود حکومت در تعامل با کارگزاران و نظام درونی اش است که در کتاب وظایف دولت در جرم زدایی از نظام اسلامی بیان شد.

۳- نهج البلاغه، خ۱۵۶، ص۲۹۰.

۴- همان، خ ۱۷۶، ص۳۳۳.

امام علی(علیه السّلام) همین شیوه را در حکومت داری خود به کار گرفت و به کارگزارانش هم توصیه کرد.(۱)

هر چند در بین نظریه های پیشگیری از جرم، نامی از نیاز به «دین الهی» به میان نیامده است، ولی باید توجه داشت که مبانی دانش های انسانی غربی عموماً بر پایهٔ سکولاریسم، اومانیسم و انسان محوری است و اساساً جایی برای خدا در زندگی بشر در نظر نمی گیرد تا از آن انتظار نقش آفرینی در پیشگیری از جرم را داشته باشد. از این رو با پیش فرض های اومانیستی نمی توان نسخه ای دقیق برای «جامعه شناسی کج روی و انحرافات اجتماعی و ...» پیچید. متأسفانه آمیختگی مبانی اسلامی و غربی به دلیل مبهوت شدن در برابر پیشرفت های فنی و تکنولوژیک غرب باعث شده است که اکثر نسخه های پیچیده شده برای جوامع اسلامی، فاقد مبانی الهی از جمله «خدا محوری» شود.

در واقع، مطرح کردن دین از سوی خداوند، پاسخ به «نیاز معرفتی» بشر و محدودیت شناختی اوست که ممکن است در مقابل آسیب ها، او را دچار مشکل سازد. بنابراین، خداوند عالم با علم به این محدودیت ها و برای جبران آن ها «بسته ای شناختی» به نام دین را به او عرضه کرده است. حال نظام اسلامی که مدعی تلاش برای حاکمیت الله در همهٔ عرصه های زندگی است، باید مردم را با دین آشنا سازد و آنان را در برابر محدودیت های معرفتی، صیانت نماید و در حقیقت نوعی ترمیم و تکمیل و تعمیم معرفتی انجام دهد.(۲)

۱- همان، نامه ۵۳، ص۵۶۷.

۲- قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ رَبّی (اعراف / ۱۸۷؛ قُلْ إِنّما عِلْمُها عِنْدَ اللّهِ (اعراف / ۱۸۷ و احزاب / ۶۳)؛ لکِنِ اللّهُ یَشْهَدُ بِما أَنْزَلَ إِلَیْکَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ (نساء / ۱۶۶)؛ یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا یُحیطُونَ بِشَیْ ءٍ مِنْ عِلْمِهِ (بقره / ۲۵۵)؛ أَنّ اللّهَ قَدْ أَحاطَ بِکُلّ ِ شَیْ ءٍ عِلْمًا (طلاق / ۱۲)؛ رَبّنا وَسِعْتَ کُلّ شَیْ ءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا (غافر/۷)؛ وَسِعَ کُلّ شَیْ ءٍ عِلْمًا (طه / ۱۲)؛ وَسِعَ رَبّنا کُلّ شَیْ ءٍ عِلْمًا (اعراف /۸۹)؛ تَعْلَمُ ما فی نَفْسی وَ لا أَعْلَمُ ما فی نَفْسِکَ إِنّکَ أَنْتَ عَلاّمُ الْغُیُوبِ (مائده / ۱۱۶)؛ إِنّ اللّهَ کانَ عَلیمًا حَکیمًا (نساء / ۲۴).

بخش دوم: محرومیت های غیر معرفتی

مقدمه

انسان به مقتضای طبیعت و جسم خود و محیط اجتماعی که در آن زندگی می کند، دچار محرومیت هایی می شود و حس سود محوری او را به تلاش برای تغییر وضع و رفع محرومیت ها وادار می نماید. اگر این تلاش از راه های مشروع، سهل الوصول یا دلخواه به نتیجه نرسد، یا توان و انگیزۀ تحمل آن را نداشته باشد، زمینۀ مناسب برای کج روی فراهم خواهد آمد. آن گاه که موقعیت و فرصت مناسب به دست آورد، برای جبران و ترمیم آن محرومیت ها و التیام بخشیدن و خاموش کردن آثار آن از هر کوششی دریغ نخواهد کرد؛ از این رو نظام اسلامی باید برای کاهش محرومیت ها از یکسو و افزایش توان تحمل پذیری با کمک ابزارهای فرهنگی و دینی تلاش کند. در اینجا به برخی از مهم ترین محرومیت های مؤثر در جرم زایی و گناه خیزی توجه می کنیم.

الف. محرومیت های جنسی

اشاره

انسان موجودی است دارای غریزه، از جمله غریزه شهوت (لذت خواهی)، غضب و برتری طلبی و... .(۱) این توانایی ها در صورت تعادل، برای بشر مفید و برای زندگی وی لازم است؛ مثلاً نیروی غضب برای دفاع، شهوات برای بقا نسل لازم است، اما در صورت خروج از جادۀ اعتدال،

۱- تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۲۰، ص۱۰۴؛ جامع السعادات، ج ۱، ص۳۴.

موجب تباهی زنـدگی است. این قوا در وجود آدمی قرار داده شـده است تا از آن ها برای سعادت خود سود برد. حال اگر به هر دلیلی، قوا سرکوب و غرایز منکوب گردنـد، فرد دچار محرومیت خواهـد شـد که سرآغاز بسیاری از انحرافات است. البته انسان هـا به دلیـل برخورداری از «اختیار» در نهایت، خود تصـمیم می گیرنـد که در برابر محرومیت ها چگونه رفتار کننـد، اما سخن در این است که این محرومیت هـا «زمینه گنـاه» (علت نـاقصه) را فراهم می کننـد. حال ممکن است کسـی در مقابل این زمینه، پاسخ مثبت یا منفی دهد، پس تلاش دولت اسلامی باید این باشد تا اساساً در این زمینه ها، محرومیت و انحراف کاهش یابد.

امروزه محرومیت های جنسـی گریبان بسیاری از جوانان کشور را گرفته است. در حالی که رئیس سازمان ملی جوانان، دوازده میلیون جوان (مجرد) را در انتظار ازدواج می دانـد،(۱) آمارهـای دیگر از وجود پانزده میلیون جوان مجرد در بین هفتاد میلیون ایرانی خبر می دهد که برای گروه های زیادی از آنان، سال هاست سن ازدواج سپری شده است.

ارتباطات نامشـروع، بروز خشونت ها، رفتارهای خارج از تعادل، تحرکات ضـد اخلاقی، کاهش پایبنـدی به دین و قانون، بروز پدیـده هـایی چون خودنمـایی مردان و بـدحجابی زنـان و دختران، وقوع هزاران جنـایت جنسـی و ... تنهـا گوشه هـایی از آثار سرکوبی این غریزه است که آمارهای نظام قضایی و نیروی انتظامی گویای آن است.

۱. ازدواج

اشاره

یکی از کارکردهای مهم ازدواج، ایجاد آرامش است، آرامشی که بستر لازم برای دوری از تمام رفتارهای نامتعادل، جنایت ها و خیانت های جنسی را می تواند فراهم آورد.

۱- روزنامهٔ قدس، همان.

{وَمِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكَمْ مِنْ أَنْفُسِكَمْ أَزْواجًا لِتَسْكَنُوا إِلَيْها}؛(۱)

«و از نشانه های او، اینکه از خودتان زوج هایی برایتان آفرید تا بدان ها آرامش یابید».

موضوع یاد شده چنان حیاتی و لازم است که خدا آن را از «آیات الهی» می داند و ایجادش را مستقیماً به خود نسبت می دهد.

{ثُمّ جَعَلَکُمْ أَزْواجًا}؛(۲)

«سپس شما را به صورت جفت هایی قرار داد».

{جَعَلَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجًا}؛(۳)

«برای شما از خودتان زوج هایی قرار داد».

{وَ خَلَقْناکُمْ أَزْواجًا}؛(۴)

«و شما را به صورت جفت آفریدیم».

بالاتر از این، خدواند از جلوه گری و زینت نمایی زنان برای مردان و ایجاد جذابیت های جنسی در نظام آفرینش یاد می کند:

{زُيِّنَ لِلنّاسِ حُبّ الشّهَواتِ مِنَ النِّساءِ....} ؛(۵)

«محبت امور دوست داشتنی از زنان و ... برای مردم آراسته شده است».

خداوند ضمن ایجاد امکان جهت دهی به استفاده کامل از این غریزه از طریق صحیح، توصیه می کند:

{ نِساؤُکُم حَرْثٌ لَکُمْ فَأْتُوا حَرْثَکُمْ أَنّی شِئْتُمْ}؛(۶)

۱- روم / ۲۱.

۲- فاطر / ۱۱.

۳- شوری / ۱۱.

۴- نبأء / ۸.

۵- آل عمران / ۱۴.

۶- بقره / ۲۲۳.

«زنانتان کشتزار شما هستند، پس از هر کجا خواستید، به کشتزارتان در آیید».

{لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ إِلاّ عَلی أَزْواجِهِمْ}؛(۱)

«نگهبان دامانشان (در امور جنسی) هستند؛ مگر برای همسرانشان».

{ أُحِلّ لَکُمْ لَیْلَهَ الصِّیامِ الرّفَثُ إِلی نِسائِکُمْ}؛(۲)

«در شب روزه داری، هم بستری با زنانتان بر شما حلال شده است».

آن گاه با انحرافات جنسی که بعد از فراهم آمدن زمینه های سالم، ممکن است پیش آید، مبارزه می کند و از آن ها باز می دارد.

{إِنّکُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَهً مِنْ دُونِ النِّساء}؛(۳)

«در واقع شما از روی شهوت، به غیر از زنان به سراغ مردان می روید».

قرآن سازوکارهای کنترلی و محدودیتی را مطرح می سازد و می فرماید:

{یُدْنینَ عَلَیْهِنّ مِنْ جَلَابِیبِهِنّ ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤْذَیْنَ}؛(۴)

«از پوشش های بلندشان به خودشان نزدیک کنند، این برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، نزدیک تر است».

یکی از وظایف دولت اسلامی، تسهیل دسترسی سالم به اشباع غرایز جنسی است و این غیر از وظایف مشخص خانواده هاست. در هر صورت

۱- مؤمنون / ۵ و۶، و ر.ک. به: معارج / ۳۰.

۲- بقره / ۱۸۷.

۳- اعراف / ۸۱.

۴- احزاب / ۵۹.

اگر نظام خانواده، در ایجاد این امکانات به هر دلیل ناموفق باشد، وظیفهٔ نظام اسلامی است که با ایجاد این دسترسی از جرایم و گناهان پیشگیری کند. روایات نیز گویای سیرهٔ امام علی(علیه السّلام) به عنوان حاکم اسلامی، در همین راستا است.

امام صادق(علیه السّلام) می فرماید: «مردی با آلت خود بازی می کرد، حضرت چنان به دستش زد که سرخ شد، بعد با پول بیت المال برای او همسری تزویج کرد».(۱)

دربارهٔ حضرت علی(علیه السّلام) نقل شده است که روزی اصحاب، پیرامونش نشسته بودند، زنی زیبا از کنارشان گذشت و حاضران، چشم به او دوختند، امام فرمود:

«همانا چشمان این مردان به منظرهٔ شهوت انگیز دوخته شده است و به هیجان آمده اند. هر وقت کسی از شما با نگاه به زنی به شگفتی آمد، با همسرش بیامیزد که او نیز زنی چون زن وی است».(۲)

طبق این روایت نیز لزوم امکان دسترسی حلال و سالم به اشباع غریزه جنسی روشن می شود.(۳)

دولت اسلامی موظف است حداقل به وظایفی که قانون اساسی به عهده اش گذاشته است، عمل کند. به این اصول توجه کنید:

۱- وسایل الشیعه، ج۱۸، ص۵۷۴، باب ۳، ابواب نکاح، ج۱، ح۱۴، ص۲۶۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۲۰، ص۷۳۱.

۳- شاید من بتوانم بگویم یکی از گناهان کبیرهٔ تمدن غرب نسبت به بشریت این است که ازدواج و تشکیل خانواده را در چشم مرد سبک و کوچک کرد (رهبر انقلاب ، برگزیده اخبار، جامعه مدرسین، ش۴، مسلسل۱۷/۴/۸۳،۱۲۷).

اصل دهم:

«از آنجا که خانواده، واحد بنیادی جامعهٔ اسلامی است، همهٔ قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید برای آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایهٔ حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

جالب اینکه قانون اساسی حتی بحث مهم مسکن را که در کشور ما دارای وزارتخانه مستقلی است، در خدمت موضوع خانواده مطرح می کند.

اصل سی و یکم:

«داشتن مسکن مناسب با نیاز، حق هر فرد و خانوادهٔ ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن ها که نیازمند ترند به خصوص روستانشینان و کارگران زمینهٔ اجرای این اصل را فراهم کند».

حتی اموری چون بهداشت و درمان، آموزش و پرورش که دو وزارتخانه مستقل هستند، از نگاه قانون اساسی در خدمت خانواده قرار دارند.

اصل چهل و سوم:

«برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار است:

تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش، و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه از حقوق مطرح در قانون اساسی است.

بنابراین نظام اسلامی باید با نگاه اولویت دار به موضوع ازدواج بنگرد و آن را بر ورزش های حرفه ای و مسابقات بیهوده، اشتغال و مسکن مقدم

دارد؛ زیرا در سایهٔ ازدواج و تشکیل خانواده انگیزه لازم برای یافتن شغل و مسکن هم فراهم می شود. اساساً یکی از ابزارهای مهم انگیزش برای شغل و مسکن، احساس نیاز خانواده به سرپناه و تأمین زندگی است.

البته نظام اسلامی با کارشناسی لازم و پیش از وقوع ازدواج ها می تواند بستر های لازم برای تهیهٔ مسکن و اشتغال لازم را فراهم آورد؛ اما نباید به این بهانه، محرومیت جنسی بر جمعیت میلیونی جوانان تحمیل شود و گر نه نهادینه شدن «تقدم اشتغال و مسکن بر ازدواج»، موجب به هم ریختگی اجتماعی خواهد شد. به گونه ای که امروزه میلیون ها دختر جوان به دلیل ادامهٔ تحصیل، به ازدواج تن نمی دهند و امیدوارانند با تحصیلات عالی تر، امکان و شانس اشتغال خود را در آینده بیشتر کنند و سرپناهی فراهم آورند. درهم ریختگی اولویت ها، ضربه های جبران ناپذیری به نظام خانوادگی توصیه شدهٔ اسلام (محوریت مرد در تأمین اقتصادی و حفظ کرامت و شخصیت زن و لکه دار نشدن آن به دلیل تأمین نیازهای ضروری اولیه) وارد کرده است.

به روایات زیر توجه کنیم تا متوجه دگرگونی ارزش ها و درهم ریختگی اولویت ها دربارهٔ ازدواج شویم.

۱. «جاء رجل الی النبی(صلّی الله علیه و آله) فشکا الیه الحاجه فقال: تزوج فتزوج فوسّع علیه؛(۱) مردی نزد پیامبر آمد و از نیازمندی شکوه کرد، به او فرمود: ازدواج کن! ازدواج کرد و زندگی اش توسعه یافت».

۲. «الرزق مع النساء و العیال؛(۲) رزق با زن و خانواده است».

۳. قال رسول الله(صلّی الله علیه و آله) من ترک التزویج مخافه العیله فقد اساء ظنّه بالله عزوجل یقول: {إِنْ یَکُونُوا فُقَراءَ یُغْنِهِمُ اللّهُ مِنْ

۱- الفروغ من الکافی، ج۵، ص ۳۳۰ - ۳۳۱.

۲- همان.

فَضْلِهِ(۱)}(۲)؛ رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)فرمود: هر کس ازدواج را به علت ترس از فقر ترک کند، حتماً به خدای عزوجل بدگمان شده است که می فرماید: «اگر فقیر باشند، خدا از فضل خود بی نیازشان می کند».

۴. عن ابی عبدالله فی قول الله عزوجل {ولیستعفف الذین لایجدون نکاحاً حتی یغنیهم الله من فضله}(۳) قال: یتزوّجوا حتی یغنیهم من فضله.(۴)

در روایاتی دیگر به دلیل اهمیت ازدواج در بازداری از جرایم و ... حتی با فضیلت ترین میانجی گری، این دانسته شده است که کسی بین دو نفر برای ازدواج شفاعت کند.(۵) همچنین امام صادق(علیه السّلام) فرمود:

«من زوّج اعزباً کان ممن ینظر الله عزوجل الیه یوم القیامه»؛(۶)

«کسی که موجب ازدواج مجردی شود، از کسانی است که خدا در قیامت به او می نگرد».

این همه آیات و روایات و آیاتی چون {وَ أَنْکِحُوا الْأَیامی}؛(۷) گویای مسئولیت دادن مؤمنان برای تحقق این راهکار مهم الهی برای پیشگیری از جرایم و گناهان ناشی از طغیان یا خاموشی غریزهٔ جنسی است. دولت اسلامی اگر بخواهد بر مدار اسلام پیش رود، مسئولیتی فراتر از مردم عادی از طریق سیاست گذاری، قانون گذاری، تشویق ها، برنامه های تبلیغی، بسیج

۱- نور/۳۳.

۲- الفروع من الکافی، ج۵، ص ۳۳۰ - ۳۳۱.

۳- نور/۳۳

۴- الفروع من الکافی، ج۵، ص ۳۳۰ - ۳۳۱.

۵- همان، ص ۳۳۱.

۶- همان.

۷- نور / ۳۲، از این آیه، نکات مهمی در مورد وظایف حکومت اسلامی برای ازدواج جوانان فاقد توان و امکانات استفاده می شود.

امکانات ملی و خصوصی، خیّرها، و ... به عهده دارد. نباید در این ارتباط، روایت های گسترده از معصومان را حمل بر مورد فردی یا اخلاقی نمود. نظام اسلامی در عصر رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)یا امام علی(علیه السّلام)در حد امکانات اجرایی خود تلاش های گسترده ای در سطوح مختلف - از جمله سطح فرهنگی - برای رفع موانع این راهکار الهی می کرد؛ مانند این روایت که نشان می دهد پیامبر برای حذف و کاهش تأثیر فاصلهٔ طبقاتی در ازدواج می کوشید.

امام صادق(علیه السّلام) فرمود:

«اِن رسولَ الله(صلّی الله علیه و آله) زوج مقداد بن الأسود ضباعه ابنه الزبیر بن عبدالمطلب و انّما زوجه لتّضع المناکح و لیتأسوا برسول الله(صلّی الله علیه و آله)ولیعلموا أن اکرمهم عندالله اتقاهم»؛(۱)

رسول خدا ضباعه دختر زبیر بن عبدالمطلب را به همسری درآورد تا ازدواج ها پایین آید و به رسول خدا اقتدا کند و بدانند که گرامی ترین آن ها نزد خدا، باتقواترین آن هاست».

محمد همدانی می گوید: به اباجعفر(علیه السّلام) نامه ای دربارهٔ ازدواج نوشتم. با خود نامه ای برایم فرستاد که نوشته بود:

«قال رسول الله(صلّی الله علیه و آله)اذا جاءکم من ترضون خلقه و دینه فزوّجوه «اِلاّ تفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر»؛(۲)

«رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)فرمود: وقتی کسی نزد شما آمد که از اخلاقش و دینش راضی بودید، به او همسر دهید، اگر انجام ندهید در زمین فتنه و فساد بزرگ خواهد شد».

در کنار این ها، به دلیل تأثیرگذاری عمیق ازدواج بر تربیت زن و مرد و فرزندان آن ها - جدای از بحث غریزه - محدودیت ها و باید و نبایدهایی

۱- الفروع من الکافی، ج۵، ص۳۴۴.
۲- همان، ص۳۴۷، سه روایت به این مضمون)..

همچون کفو بودن در عفت و ...، شارب خمر نبودن، ناصبی و شکاک نبودن، فساد عقیده نداشتن، و ... در روایات مطرح شده است.(۱)

با این همه، تأکید برای ازدواج شگفت آور است که در نظام ما، تلاش های درخور و کارآمدی انجام نشده است و ازدواج در همهٔ اشکال آن بدون وجود وزارت، سازمان و متولی خاص، مگر گاهی با حمایت های موسمی و تبلیغی، رها شده است.

نکتهٔ مهم در باب پیشگیری از جرایم و گناهان ناشی از تأمین نشدن غریزهٔ جنسی، این است که ازدواج راه اصلی تأمین مشروع آن است و به پیشگیری عمده از طریق سلب فرصت گناه و جرم می انجامد؛ زیرا با تأمین مشروع نیاز، فرصت سوء استفاده برای مجرمان جنسی از

بین می رود. از طرف دیگر با حمایتی که زن و مرد به دلیل ایجاد پیوستگی اجتماعی جدید انجام می دهند، نوعی پیشگیری حمایتی هم به وجود می آید و به این طریق هر یک از دو طرف در معرضِ جرم، با حمایت همسر خود، توان رویارویی با جرم و عدم ارتکاب آن را می یابد.

نظام اسلامی باید در این باب به آسیب پذیری بیشتر زنان و دختران توجه کند و برای پیشگیری از جرم و گناه ناشی از ساختارهای ویژهٔ بدنی و عاطفی و ... آنان، تدابیر لازم را طراحی و در محیط های تحت اشراف خود عملی کند. در روایات اسلامی تأکید فراوانی بر شدت غریزهٔ جنسی بانوان و در نتیجه آسیب پذیری بیشتر آنان شده است. به این روایت توجه کنید:

«خلق الله الشهوه عشره اجزاء فجعل تسعه اجزاء فی النساء و جزءاً واحداً فی الرجال و لولا ماجعل فیهن من الحیاء علی قدر اجزاء الشهوه لکان لکل رجل تسع نسوه متعلقات به»؛(۲)

۱- همان، ص۳۴۷ - ۳۶۴.

۲- الکافی فی الاصول، ج۵، ص۳۳۸. (پنج روایت به همین مضمون)، از این رو امام علی(علیه السّلام) می فرمود: «اگر مانع ازدواج موقت نمی شدند، جز عده ای خاص، کسی زنا نمی کرد».

«خداوند شـهوت را ده قسـمت آفرید، آن گاه نُه بخش آن را در زنان و یک جزء را در مردان قرار داد و اگر به اندازهٔ شهوت، حیا در آن ها قرار نداده بود، نُه زن، به هر مرد می آویختند».

این نوع روایـات تأکیـد دارد که تلاش بیش تری برای حفظ حیای زنان لازم است و اگر حیای آنان دچار آسـیب شود، ده ها برابر بیشتر از مردان در معرض آسـیب خواهند بود. همچنین حیا از عوامل اساسـی پیشگیری از جرایم و گناهان است که همین عامل باعث پیشگیری طبیعی و خدادادی در زنان و دختران می شود. حال وظیفهٔ نظام اسلامی تلاش برای گسترش فرهنگ حیا و عفاف است، در غیر این صورت، شهوات که ضد حیا و عفت هستند،

جامعه را آماج گناهان قرار خواهند داد.

«اهجروا الشهوات فانها تقودکم الی رکوب الذنوب و التهجّم علی السیّئات»؛(۱)

«شهوت ها را رها کنید؛ زیرا آن ها شما را به ارتکاب گناهان و هجوم به سوی بدی ها می کشاند».

«کیف یستطیع الهدی من یغلبها الهوی»؛(۲)

«چگونه انسان می تواند به هدایت برسد، با اینکه هوای نفس بر او چیره شده است».

گستردگی خطر گناه زایی این مسئله به حدی است که رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمود:

«ثلاثٌ اَخافَهُنَّ بَعدی علی اُمتی الضَّلالهُ بعد المعرفه و مُضِلّاتُ الفِتن و شَهوهُ البطنِ و الفرج»؛(۳)

۱- غررالحکم ، خ۵ ص۲۵.

۲- همان، خ۷۰۰۱، ص۵۶۶.

۳- الکافی فی الاصول، ج۲، ص۷۹.

«سه چیز است که بعد از خودم، بر امتم نگرانم؛ گمراهی بعد از آگاهی و آزمایش های گمراه کننده و شهوت شکم و جنسی».

«اکثر ما تلجُ به امتی النار الاجوفان، البطن و الفرج»؛

«بیش ترین چیزی که امت مرا به آتش وارد می کند دو چیز توخالی است؛ شکم و فرج».(۱)

نظام اسلامی باید در کنار ازدواج - همهٔ انواع آن - به تقویت این امور کمک کند تا مانع بروز جرایم و گناهان برخاسته از غریزهٔ جنسی شود.

۲. سالم سازی محیط

طبیعت غریزهٔ جنسی، تنوع طلبی و حرص انسان بر ارضای آن از راه های مختلف، و تأثیر جلوه گری و هر گونه تحریک این غریزه، می طلبد که محیط ها توسط نظام اسلامی عاری از امکان گناه شود. مدیریت فرصت ها و امکانات باید به گونه ای باشد که فرصت اشباع این غریزه در غیر محیط شرعی فراهم نشود، در حالی که امروزه نمونه ها و ساختارهای بسیاری را می توان نشان داد که زمینهٔ اعمال مهار گسیخته این غریزه در جامعه اسلامی هستند؛ حال آنکه تلاش نظام اسلامی باید برخلاف این باشد. عنایت ویژهٔ اسلام به حجاب و پوشش در این بخش قرار می گیرد که نظام اسلامی وظیفهٔ مهمی در گسترش و فرهنگ سازی برای آن دارد.(۲)

۳. کار و اشتغال

تلاش برای کاهش فراغت ها، بیکاری ها و سرگردانی ها از عوامل مهم پیشگیری از جرایم ناشی از غریزه جنسی است. اصولاً رابطه ای ملموس بین

۱- همان.

۲- {یُدْنینَ عَلَیْهِنّ مِنْ جَلاَبِیبِهِنّ}، احزاب/ ۵۹.

بیکـار مانـدن بـا افزایش جرم و گناه وجود دارد. به گونه ای که آمار جنایات و اعتیاد در ایام بیکاری و تعطیلات تا هفت برابر افزایش می یابد. امام موسی بن جعفر(علیه السّلام) فرمود:

«ان الله عزوجل یبغض العبد النوام الفارغ؛[(۱)]

«خدای عزوجل بنده پرخوابِ بیکار را دشمن می دارد».

۴. تقویت ایمان

هر چه ایمان تقویت شود، توان پیشگیری از گناه - از جمله گناهان جنسی - افزایش می یابد. امام علی(علیه السّلام) فرمود:

«من اشتاق الی الجنه سلاعن الشهوات»؛

«کسی که مشتاق بهشت شود، شهوات را فراموش می کند».

توصـیه هـای اسـلامی به اعمالی مثل روزه برای پیشـگیری از طغیان غریزهٔ جنسـی به همین منظور است و دولت اسـلامی وظیفه دارد برای عملی شـدن چنین عبـاداتی به منظور پیشـگیری از جرم، فضـای جامعه را به ایمان و معنویت عطرآگین و دل ها را به دوری از گناه مشتاق سازد.

۵. تقویت حیثیت های اجتماعی و شخصیتی

هر چه نظـام اسـلامی در تولیـد و تقویت حیثیت هـای اجتماعی، محلی، شخصـیت و آبرو های بازدارنـده تلاش کنـد، به همان میزان، حیثیت ها مانع رشد جرم و گناه می شوند. احساس شخصیت و حیثیت اجتماعی مانع بسیاری از گناهان می شود.

امام علی(علیه السّلام) فرمود:

«حلاوه الشهوه یُنَغِّصُها عار الفضیحه»؛[(۲)]

۱- فروع کافی، ج۵، ص۸۴.

۲- غررالحکم، ح۴۸۸۵.

«شیرینی شهوت را ننگ رسوایی از میان می برد».

«زیاده الشهوه تُزری بالمروه»؛(۱)

«افزوده شدن شهوات، شخصیت انسان را لکه دار می کند».

۶. آگاهی بخشی از عوارض انحراف

نظام اسلامی از طریق ابزارهای متعدد فرهنگی، رسانه ای و ... می تواند با آگاهی بخشی از عوارض گناهان و جرایم، نقش بسیار مؤثری در کاهش آن داشته باشد. قرآن کریم و معصومان: با این روش کوشیده اند مخاطبان را از عبور از خط قرمز ها و ورود به حریم گناه و عصیان بازدارند.

رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)با اطلاع رسانی از عوارض، همین هدف را پیگیری می کرد. به نمونه ای توجه کنید.

«خمس ان ادرکتموهن فَتعوّذوُا بـالله منهن: لم تَظهر الفـاحشه فی قوم قـطُّ حتی یعلوننهـا الاّـظهر فیهم الطاعون و الاوجاع التی لم تکن فی اسلافهم الذین مضوا ....»؛(۲)

«پنـج چیز است که اگر بـا آن ها روبه رو شدیـد، از آن ها به خـدا پناه ببریـد، اعمال زشت و آشـکار در هیـچ قومی ظاهر نمی شود، مگر اینکه گرفتار طاعون و بیماری هایی می شوند که در میان پیشینیان آنان نبود و...».

به این حدیث امام علی(علیه السّلام) نیز دقت کنید:

«اُذکر مع کلِّ لَذَّهٍ زوالَها و مَع کلِّ نعمهٍ انتقالَها و مع کُلِّ بلیهٍ کشفَها فِانّ ذلک اَبقی للنِّعمه و اَنفی لِلشَّهوه و اَذهبُ

۱- شرح غررالحکم، ح۵۵۰۷، و . ر.ک.به: «من کرمت علیه نفسه هـانت علیه شـهوته». (بحار، ج۷۸، ص۷۱)؛ «من عرف شرف معناه صانه عن دنائه شهوته» (غررالحکم، ح۹۰۶۹)..

۲- الکافی فی الاصول، ج۲، ص۳۷۳.

للبَطَر و اَقربُ الی الفَرَجِ و اَجدُر بِکشفِ الغُمَّهِ و دَرکِ المامول»؛(۱)

«با هر لـذت، نابودی آن را و با هر نعمت، گذرا بودنش را و با هر بلا، برطرف شدن آن را به یاد آور، زیرا آن یادآوری نعمت را پایـدارتر و شـهوت هـا را دورتر می سازد و مستی و غرور نعمت را بهتر نابود می کنـد و به گشایش امور نزدیک تر است و برای از میان بردن اندوه و رسیدن به مقصود، شایسته تر است».

ب. محرومیت های اقتصادی

محرومیت های اقتصادی از مهم ترین زمینه های جرم زایی اند. در اصل سوم قانون اساسی می خوانیم:

«دولت جمهوری اسـلامی ایران مؤظف است برای نیـل به اهـداف مـذکور در اصل دوم، هم امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱۲. پی ریزی اقتصـاد صـحیح و عادلانه طبق ضوابط اسـلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه و...».

این سخن بدان معنا نیست که برخورداری های فراوان ضد جرم است، بلکه آن هم در صورت نبود خود کنترلی، تعهد،

ایمـان، ظرفیـت و ... زمینه ای برای جرم خیزی است.(۲) سـخن مـا در اینجا پیرامون محرومیت هایی است که می تواننـد زمینهٔ جرم و گناه بشوند.

۱- میزان الحکمه، ج۴، ح۳۴۳۸۴، ح۲۱۵۰۷.

۲- علـق / ۶ - ۷، قصص / ۷۸ - ۸۱؛ سباء / ۳۴، قصص /۵۸؛ نور الثقلین، ج۵، ص۶۶۲؛ ماجرای مشـهور ثعلبه در بحارالانوار، ج۲۲، ص۴۰.

می دانیم که هر فردی برای ارضای غرایز خود همواره در تلاش است، اما در بیشتر مواقع تزاحم با خواسته های دیگران، مانع رسیدن به این اهداف می شود و غرایز فرد بی پاسخ می ماند. او در مقابل می کوشد با تجربیات، آموزش ها و کسب مهارت ها، شرایط لازم برای پاسخ گویی بیشتر و غلبه بر شرایط محیط را فراهم آورد و محرومیت خود را کاهش دهد. ایجاد محرومیت ها و عقده ها، سبب می شود، خواسته یا ناخواسته ، هر زمان که فرصت به دست آمد، برای رفع آن یا کاهش عوارض محرومیت ها بکوشد. در اینجاست که امکان کج روی و انحراف از

قوانین و ارزش ها بیشتر می شود و زمینهٔ جرم و گناه پدید می آید.(۱)

به طور حتم فقر یک زمینه است که شرایط دیگر مانند اعتقادها، ارزش های دینی، هنجارها و حیثیت های اجتماعی، اقناع عقلی و ... می تواند به مهار آن کمک کنند، در عین حال به عنوان یک واقعیت نباید انکار کرد که محرومیت ها، زمینه (علت ناقصه) انحراف ها را پدید می آورند و همهٔ جریان های دخیل (از خانواده تا نظام اسلامی) در حد خود وظیفهٔ کاهش محرومیت ها با هدف کاهش زمینه های جرم خیزی را به عهده دارند؛ به گونه ای که بدون سرکوبی غرایز، کنترل و جهت دهی آن را به سامان رسانند.

این واقعیت انکارپذیر نیست که اکثریت مردم همواره طعم محرومیت ها را می چشند و اقلیت محدودی در دهک های بالای اقتصادی و ... بالاترین

۱- ر.ک. به: مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟ تاج زمان دانش، ص۴۰ - ۴۳؛ منابع اسلامی محرومیت های غرایز را علت تامه گناه و جرم نمی شناسد، اما به عنوان «زمینه» و «علت ناقصه» می پذیرد و معتقد است که عواملی چون دین، آموزه های اجتماعی و ... می توانند به کنترل و جهت دهی سالم آن کمک کنند. به عبارتی فرد باید غرایز خود را بدون هزینه ارضا نکند، بلکه در مقابل خدمت و تلاش قانون مند و مفید به جامعه، به ارضای غرایز موفق می شود.

حجم برخورداری ها را دارنـد؛ از سویی محرومـان بیشتر در گیر جرم هسـتند. به این ترتیب نظام هـای قضایی هر چنـد بتوانند بازوی قوی برای کنترل جرم باشند، نخواهند توانست از گسترش بزهکاری ها جلوگیری کنند، بنابراین دولت و نظام اسلامی و عوامـل اجرایی در سـطح ملی و محلی، اگر با هـدف «تأمین خواسـته های مشـروع تودهٔ مردم» سامان یابنـد و خـدمت کننـد؛ نه تـأمین منـافع قدرتمنـدان و برخوردارهـا، خواهنـد تـوانست بـه پیشـگیری از گسـترش جرم امیـدوار باشـند.(۱) از ایـن رو در کشورهـایی مثـل انگلیس و فرانسه هر از گـاهی واکنش هـای خشونت آمیز در منـاطق فقیرنشـین ایجـاد می شونـد که گویـای ناامیدی محرومان از تأمین خواسته های مشروع توسط نظام اجرایی و دولت است.

برای توضیـح لازم است بـدانیم جامعه و محرومان برعهـدهٔ اعضای برخوردار، حق دارند و این(۲) به دلیـل ایفای نقش آنان در تـداوم وضـعیت افراد برخوردار است. گـاهی روشن است، ماننـد حق پـدر، معلم و طبقـاتی از این نوع و گاه پنهان است؛ مانند نیازمنـدان، محرومـان، و ... . بـا دقت در زنجیرهٔ اجتمـاع می توان حقوق آن هـا نسبت به اعضای دیگر را کشف کرد و آنگاه است که معلوم می شود توجه به خواسـته و نیـاز محرومـان، حقی است که آنهـا برعهـدهٔ گروه هـای برخوردار و نظام اسـلامی دارند. بر این اساس رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای خطاب به نمایندگان مجلس می گوید:

«نماینـدهٔ مردم بایـد نماینـدهٔ توده مردم باشـد، به خصوص نماینـدهٔ کسانی باشـد که به حضور نماینده شان در سـطوح تصـمیم گیری و تصـمیم سازی کشور بیشتر نیاز دارنـد؛ آن هایی که دسـتشان به جایی نمی رسـد و محرومیّت بیشتری دارنـد.در درجهٔ اول نمایندگی از

۱- پیک خبری پلیس، همان، نقل از: مجلهٔ لوموند، خشونت های اجتماعی، ژوئیه ۲۰۰۱.

۲- خـدا در هر نعمتی حقی دارد، هر کس آن را بپردازد ، فزونی یابـد و آن کس که نپردازد و کوتاهی کنـد، در خطر نابودی قرار گیرد، (نهج البلاغه، ج۲۴۴، ص ۶۸۱).

مردم محروم را برای خودتان تعریف کنید... یک قانون شما می تواند شکاف بین فقیر و غنی را عمیق تر کند، باید دنبال این باشید که این فاصله را کم و این شکاف را پر کنید».(۱)

وقتی مردی نزد امام سجاد(علیه السّلام) آمد و از «حق معلوم» در آیهٔ شریفه {وَ الّذینَ فی أَمْوالِهِمْ حَقٌ مَعْلُومٌ لِلسّائِلِ وَ الْمَحْرُوم}(۲) پرسید، حضرت به وی فرمود: «حق معلوم چیزی است که شخص از مال خود بیرون می کند و آن غیر از زکات و صدقه واجب است». آن مرد پرسید: با آن، چه کند؟ فرمود: «صله رحم کند و به ضعیفان کمک نماید و رنج ایشان را برطرف سازد و یا به برادر دینی اش محبت کند و گرفتاری او را بزداید».(۳)

بنابراین اگر این حقوق پرداخته نشود و محرومیت ها کاهش نیابد، فاصلهٔ طبقاتی رنج آور و جرم ساز خواهد شد.(۴) نظام اسلامی باید این حقوق متقابل را در قوانین، اجرا کند و تبلیغات و ... را به عنوان اصل حاکم، لحاظ و اعمال نماید. قانون اساسی در اصل چهل و سوم جایگاه ریشه کنی فقر و محرومیت را چنین تبیین می کند:

«برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می شوند .....»

ص: ۵۵

۱- برگزیدهٔ اخبار، جامعهٔ مدرسین، شماره ۴، مورخ ۱۷/۴/۸۳، مسلسل ۱۲۲، ص۶ - ۷.

۲- معارج / ۲۴ و ۲۵.

۳- وسائل الشیعه، ج۶، ص۶۹.

۴- خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه داران قرار داده است، پس فقیری گرسنه نمی ماند، مگر به کامیابی توانگری و خدا از آنان دربارهٔ گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید. (نهج البلاغه، ح۳۲۸).

اما واقعیت های جامعه امروز ما چیز دیگری را نشان می دهند و به دلیل همین خاصیت جرم زایی است که فقر به شدت در روایات مذمت شده است؛ مانند:

«الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ»؛(۱) «فقر، بزرگ ترین مرگ است».

«فرزندم! از فقر بر تو می ترسم. از آن به خدا پناه ببر؛ چون فقر، دین انسان را ناقص و عقل او را مضطرب و مردم را نسبت به او و او را نسبت به مردم بدبین می سازد».(۲)

«القبر خير من الفقر»؛(۳)

«قبر بهتر از فقر است».

«آگاه باشید که فقر، نوعی بلا است و سخت تر از تنگدستی، بیماری تن و سخت تر از آن بیماری قلب است».(۴)

«وَالْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطِنَ عَنْ حجّته، وَالْمُقِلُّ غَرِيبٌ فِي بَلْدَتِهِ»؛(۵)

«فقر، برهان مرد زیرک را کُند می کند و تهی دست در شهر خود غریب است».

«الْغِنَى فِي الْغُرْبَهِ وَطَنٌ، وَالْفَقْرُ فِي الْوَطَنِ غُرْبَه»؛(۶)

«بی نیازی در غربت، وطن است و فقر در وطن، غربت».

«اَللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَ لَا تَبْذُلْ جاهِيَ بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ طَالِبِي رِزْقِكَ»(۷)

۱- نهج البلاغه، خ۱۶۳.

۲- همان، ح ۳۱۹.

۳- فهرست غررالحکم (مادهٔ فقر).

۴- نهج البلاغه، ح۳۸۸.

۵- همان، ح۳.

۶- همان، ۵۶.

۷- همان خ ۲۲۵، ص ۴۶۰.

«خدایا آبروی مرا با بی نیازی حفظ کن و موقعیت مرا با فقر لکه دار نکن که از روزی خواران تو روزی بخواهم».

در این روایات به عوارضی از فقر اشاره شده است که همگی زمینه ساز جرایم و گناهان هستند؛ مانند نقصان دین، اضطراب در فکر و عقل، حس بدبینی طرفینی، نداشتن جایگاه اجتماعی، احساس تنگنا و فشار، احساس بی پناهی و بی آبرویی و ... .

ج. راه های پیشگیری از فقر

پیشگیری از فقر

«فقر زدایی پایدار» از اصلی ترین راهکارهای پیشگیری از فقر و در امان ماندن از جرایم ناشی از فقر است. فقرزدایی پایدار اقتصادی با مهندسی جامع اقتصادی و در نظر گرفتن تمام شاخصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... ممکن است.

نظام اسلامی برای مبارزه با فقر و محرومیت باید در گام اول عوامل محرومیت در هر بخش را شناسایی کند. در گام بعد ساختار آن ها را تشخیص دهد و آنگاه به پیشگیری و مبارزه بپردازد. بدیهی است هر چه سرمایه گذاری برای کاهش شرایط فقر و محرومیت زیادتر شود، جرم و گناه نیز کاهش خواهد یافت؛ زیرا بستر جرم و گناه محدود تر و نامساعد تر خواهد شد. این عزم زمانی به وجود خواهد آمد که ارکان نظام اسلامی در عمل هم قبول کنند که فلسفهٔ حکومت آنان فقرزدایی و عدالت ورزی است.

«سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید! اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران، حجّت را بر من تمام نمی کردند و اگر خداوند از علما، عهد نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگران و

گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را روی کوهان آن می انداختم و رهایش می کردم».(۱)

ایجاد رفاه عمومی

با ایجاد رفاه عمومی، اضطراب ها و تنگناها کاهش می یابد و زمینه های جرم و گناه ناشی از محرومیت ها محدود تر می شود. امام علی(علیه السّلام) نمونه ای از رفاه گستری خود در کوفه را چنین به تصویر می کشد:

«ما اصبح بالکوفه احدٌ الاّ ناعماً انّ ادناهم منزلةً لیاکلَ البُرَّ و یجلس الظّل و یشرب من ماء الفُرات»؛

«هیچ کس در کوفه روزگار نمی گذراند؛ مگر اینکه در نعمت و رفاه است. کم ترین آنان از نظر سطح زندگی، نان گندم می خورد و در سایه می نشیند و از آب فرات (آب گوارا) می نوشد.(۲)

تلاش دولت ها برای رفع نیازمندی های منجر به جرایم، از دیگر اقدامات مؤثر برای پیشگیری است. امام علی(علیه السّلام) در نامه به مالک اشتر، راه های کاهش دست اندازی به بیت المال را چنین بیان می کند:

«در امور کارمندانت بیندیش ... سپس روزی فراوان برآنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خویش می کوشند و با بی نیازی دست به اموال بیت المال نزنند و اتمام حجتی است برآنان؛ اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند».(۳)

دربارهٔ قضات نیز توصیه می کند:

۱- نهج البلاغه، خ۳، ص۴۹، و.رک. به: خ۳۳، و خ۴.

۲- بحارالانوار، ج ۴۰، ص۳۲۷.

۳- نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳، ص۵۷۹.

«... پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت های او بیندیش و آن قدر به او ببخش که نیاز هایش رفع گردد و نیازمند مردم نباشد...».(۱)

عدالت اجتماعی و اقتصادی

از راه های مهم جلوگیری از بروز محرومیت ها، عدالت محوری در هر سه بعد «تولید» و «توزیع» و «مصرف» است. نظام اسلامی باید سیاست های روشن برای اجرای

همزمان عدالت اجتماعی و اقتصادی داشته باشد.(۲)

پیشگیری از عوارض محرومیت اقتصادی

اشاره

هر چند تلاش برای جلوگیری از بروز فقر، مقدس و ضروری است، اما بی گمان در هر وضعیتی باز محرومیت هایی وجود خواهد داشت. دولت اسلامی در گام دوم باید تلاش خود را برای کاهش آثار فقر به کار بندد تا شاهد بروز جرایم و گناهان با منشأ فقر اقتصادی نباشد. بخشی از این اقدامات پیشگیرانه عبارتند از:

الف. برنامه های حمایتی

اشاره

حمایت از گروه های در معرض آسیب و خطر از وظایف اولیه حکومت اسلامی است و می تواند نقش مؤثری در کاهش جرم های مولود

۱- همان، ص ۵۷۷.

۲- قصهٔ «عدالت اجتماعی و اقتصادی و تقدم یکی بر دیگری» در جمهوری اسلامی پیشینه ای طولانی دارد که مطالعهٔ سیر آن و نیز تأثیر گذاری هر کدام از طرز تفکرها بر وضعیت جرم و گناه درجامعه اسلامی فرصتی دیگر می طلبد؛ هر چند بحث ها و مقالات مفصلی دربارهٔ تقدم و تأخر این ارائه شده و حتی کتاب هایی هم نگاشته شده است، اما موضوع «تأثیر حاکمیت هر یک از دو دیدگاه بر جرم خیزی» یا پیشنهاد «دیدگاه سوم و تأثیر آن در جرم زدایی» تاکنون مورد توجه مسئولان و یا نهادهای علمی و آموزشی قرار نگرفته است و برای نمونه نمی توان پایان نامه یا تحقیقی در این ارتباط معرفی کرد.

محرومیت های اقتصادی داشته باشد. نمونه هایی از برنامه ها و سیاست حمایتی را می توان چنین برشمرد:

۱. امکان دستیابی یکسان به کالاهای ضروری

دولت اسلامی موظف است با فراهم ساختن امکان دستیابی یکسان همهٔ طبقات به کالاهای اساسی، گرد محرومیت را در ابتدایی ترین شکل آن از سیمای محرومان بزداید.

از ابن عمر نقل شده است که در زمان رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله) به بیرون شهر می رفتیم و از قافله هایی که می خواستند وارد شهر شوند، مواد غذایی خریداری می کردیم. پیامبر(صلّی الله علیه و آله) به یکی از مسلمانان مأموریت داد به همهٔ خریداران اعلام کند.

«کسی حق خرید جنس در بیرون از شهر را ندارد، بلکه همه باید صبر کنند تا فروشندگان وارد شهر شوند و به میدان یا بازار بیایند و اجناس خود را در معرض دید قرار دهند تا همه بتوانند استفاده کنند».(۱)

۲. سوق دادن مشارکت مردمی برای جبران فقر

آیات و روایات فراوانی دربارهٔ رسیدگی اغنیای جامعهٔ اسلامی به فقرا وارد شده که هدف آن مشارکت ثروتمندان در زدودن فقر است.

ابوبصیر می گوید: در حضور امام صادق(علیه السّلام) دربارهٔ ثروتمندان شیعه صحبت کردیم، امام با لحنی که گویا از شنیدن سخنان ما کراهت داشت، فرمود:

«ای ابا محمد! اگر شخص مؤمن ثروتمند باشد، صلهٔ رحم کند، به دیگران مهربانی ورزد و به دوستانش نیکی کند، خدا به اندازهٔ دو

۱- ولایه الفقیه، ج۲، ص۲۶۴؛ به نقل از صحیح بخاری، ج۲، ص۱۴، بیوع، باب ۴۹.

برابر آنچه در راه نیکی به دیگران انفاق کرده است، به او پاداش خواهد داد».(۱)

مسلماً دولت اسلامی موظف به اعمال سیاست های حمایتی از نیازمندان است،اما نکتهٔ مهم این است که در این مسیر به جذب حمایت های مردمی و نهادینه سازی آن به عنوان یک ارزش و فرهنگ هم مؤظف است. سیاست های دولت اسلامی باید به گونه ای باشد که مردم در برابر نیازمندان احساس همبستگی و مسئولیت بکنند. یکی از ابزارهای این کار که رسول اکرم و اهل بیت: بر آن تأکید دارند، استفاده از «وابستگی های خانوادگی و ...» است، آن ها می کوشند در جامعه، حس مسئولیت نسبت به وابستگان خود را ایجاد کنند.

امام صادق(علیه السّلام) فرمود:

«قال رسول الله(صلّی الله علیه و آله) خمس تمرات او خمس قرص او دنانیر او دراهم یملکها الانسان و هو یرید ان یمضیها فافضلها ما انفقه الانسان علی والدیه ثم الثانیه علی نفسه و عیاله ثم الثالثه علی قرابته الفقراء ثم الرابعه علی جیرانه الفقراء ثم الخامسه فی سبیل الله و هو اخسّها اجراً»؛(۲)

رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمود: پنج خرما یا پنج نان یا پنج دینار یا درهم که انسان داشته باشد و بخواهد بدهد، بهترین کار را انجام دهد، آن است که انسان به پدر و مادرش انفاق کند، در مرتبهٔ دوم به خود و خانواده اش، در مرتبهٔ سوم، به فقیران از خویشانش، در مرتبهٔ

۱- وسائل الشیعه، ج۱۱، باب اول از ابواب فعل معروف ، ص۵۲۴، ح۱۲، و ر.ك. به: همان، ح۶ و۹ و۱۲.
۲- الکافی فی الاصول، ح۵، ص۶۶.

چهارم به همسایگان فقیرش و در مرتبهٔ پنجم در راه خدا و این پایین ترین مرتبه از لحاظ اجراست».

بنابراین استفاده از نظام خانواده،(۱) محله، ... از راه های حمایت از فقرا است. لازمهٔ عمل به این توصیه آن است که نظام اسلامی در حفظ نظام خانواده، محله، ... باید چنان بکوشد که آن ها در مواقع نیاز به «خود ترمیمی» اعضا اقدام کنند. ترویج فرهنگ قرض الحسنه، و... نیز همه در همین راستا قابل ارزیابی است.(۲)

ایجاد قرض الحسنهٔ ویژهٔ اقشار محروم از وظایف دولت است و این کار بر حمایت و دادن صدقه و زکات مقدم است.

این کارکرد غیر از وظیفهٔ اقتصادی نظام اسلامی در محو فقر و یاری محرومان است؛ مانند آیه {وَ لا تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَهً إِلی عُنُقِکَ...}(۳) که به ملازمه نشان می دهد مردم از حاکم اسلامی انتظار کمک و حاکم اسلامی هم به این انتظارها، حتی بیش از حد لازم، پاسخ می داد.

۳. توجه ویژهٔ حکومت اسلامی به محرومان

در منابع اسلامی به فقرا و نیازمندان توجهٔ ویژه شده است. نظام اسلامی هم مؤظف است در کنار تمام برنامه ها، برنامه ای دقیق، کارآمد و مستقل برای حمایت از فقرا و محرومان داشته باشد. به همین دلیل امام علی(علیه السّلام) در نامه به فرماندارش (مالک اشتر) بخشی ویژه، مهم و طولانی برای محرومان و مستضعفان می گشاید و می نویسد:

۱- در منابع اسلامی از مسئولیت عاقله در پرداخت برخی دیون یاد شده است.

۲- ر.ک. به: قرض الحسنه، محمد حسین ابراهیمی، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

۳- اسراء/۳۱.

«خدا را، خدا را! در خصوص طبقات محروم و پایین جامعه! که هیچ چاره ای ندارند، از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران، درماندگان».

«همانا در این طبقهٔ محروم گروهی خویشتن داری می کنند و جمعی به گدایی دست نیاز برمی دارند، پس برای خدا، پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است. بخشی از بیت المال و بخشی از غله های زمین های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص بده؛ زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می باشی.(۱)

۱- سهم مساوی دورترین و نزدیک ترین شهروند مسلمان در فرصت ها و نعمت ها و مسئولیت حاکمان اسلامی در برابر برهم خوردن این تعادل، گویای عظمت نظام حکومتی اسلامی است و رهبران و مدیران جامعه اسلامی باید با چنین ملاک ها و میزان هایی، میزان اسلامی بودن روش های حکومتی و مدیریتی خود را بسنجد. به راستی آیا امروزه چنین تساوی در جامعهٔ ما اعمال می شود؟ آیا حقوق روستاییان مساوی با حقوق شهرنشینان لحاظ می شود؟ آیا اگر چنین تساوی اعمال شده بود، ما شاهد گسترش حاشیه نشینی، گسست از خانواده، تورم جمعیت، کاهش امنیت ... بودیم؟ این وضع نامتعادل اختصاص به روستائیان ندارد، در شهرها نیز عدم تعادل بین امتیازات دریافتی مراکز استان ها با شهرستان ها همواره عامل فربه شدن مراکز استان ها و نابودی و عقب افتادگی و گسترش فقر، فساد و تبعیض در شهرهای دیگر شده است. هر چند دولت جدید با استانی کردن بودجه ها تا حدودی کوشیده این نابسامانی را کاهش دهد، اما این نسخه نیز نمی تواند عامل ایجاد بسامانی و برابری امتیاز مراکز استان ها و شهرستان ها و همین طور واحدهای کوچک تر شود. این همه نشان می دهد نظام تخصیص و پخش بودجه ها، امکانات و امتیازات در جامعه ما مسیری غیر از توصیهٔ امام علی(علیه السّلام) به مالک اشتر را می پیماید. نکتهٔ دیگر اینکه تأسیس دفاتر و مراکزی چون دفتر رسیدگی به مناطق محروم و ... هم نمی تواند پوشش دهندهٔ دائمی این نقاط کور باشند، هر چند برای کوتاه مدت مراکزی این چنین می تواند مرهمی موقت بر دردهای ناشی از بی عدالتی باشند، اما نظام اسلامی باید با اصلاح نظام توزیع ثروت و تولید، از پیدایش فقر در سایهٔ توزیع ناعادلانهٔ ثروت ها، پیشگیری کند. و آنگاه برای عوارض ناشی از اجرای احیاناً ناقص قوانین، عدم دسترسی های طبیعی و ... با تأسیس مراکزی به درمان مقطعی و موردی هم اقدام کند.

مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسئولیت های کوچک نخواهد بود.

همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی مگردان، به ویژه امور کسانی از آنان را بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی آیند و دیگران آنان را کوچک می سازند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتن هستند، فردی را انتخاب کن تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش دهند سپس در رفع مشکلشان به گونه ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی؛ زیرا این گروه در میان مردم، بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند و حق آنان را به گونه ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی. از یتیمان خردسال و پیران سالخورده که راه چاره ای ندارند و دست نیاز بر نمی دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است.

اگر چه حق، تمامش سنگین است، اما خدا آن را بر مردمی آسان می کند که آخرت طلب هستند. نفس را به شکیبایی وا می دارند و به وعده های پروردگار اطمینان دارند. پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص بده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که آفرید، فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سراهشان بردار تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند.

ص: ۶۴

من از رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) بارها شنیدم که می فرمود: «ملتی که حق ناتوان را از زورمندان بدون اضطراب و با صراحت نگیرد، رستگار نخواهد شد».(۱)

۴. تشویق اشتغال

تأکید اسلام بر توانمندسازی فقرا و محرومان برای رسیدن به رفاه جامعه است؛ از این رو سیاست های حمایتی بعد از مرحلهٔ توانمند سازی قرار خواهد گرفت.

رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) می فرمود:

«مسئله الناس من الفواحش»؛(۲)

«درخواست از مردم، از زشتی هاست».

«ملعون معلون من القی کلّه علی الناس»؛(۳)

«از رحمت خدا به دور است، از رحمت خدا به دور است کسی که زحمت زند گی اش به گردن دیگران اندازد».

«طلب الحلال فریضه علی کل مسلم و مسلمه»؛(۴)

امام علی(علیه السّلام) به مردی فرمود:

«احمل علی رأسک و استغن عن الناس»؛(۵)

«بر سر خود بار حمل کن و از مردم بی نیاز باش».

دولت اسلامی باید فرهنگ کار و تلاش را در جامعه گسترش بدهد و موقعیت و فرصت های کار را در جامعه فراهم سازد تا محرومان بتوانند برای

۱- نهج البلاغه، نامهٔ۵۳، ص۵۸۵.

۲- الکافی فی الاصول، ج۵، ص۸۴.

۳- همان، ج۵، ص۷۲.

۴- بحار الانوار، ج۱۰۳، ص۹.

۵- همان، ص۷۷.

نجات از محرومیت به تلاش و کار دست زنند. اساساً توصیهٔ اسلام به کار و افزایش تولید است و مردم را به تلاش در تولید فرا می خوانند؛ زیرا تلاش و تولید عامل کاهش جرم است و این سخن منافی دعوت اسلام به زهد در مصرف نیست. امام علی(علیه السّلام) نخلستان، چاه آب و ... ایجاد می کرد و پیامبران همگی در پی کار و تلاش بودند؛ لذا وقتی شخصی امام کاظم(علیه السّلام) را سراپا، پر عرق و در حال کار در زمین کشاورزی دید، از توجهٔ حضرت به دنیا ابراز شگفتی کرد.

امام در برابر ابراز شگفتی وی فرمود:

«قد عمل بالید من هو خیر منی فی ارضه و من ابی»؛

«کسانی که بهتر از من و پدرم بودند در زمین خود کار می کردند!]او پرسید چه کسانی؟ فرمود:[رسول الله. امیرمؤمنان و همهٔ پدرانم با دستانشان کار می کردند و آن از کار پیامبران و مرسلین و اوصیاء صالح است».(۱)

امام علی(علیه السّلام) می فرمود:

«به تجارت بپردازید که از آنچه در دست مردم است، شما را بی نیاز می سازد».(۲)

رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) نیز می فرمود:

«قسم به آن که جانم در دست اوست، اگر یکی از شما طنابی بگیرد و داخل این صحرا شود، هیزم جمع کند تا آنجا که دوطرفش را نبیند، آنگاه وارد بازار شود و به یک مدّ از خرما بفروشد، یک سوم آن را خود بردارد و دو سوم دیگر را صدقه

۱- فروع کافی، ج۵، ص۷۵ ، ۷۶.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۱۱.

بدهد، برای او بهتر از این است که از مردم چیزی بخواهد، بدهند یا ندهند».(۱)

البته فرصت های شغلی در آن دوره اموری مانند آنچه در روایات ذکر شد، بودند و ائمه و معصومان نیز با یادآوری همان فرصت ها، مردم را به تلاش و کار وامی داشتند؛ اما امروزه فرصتها دگرگون شده است و نظام اسلامی موظف است، فرصت های جدید تعریف کند و آن را در اختیار مردم بگذارد و با فرهنگ سازی لازم، مردم را به کسب مهارت ها و آموزش حرفه و فن تشویق کند، کارآموزی به محرومان و افراد و گروه هایی که به هر دلیل از جمله کاهش فرصت های شغلی، بیماری، ناتوانی، و ... از شغل و کار محروم می شوند از بدیهی ترین حقوق ملت مسلمان است.

۵. حمایت در حوادث طبیعی

به تناسب جوامع مختلف، محرومیت های گوناگونی بروز می کند. برخی از محرومیت ها مخصوص گروهی از مناطق و برخی هم عام و فراگیر است. در هر صورت دولت اسلامی باید با ابزارهای دقیق و غیرقابل سوء استفاده، به جبران ناتوانی هایی بپردازد که فرد محروم، توان برطرف سازی آن را ندارد، برخی از این ابزارها عبارتند از: ۱. پرداخت زکات به غارمین؛ ۲. کاهش مالیات در خشکسالی؛ ۳. تأخیر دیون به دلیل حوادث طبیعی؛ ۴. واجب النفقه بودن برخی خویشان و اینکه دولت باید اولیا را مجبور کند، نفقهٔ بستگان فقیر خود را تا حد معقول بپردازند؛ ۵. پرداخت دیونی که فرد یا خانواده اش از عمل به آن ناتوان است و ده ها مورد دیگر. در روایت می خوانیم:

۱- الکافی فی الاصول، ج۴، ص۲۰.

«هر مسلمانی بمیرد و دینی از خود برجا گذارد که به علت فساد و اسراف نباشد، برعهدهٔ امام است که آن را بپردازد. اگر نپردازد، گناهش بر گردن امام است. خدا می فرماید: «صدقات برای فقرا، مساکین، کارگزاران صدقات، مؤلفه قلوب، و بدهکاران است» و آن فرد هم از بدهکاران است و نزد امام سهمی دارد و اگر سهم او را حبس کند، گناهی بر اوست».(۱)

۶. تعیین مسئول تأمین اقتصادی

گروه هایی از مردم به دلایل طبیعی توان تأمین نیازهای اقتصادی خود را - نوعاً نه موارد خاص - ندارند! مگر اینکه از کرامت ها و ارزش ها یا خطوط قرمزی که خداوند برای آنان تعیین کرده، تجاوز کنند، در چنین مواقعی خداوند مسئولیت تأمین نیاز آن ها را برعهدهٔ کسانی گذاشته است که تلاش برای تأمین نیازهای اقتصادی به کرامت آنان لطمه نمی زند. این صیانت می تواند به دلیل ویژگی های جسمی و روحی یا مسائل دیگر باشد، مواردی مثل وجوب نفقهٔ زنان بر مردان که در اسلام تعیین شده است، عامل مهمی در حفاظت از کرامت زنان به شمار می رود. و امروزه برخی تشرف ها به اسلام از سوی زنان غربی به ویژه انگلیس به سبب همین مسئله است، زیرا آنان معتقدند دینی که زن را حتی برای تأمین غذا و نیاز شخصی، مجبور به کار نمی کند و دیگری را مسئول آن می سازد، بزرگ ترین حافظ کرامت زن است. این مسئله در صورت برعکس شدن عامل جرایم فراوانی است که هر روز، شاهد آن هستیم.(۲) این نکته، شایان توجه کسانی است که سعی می کنند زنان را هر روز بیشتر به کارگاه، کارخانه، اداره و بازار بکشانند.

۱- الحکومه الاسلامیه فی احادیث الشیعه الامامیه، ص۷۹، نقل از مستدرک الوسائل، ج۱، ص۵۲۵، ۵۴۰ و ج۲، ص۴۰۹؛ و چند روایت دیگر. و ر.ک/ به: بحارالانوار، ج۴۱، ص۵۲؛ الحیاه، ج۲، ص۲۰۷ - ۲۰۸.

۲- ر.ک. به: مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام، ولی الله نقی پور، ۱۸۷ - ۲۳۲.

۷. استفاده از ظرفیت های دینی

از ویژگی های اسلام، استفاده از ظرفیت دین و فرهنگ دینی برای گسترش محرومیت زدایی و حمایت از محرومان است. از این رو شاهد عناوینی مانند «صدقه»، «زکات» «انفاق» و ... در اسلام هستیم که با هدف کاهش محرومیت ها و التیام آن ها طراحی شده اند، یا حداقل بخش مهمی از کارکرد آن ها محرومیت زدایی است.

دین، رهنمودهایی برای فرهنگ سازی انفاق، و ایثار و احسان دارد و دولت وظیفه دارد این فرهنگ را تبلیغ و اطلاع رسانی کند. به نمونه هایی از این فرهنگ سازی توجه می کنیم.

امام علی(علیه السّلام) فرمود:

«مَنْ أَیْقَنَ بِالْخَلَفِ جَادَ بِالعَطِیَّهِ»؛(۱)

«آن که پاداش الهی را باور دارد، در بخشش سخاوتمند تر است».

آن حضرت ایمان و صدقه را به هم پیوند می زند و می فرماید: «ایمانتان را با صدقه حفظ کنید».(۲)

خداوند می فرماید:

{لَنْ تَنالُوا الْبِرّ حَتّی تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبّونَ}؛(۳)

«هرگز به حقیقت نیکوکاری نخواهید رسید، مگر اینکه از آنچه دوست دارید، انفاق کنید».

رسول خدا کمک به دیگران را چنین با ایمان پیوند می زند:

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۳۸، ص۶۵۸.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۴۶.

۳- آل عمران / ۹۲.

«سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، کسی که سیر بخوابد و همسایه یا برادر مسلمانش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است».(۱)

بنابراین، نظام اسلامی موظف است با ایجاد پیوند بین دین و فقرزدایی و تبیین دقیق آن، قلوب دینداران را به سوی فقرزدایی و یاری محرومان سوق دهد و با ابزارهای فرهنگی مناسب، ارزش اجتماعی گروه های یاری رسان را بالاببرد. همان گونه که قرآن کریم با انفاق کنندگان و... چنین رفتاری دارد.

{الّذينَ يُنْفِقُونَ فِی السّرّاءِ وَ الضّرّاء وَ الْكاظِمينَ الْغَيْظَ وَ الْعافينَ عَنِ النّاسِ وَ اللّهُ يُحِبّ الْمُحْسِنينَ }؛(۲)

{آمِنُوا بِاللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفينَ فيهِ فَالّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبيرٌ}.(۳)

انسان ها به دلیل حس سودجویی طالب آن هستند که کارشان سود مشخصی برایشان داشته باشد. اسلام حتی از این ظرفیت هم برای جلب کمک ها به محرومان سود می برد. مطالب فراوانی درباره تبلیغ فرهنگ انفاق، احسان، پرداخت حقوق واجب و مستحب مالی در اسلام وجود دارد و دولت اسلامی باید فرهنگ کار، فرهنگ عزت طلبی و فرهنگ احسان و ایثار را تبلیغ کند. امام علی(علیه السّلام) می فرماید:

«زمانی که زندگی بر شما تنگ شد و آثار فقر نمایان شد، با صدقه دادن با خدا معامله کنید و روزی خود را رونق بخشید».(۴)

«صدقه، دارویی شفابخش است».(۵)

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۶۹.

۲- آل عمران / ۱۳۴.

۳- حدید / ۷ و ده ها آیه دیگر.

۴- نهج البلاغه، کلمات قصار، ۲۵۸.

۵- حدید. ۷

«حصنوا اموالكم بالزكاه»؛(۱)

«اموالتان را با زکات نگه دارید».

{وَ ما أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْ ءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرّازِقِينَ}؛(۲)

{وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلأَنْفُسِكُمْ وَ ما تُنْفِقُونَ إِلاّ ابْتِغاءَ وَجْهِ اللّهِ وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ}؛(۳)

در تمـام این آیـات و روایـات، کارکردهـایی برای صـدقه و انفـاق مطرح می شونـد که مؤمنان را به انجام آن فرا می خوانـد و انگیزش لازم برای محرومیت زدایی را فراهم می سازد.

نکتـهٔ دیگر اینکه اگر نتـایجیماننـد افزایش و حفظ ثروت برای اموری مثل زکات، صـدقه و ... بیان می شود، گویای واقعیاتی است که نظـام اسـلامی بایـد بـا کشف سازوکارهـای این افزایش و تبیین فرهنگی و علمی آن ها برای جامعـهٔ اسـلامی، موجب انگیزش بیشتر مردم به اینگونه فعالیت ها شود.

ب. برنامه های تربیتی و اعتقادی

اشاره

بخش دوم از راه هـای پیشـگیری از جرایـم مولـود فقر، تـدوین و طراحی برنـامه هـای تربیـتی برای کنـترل درونی، حفـظ نظـام اجتماعی و اداری محرومان به رعایت خطوط قرمز». در چگونگی رفع محرومیت یا مبارزهٔ پیشگیرانه با عوارض ناشی از تحمل محرومیت ها و ارضا نشـدن غرایز و نیازمنـدی ها است؛ برنامه هایی که مخاطب آن هر سه گروه محرومان، کارگزاران و مردم توانگر است.

۱- حدید/ ۱۴۶.

۲- سبأ/۳۹.

۳- بقره/۲۷۲.

الف. اصلاح جهان بینی

اشاره

از شاخصه های جامعه اسلامی، وجود جهان بینی الهی است. براساس آیات متعدد انسان ها همواره در معرض آزمایش الهی قرار دارند. به نمونه ای از این آیات توجه کنید.

{وَ لَوْ شاءَ اللّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَ لكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فی ما آتاكُم فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ}؛(۱)

«و اگر خدا می خواست، حتماً شما را یک امت قرار می داد، ولی]چنین نکرد[تا در آنچه به شما داده است، امتحانتان کند، پس در نیکی ها پیشی بگیرید».

{لَتُبْلَوُنّ فی أَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ}؛(۲)

«مسلماً در مورد مال هایتان و جان هایتان آزمایش می شوید».

{إِنّا بَلَوْناهُمْ كَما بَلَوْنا أَصْحابَ الْجَنّهِ}؛(۳)

«ما آنان (تکذیب گران) را آزمودیم، همانگونه که باغداران را آزمودیم».

{وَ لَنَبْلُوَنّكُمْ بِشَيْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصّابِرينَ الّذينَ إِذا أَصابَتْهُمْ مُصيبَةٌ قالُوا إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ}؛(۴)

«و قطعاً]همه[شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در ثروت ها و جان ها و محصولات آزمایش می کنیم و به صابران

۱- مائده/۴۸؛ ر.ک. به: محمد/۳۱.

۲- آل عمران/۱۸۶.

۳- قلم/۱۷؛ واژه های بلا و ابتلا (۳۷ بار) فتنه (۶۰بار) تمحیص و امتحان (هر کدام ۲بار) و ... به موضوع امتحان دلالت دارند.

۴- بقره/۱۵۵ - ۱۵۷.

بشارت بده؛ کسانی که هرگاه مصیبتی به آنان برسد می گویند: درحقیقت ما از آن خداییم و فقط به سوی او برمی گردیم».

{الّذی خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَیاهَ لِیَبْلُوَکُمْ أَیّکُم أَحْسَنُ عَمَلًا}؛(۱)

«کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید، که کدامتان کار بهتری دارید».

این گونه آیات تأکید دارد که با ایجاد محرومیت های مختلف (عدم امنیت، گرسنگی، کاستی در اموال، جان ها، ثمرات، ...) زمینه گناه و جرم پدید می آید و در همین بزنگاه و میدان است که انسان وارد امتحان الهی می شود و با برگزیدن یک طرف، سرنوشت خود را رقم می زند و اساساً شرافت و برتری انسان بر دیگر موجودات به علت همین توان تشخیص و قدرت انتخاب است.

گرچه محرومیت های جامعه باید توسط دولت ها و نظام ها کاهش یابد تا زمینه گناه و جرم کمتر شود(۲)، اما محرومیت هایی مانند برخورداری ها، میدانی برای افراد است تا با توسل به صبر و شکیبایی وارد حریم ها و خطوط قرمز الهی نشوند و محرومیت خود را به هر قیمت پاسخ ندهند.(۳)

این جهان بینی و بینش (زندگی با همهٔ برخورداری ها و محرومیت ها، میدان امتحان الهی است) به مردم و گسترش کارآمد آن، همانگونه که قرآن عنایت ویژه ای به آن دارد، می تواند ابزار بسیار کارآمدی در برابر جرم خیزی شرایط اجتماعی ایجاد کند. بر همین اساس امیرمؤمنان علی(علیه السّلام) می فرماید:

۱- ملک/۲.

۲- نهج البلاغه، نامهٔ ۵۱، ص۵۶۵.

۳- برای مطالعهٔ بیشتر، ر.ک. به: نگاهی قرآنی به آزمون الهی، حسن مهدویان، احمد نطنزی، بازنویسی، محمد عابدی، انتشارات کانون اندیشهٔ جوان.

«روزی انسا ن ها را اندازه گیری و مقدّر فرمود: گاهی کم و زمانی زیاد و به تنگی و وسعت به گونه ای عادلانه تقسیم کرد تا هر کسی را که بخواهد با تنگی روزی یا وسعت آن بیازماید و با شکر و صبر، غنی و فقیر را آزمایش کند. پس روزی گسترده را با فقر و بیچارگی در هم آمیخت و تندرستی را با حوادث دردناک پیوند داد و ... با مرگ

رشته های زندگی را درهم پیچید و پیوندهای خویشاوندی را از هم گسست تا آزمایش شوند».(۱)

ترویج و گسترش ارزش محوری

ارزش محوری از عوامل بسیار مهم در کنترل افراد هنگام طغیان غرایز و نیازها می باشد که خود مبتنی بر وجود ارزش های متقن و قابل توجه و اعتماد برای مخاطبان است. قرآن کریم با تأکید پیوسته بر تقوا، مخاطبان را به پرهیز از برآوردن نیازها به هر قیمت فرا می خواند که روش معصومان نیز چنین است. نمونه ای را می خوانیم:

«عن ابی جعفر(علیه السّلام) قال رسول الله(صلّی الله علیه و آله) فی حجه الوداع: .... لاتموت نفس حتی تستکمل رزقها فاتقوا الله عزوجل واجملوا فی الطلب و لا یحملنّکم استبطاء شیء من الرزق ان تطلبوه بشیء من معصیه الله فان الله تبارک و تعالی قسّم الأرزاق بین خلقه حلالاً و لم یقسّمها حراماً فمن اتقی الله عزّوجّل و صبر اتاه الله برزقه من حلّه و من هتک حجاب الستر و عجّل فاخذه من غیر حلّه قصَّ به من رزقه الحلال و حوسب علیه یوم القیامه»؛(۲)

امام باقر(علیه السّلام) فرمود:

۱- نهج البلاغه، خ۹۱، ص۱۶۸.

۲- الکافی فی الاصول، ج۵، ص ۸۰؛ چند روایت دیگر.

رسول الله در حجه الوداع فرمود: ... کسی نمی میرد مگر اینکه رزقش کامل می شود. پس خدا را در نظر بگیرید و در طلب حلال، تندروی نکنید و کُند رسیدن بخشی از روزی، شما را وادار نسازد که با نافرمانی الهی آن را بجویید؛ زیرا خدای تبارك و تعالی روزی ها را به گونهٔ حلال بین آفریده هایش تقسیم کرده است، نه به گونهٔ حرام، پس هر کسی خدا محور باشد و صبر کند خدا از روزی حلالش به او می دهد و کسی که پرده را بدرد و عجله کند، از غیر حلال برمی دارد، و به علت آن در روز قیامت، محاسبه می شود».

این گونه روایات و ده ها آیهٔ قرآنی مانند:

{یا أَیّهَا الّذینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا أَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ}؛(۱)

آیات حرمت ربا(۲) و ... به مسلمانان دستور می دهد که اگر در امور اقتصادی و معیشتی دچار محرومیتی شدند، به قیمت نادیده گرفتن خط قرمزها، در پی به دست آوردن آن نباشند؛ لذا بخش عمده ای از فقه اسلامی به معرفی کسب های حرام اختصاص یافته است تا مرزهای ارزش ها و محدوده های الهی در کسب های مختلف را روشن سازد و مؤمنان و مسلمانان با توجه به حلال و حرام به تأمین نیازها، رفع محرومیت ها و جلب منفعت ها بپردازند. این اندیشه - عدم اصالت اقتصاد در برابر ارزش های الهی - عامل بسیار مهمی در پیشگیری از جرایم و گناهان بسیار بزرگی است که کیان جامعهٔ اسلامی را تهدید می کند. اگر نظام اسلامی بتواند چنین «ارزش محوری» را در هر عصری، طراحی، اجرایی و عملی نماید، در این صورت هر قدر هم محرومیت ها بیشتر و زمینهٔ جرم (گناه) فراهم تر باشد، عصیان

۱- نساء / ۲۹.

۲- بقره/۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸؛ آل عمران/۱۳۰؛ نساء/۱۶۱؛ روم/۳۹.

مسلمانان به همان نسبت افزایش نخواهد یافت، بلکه بدنهٔ جامعه

اسلامی و اکثریت مسلمانان در سایهٔ فرهنگ اسلامی و ارزش ها، از جرم و گناه دور خواهند بود.

امیرمؤمنان دربارهٔ تأثیر تقوای الهی و ارزش محوری در پیشگیری از گناهان می گوید:

«همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرمات باز می دارد و قلب هایشان را پر از ترس خدا می سازد تا آنکه شبهای آنان با بی خوابی و روزهایشان با گرسنگی و روزه داری سپری می گردد که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست می آورند».(۱)

امام علی(علیه السّلام) در روایتی دیگر از عنوان «عفاف» برای این منظور سود می برد:

«أَلْعَفَافُ زِينَهُ الْفَقْرِ، وَالشُّكْرُ زِينَهُ الْغِنَى»؛(۲)

«پاکدستی، زینت فقر و سپاسگزاری زینت ثروتمندی است».

خداوند در پیشگیری از «ربا» که جرم بزرگ اقتصادی است، نهی از آن را در کنار ایمان و امر به تقوا و (خدا محوری) قرار می دهد:

{اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِيَ مِنَ الرِّبا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ}؛ (۳)

{يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَأْكُلُوا الرِّبَوا}؛(۴)

خلاصه اینکه تنها با نیروی ایمان و تقوا در برابر جاذبهٔ پول می توانید مقاومت کنید و نظام اسلامی باید عزم خود را برای به کارگیری شیوه های مؤثر در این باره، در عمل، نشان دهد.

۱- نهج البلاغه، خ۱۱۴، ص۲۲۱.

۲- همان، ح ۲۴۰.

۳- بقره/۲۷۸.

۴- آل عمران/۱۳۰.

گسترش فرهنگ قناعت و صرفه جویی

فرهنگ قناعت، موجب کاهش نیازها و ایجاد توازن بین داشته ها و نیازها می شود، و عامل مهمی در کاهش احساس نیاز و جرایم برخاسته از آن می باشد.

امام علی(علیه السّلام) فرمود:

«القَنَاعَةُ مَالٌ لَا یَنْفَدُ»؛(۱)

«قناعت مالی است که پایان نمی پذیرد».

خداوند در آیات متعدد از اسراف که در جبههٔ مخالف قناعت قرار دارد، نهی می کند مانند:

{وَ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یُحِبّ الْمُسْرِفینَ}(۲)

«بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، زیرا او اسراف کاران را دوست ندارد».

{وَ لا تُبَذِّرْ تَبْذیرًا إِنّ الْمُبَذِّرینَ کانُوا إِخْوانَ الشّیاطینِ}؛(۳)

«با اسراف کاری اموال را تلف نکن، زیرا اسراف کاران برادران شیطان ها هستند».

{وَ لا تُطیعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفینَ}؛(۴)

«از فرمان اسراف کاران پیروی نکنید».

{وَ أَهْلَکْنَا الْمُسْرِفینَ}؛(۵)

«اسراف کاران را نابود کردیم».

۱- نهج البلاغه، ح۵۷.

۲- اعراف/۳۱.

۳- اسراء/۲۶ و ۲۷.

۴- شعراء/۱۵۱.

۵- انبیاء/۹.

مسلماً رسالت این گروه عمده از آیات، تنها توصیهٔ اخلاقی به رعایت تعادل در زندگی و اسراف نکردن یا قناعت پیشگی نیست، بلکه قرآن کریم (کتاب حکومت اسلامی رسول خدا)، سیاست های حکومتی مطلوب را در چنین حد گسترده ای تبلیغ و ترویج می کند و فرهنگ قناعت ورزی از جمله آن ها است. بنابراین برداشت اخلاقی سطحی ترین برداشت از پیام های این آیات است و عمیق ترین آن پیام ها این است که نظام اسلامی باید سازوکارهایی طراحی و اجرا کند که فرهنگ قناعت و صرفه جویی را نهادینه کند. به همین دلیل است که امیرمؤمنان علی(علیه السّلام) نیز به عنوان حاکم اسلامی همین سازوکارها را - متناسب با امکانات و شرایط عصر- پیگیری و برای آن به طور گسترده فرهنگ سازی کرد. او می فرماید:

«لَا کَنْزَ أَغْنَی مِنَ الْقَنَاعَهِ، وَ لَا مَالَ أَذْهَبُ لِلْفَاقَهِ مِنَ الرِّضَا بِالْقُوتِ»؛(۱)

«گنجی بی نیازکننده تر از قناعت نیست و مالی فقرزداتر از رضایت به روزی نیست».

«لَا تَسْأَلُوا فِیهَا فَوْقَ الْکَفَافِ، وَ لَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَکْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ»؛(۲)

«بیش از کفاف خود از دنیا نخواهید و بیشتر از آنچه نیاز دارید، از آن طلب نکنید».

«کَفَی بِالْقَنَاعَهِ مُلْکاً»؛(۳)

«قناعت برای دولتمندی کافی است».

«مَا عَالَ مَنِ اقْتَصَدَ»؛(۴)

۱- نهج البلاغه، خ ۳۷۱، ص ۷۱۷.

۲- همان، خ۴۵، ص۹۸.

۳- همان، خ۲۲۹، ص۶۷۶.

۴- همان، خ ۱۴۰، ص۶۵۸.

«آنکه میانه روی کند، تهیدست نشود».

«مَنِ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْغَهِ الْكَفَافِ فَقَدِ انْتَظَمَ الرَّاحَهَ وَ تَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَهِ وَ الرَّغْبَهُ مِفْتَاحُ النَّصَبِ وَ مَطِيَّهُ التَّعَبِ»؛(۱)

«کسی که به اندازهٔ کفایت زندگی از دنیا بردارد، به آسایش دست یابد و آسوده خاطر شود در حالی که دنیاپرستی کلید دشواری و مرکب رنج و گرفتاری است».

«الْغِنَى الْأَكْبَرُ الْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ»؛(۲)

«بی نیازی بزرگ، ناامیدی از امکانات مردم است».

امام در این روایت دستاورد فرهنگ قناعت را اموری مانند آسایش خاطر، رهایی از رنج و دشواری، بی نیازی، فقرزدایی، دولتمندی، و ... معرفی می کند که هر یک در دوری انسان از جرم و گناه و عدم آسایش خاطر، در تنگنا بودن، نیازمندی، سلطه فقر و... نقش مؤثر دارند.

بار دیگر یادآور می شویم که زهد در مصرف، منافاتی با تلاش در تولید و سودرسانی بیشتر به جامعه ندارد و این نکتهٔ مهم در ده ها آیه یادآوری شده است.

ب. اصلاح رفتار برخورداران

اشاره

در کنار برنامه های اعتقادی و اخلاقی عمومی، برنامه هایی هم برای حاکمان و کارگزاران از یکسو و برخوردارهای جامعه از سوی دیگر نیاز است. حداقل می توان «تلاش برای کاهش ترس از فقر، پرهیز از مصرف گرایی و دامن زدن به آن، سرمایه گذاری برای تولید، ایجاد نگاه

۱- همان، خ ۳۷۱، ص ۷۱۹.

۲- همان، خ ۳۴۲، ص ۷۱۰.

انسانی و الهی در برخوردارها، مبارزه با سوء استفاده کنندگان از محرومیت ها و...» را به عنوان بخشی از این برنامه ها نام برد.

کارگزاران برای پیشگیری از پیدایش جرم باید از رفتارهایی که احساس تلخ نیازمندی و محرومیت را برمی انگیزد، به شدت پرهیز کنند(۱) و اصولاً سازو کارهای نظام اسلامی باید این رفتارها را با چنان هزینه های سنگینی روبه رو کند که به حداقل کاهش یابند؛ دقیقاً عکس آنچه ما در جامعه فعلی می بینیم.

امیرمؤمنان علی(علیه السّلام) به خوبی این اصل را مدنظر داشت و به زیباترین شکل آن را ترسیم کرد. او در نامه ای در سال ۳۶ ه. به عثمان بن حنیف انصاری - فرماندار بصره - که دعوت گروهی از سرمایه داران را پذیرفته بود، نوشت:

«گمان نمی کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده اند و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده اند ... اگر می خواستم، می توانستم از عسل پاک و از مغز گندم و بافته های ابریشم برای خود غذا و لباس فراهم سازم، اما دور باد! که هوای نفس بر من چیره شود و حرص و طمع مرا وادارد تا طعام های لذیذ برگزینم؛ در حالی که در حجاز یا یمامه کسی باشد که به قرص نانی نرسد یا هرگز شکمی سیر غذا نخورد و ... آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرمؤمنان بخوانند، و در تلخی های روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی ها الگوی آن ها قرار نگیرم ...».(۲)

۱- در سیره و سخن معصومان موارد متعددی را می توان در این ارتباط سراغ گرفت که .ر.ک.به: الحیاه، محمدرضا، محمد و علی حکیمی، ط ثالثه، طهران، دائره الطباعه والنشر، ۱۳۶۰ ه.ش، ج۲، ص۲۲۱ - ۲۳۶، در این کتاب، ۲۰ روایت نقل شده است که گویای سیرۀ مذکور اهل بیت: است.
۲- نهج البلاغه، نامۀ ۴۵، ص۵۵۳ - ۵۵۵.

بسیاری از رهبران اسلامی در طول تاریخ برخلاف رویکرد اصولی امام علی(علیه السّلام)، با سبک زندگی خود عامل مهمی در بروز احساس تفاوت ها و محرومیت ها شده اند.

قرآن کریم همان طور که برای فقیران و نیازمندان، فرهنگ خاصی طراحی کرده است که طبق آن باید براساس ارزش محوری از هر اقدام مخالف ارزش ها، خودداری کنند، فرهنگ ویژه ای هم برای برخوردارها طراحی می کند و اساساً هر دو وضعیت «محرومیت، برخورداری» را میدان امتحان و آزمون الهی می داند و از مردم می خواهد از این ابزار امتحان در مسیر صحیح استفاده کنند. در عالم واقعیت گروهی به این فرهنگ پایبند می شوند؛ مانند سلیمان(علیه السّلام) که فرمود: {هذا مِنْ فَضْلِ رَبّی لِیَبْلُوَنی ءَ أَشْکُرُ أَمْ أَکْفُر}؛ (۱)و گروهی پا را از خطوط قرمز بیرون می گذارند. آنان منشأ ثروت را غیرالهی می دانند و در هزینه کردن آن نیز به حدود معین شده اعتنا نمی کنند؛ مانند قارون که گفت:

{إِنّما أُوتیتُهُ عَلی عِلْمٍ عِنْدی}؛(۲)

«آن ففط براساس دانشی که نزد من هست، به من داده شده است».

سنت الهی در نهایت نابودی گروه دوم است:

{فَخَسَفْنا بِهِ وَ بِدارِهِ الْأَرْضَ فَما کانَ لَهُ مِنْ فِئَهٍ یَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللّهِ وَ ما کانَ مِنَ الْمُنْتَصِرینَ}؛(۳)

«و او و خانه اش را در زمین فرو بردیم، پس برای او هیچ دسته ای غیر از خدا نبود که یاری اش کنند و از یاری کنندگان هم نبود».

۱- نمل/۴۰.

۲- قصص/۷۸.

۳- همان/۸۱.

اقدام قارون، به عنوان یکی از برخورداران، در نمایش و اظهار بی مهار داشته ها در عرصه جامعه و در مقابل چشمان هزاران نیازمند، حس نیاز را در آنان چنان زنده کرد که گفتند:

{یا لَیْتَ لَنا مِثْلَ ما أُوتِیَ قارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظیمٍ}؛(۱)

«کاش مانند آنچه به قارون داده شده است، برای ما هم بود، زیرا مسلماً او بهره بزرگی دارد».

تنها گروهی که پشتوانهٔ الهی داشتند، به رغم محرومیت ها، گفتند:

{وَیْلَکُمْ ثَوابُ اللّهِ خَیْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحًا وَ لا یُلَقّاها إِلاَّ الصّابِرُونَ}؛(۲)

«وای بر شما! برای کسانی که ایمان آوردند و کار شایسته انجام دادند، پاداش خدا بهتر است و آن را جز شکیبایان، دریافت کننده نیستند».

گروه هایی که پایهٔ ایمانی قوی ندارند تنها در صورت شکست ثروتمندان قانع می شوند و دست از تمنا برمی دارند:

«و کسانی که دیروز آرزو می کردند به جای او باشند، بامداد (بعد از نزول عذاب بر قارون) گفتند: وای چنانکه گویی خدا روزی را برای هر کسی از بندگانش بخواهد، گسترده و تنگ می گرداند».(۳)

ترویج فرهنگ صرفه جویی

اگر همه تلاش های ممکن - در ابعاد اهداف کلی نظام اسلامی، سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها و... - برای فقرزدایی و کاهش آثار آن صورت گیرد، اما ساختار نظام مدیران و دستگاه های فرهنگ ساز مروج

۱- همان / ۷۹.

۲- همان / ۸۰.

۳- همان/۸۲.

مصرف گرایی باشند، نمی توان به کارایی تلاش های پیشین امید داشت؛ برای مثال به گزارش یکی از روزنامه های داخلی توجه کنید.

« مدیران دولتی با نیم درصد صرفه جویی در ریخت و پاش های تشریفاتی می توانند جان میلیون ها نفر را که در مرز مرگ و زندگی دست و پا می زنند، نجات دهند. بیش از هفتاد درصد بودجه کشور (معادل ۱۵۰ هزار میلیارد تومان) در اختیار شرکت ها و مؤسسات دولتی قرار می گیرد که با کسر نیم درصد از این اعتبار می توان به نیازمندان کشور کمک اساسی کرد. اگر همین درصد اندک توسط مدیران دولتی لحاظ شود و شرکت ها، مستمندان را نیز در این ریخت و پاش ها سهیم کنند، کمک زیادی به آنان خواهد بود و می توان مستمری نیازمندان تحت پوشش کمیتهٔ امداد و... که متوسط روزانه ۱۲۰ تومان است، به ۲۵۰ تومان رساند».(۱)

برخلاف این گزارش روز، به گزارشی از روش حاکمان صدر اسلام، توجه کنید.

سلمان، یکی از فرمانداران مداین بود و بر سی هزار مسلمان حکومت می کرد. تمام حقوقش (پنج هزار درهم) را صدقه می داد و با حصیربافی زندگی می کرد. خلیفه وقت نامه ای توبیخ آمیز به وی نگاشت و از اینکه حصیربافی می کند، غذایش نان جو است و... ابراز ناراحتی کرد. در جواب نوشت:

در آن نامه متذکر شده بودی که در آنجا به شغل حصیربافی روکرده ای و غذایت نان جو می باشد، بدان که این از اموری نیست که بتوان مسلمان را به آن جهت سرزنش کرد. گفته بودی:

ص: ۸۳

۱- روزنامهٔ کیهان، ۱۱/۱۱/۱۳۸۳، ص۴، به نقل از: آیینهٔ رشد،ش۱۱، ص۸۳.

« مثل افراد عادی زندگی می کنم و مردم را نسبت به خود گستاخ کرده ام و آنان هیبتم را فراموش کرده اند و بر گرده ام سوار شده اند و آبروی سلطنت خدایی را برده ام و این موجب ضعف قدرت اسلام می شود!» بدان که ذلت در طاعت خدا بهتر از عزت در عصیان اوست و تو خوب می دانی پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله)در اوج قدرت و مقام نبوت، چنان با مردم انس و الفت داشت و خودمانی بود که هیچ امتیاز ظاهری با دیگران در وجود او دیده نمی شد و گویی یکی از آن ها بود و غذایش ساده و لباسش زبر بود».(۱)

بنابراین مسابقهٔ مصرف گرایی و تجمل گرایی از سوی مدیران نظام و نهاد های حکومت و گروه های برخوردار، باید با سازوکارهای مناسب به پایین ترین حد خود رسانده شود و تمام ابزارهای تبلیغی مثل صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و... خود را در این فرهنگ سازی، ذاتاً مسئول بدانند و در مسیر ترویج آن بکوشند. این نکته برای حکومت اسلامی یک وظیفه است؛ اما تاکنون تنها در حد یک برنامهٔ اخلاقی و فانتزی به آن توجه شده است و چقدر فرق است بین رفتار ما و روش امام علی(علیه السّلام) که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی فَرَضَ عَلَی أَئِمَّهِ الْعَدْلِ أَنْ یُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعَفَهِ النَّاسِ، کَیْلَا یَتَبَیَّغَ بِالْفَقِیرِ فَقْرُهُ!»؛(۲)

«خدای تعالی بر پیشوایان حق واجب کرد که خود را با مردم تنگدست برابر قرار دهند تا مبادا فقر، فقیر را نگران سازد».

ص: ۸۴

۱- احتجاج طبرسی، ج۱، ص۱۳۱، به نقل از: آیینه رشد، همان.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۰۰.

پیشگیری از استثمار و قمار

نظام اسلامی باید مانع قمار و استثمار شود. امروزه گروه هایی با استفاده از محرومیت ها که در پی نیروی کار ارزان هستند محرومان را با امیدها و وعده های واهی از هستی ساقط می کنند. برخی شرکت های مضاربه ای و گلدکوئیستی و قمار گونه اموال محرومان را با وعدهٔ تأمین مسکن و الماس و... به تاراج می برند. آمار این گونه مراکز به میزان وحشت آوری افزایش یافته است. این در حالی است که سوء استفاده کنندگان هم به دلیل فقدان قوانین حمایتی از محرومان احساس خطر یا وجود نظارت نمی کنند و بیم پرداخت هزینه های سنگین تر به سبب خلاف های خود را ندارند.(۱)

خطر رفاه زدگی

پس از مباحث فقر، لازم است به نقش رفاه زدگی در ایجاد و گسترش جرم و جنایت توجه کرد.(۲)

نوع جرم های مرفهان با جرم محرومان متفاوت است. به علاوه همیشه اینان خود را در حاشیه های امن قرار می دهند. پرونده های اختلاس کلان، سوء استفاده از بیت المال، قانون گریزی، دخالت در تصویب قوانین جرم زا، و ... مربوط به ثروتمندان است.

پرتوقعی، بی انصافی، خود برتربینی از شاخصه های مرفهان بی درد است. اصلاح اندیشهٔ اینان و گرفتن حقوق واجب محرومان از آنان و تشویق به انفاق، از راه های اصلاح این قشر و کل جامعهٔ اسلامی است.

جرم بزرگ اسراف همیشه از مرفهان آغاز می شود و گاه محرومان را هم در بر می گیرد. گاهی امکاناتی که باید صرف نیازهای اولیه محرومان

۱- اطلاعات، دوشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۸۶، ص ۲۱.

۲- {كَلّا إِنّ الْإِنْسانَ لَيَطْغى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى}، (علق / ۶- ۷).

شود، صرف رفاه و خوشگذرانی این گروه ها مثل اعزام ورزشکاران به بلاد کفر می شود.

ص: ۸۶

فصل سوم :اصلاح بسترهای اجتماعی جرم و گناه

اشاره

ص: ۸۷

مقدمه

محیط خانوادگی (محیط اصلی)، محیط مسکن، محیطی که شخص برای زندگی انتخاب می کند، محیطی که فرد به اجبار در آن مقیم می شود و ...[(۱)] از جمله زمینه های اجتماعی مؤثر در جرم خیزی اند که نظام اسلامی باید توجه ویژه ای به آن ها داشته باشد.

روشن است که عوامل فردی، به تنهایی در کشاندن اشخاص به جرم و گناه، نقش ندارند و عوامل اجتماعی هم از شاخصه های مهم و زمینه ساز جرم و گناه هستند.

اشخاص، این استعداد را دارند که روابط اجتماعی خود را با توجه به وضع روانی، حافظه و هوش، آداب و رسوم و ... با تقلید از رفتار دیگران، برقرار سازند.[(۲)] بنابراین محیط و اطرافیان تأثیر زیادی در بزهکاری می توانند داشته باشند.[(۳)]

جرم و گناه، می تواند ناشی از نظام، فرهنگ و تمدن هر جامعه باشد؛ زیرا جامعه، قبل از فرد وجود دارد و می تواند آثار خود را در او به جا

۱- این تقسیم بندی، طولی است.

۲- جامعه شناسی جنائی، دکتر مهدی کی نیا، تهران، ۱۳۴۶، ص۲۷۳؛ مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟ ص۲۹۰ به نقل از: بزهکاری تطبیقی، گابریل تارد.

۳- همان، ص۲۹۰.

بگذارد و روحیهٔ او را در سایهٔ تشکیلات، وظایف و دستورها و الگوهای اجتماعی اش، متأثر کند. به این صورت که عقاید و روش های اجتماعی، در انسان نفوذ می کند و او ناخواسته گمان می کند، این افکار و عقاید خود اوست. برای همین مجرمان در هر جامعه، جرم های متناسب با آن اجتماع را مرتکب می شوند. به این ترتیب، به زمینه های اجتماعی جرم و گناه در کنار زمینه های جسمی (طرز رشد جسمی، نقص بدن، عیوب شکل ظاهری، نژاد، سن، جنس، ...) و روانی (اختلال های روانی منشی، هوشی) باید توجه کرد.

عوامل اجتماعی، گستره ای بزرگ را شامل می شوند؛ مانند چگونگی زیر بنای خانوادگی، شغل، افکار عمومی، اعتقادات مذهبی، مسکن، مسائل جغرافیایی، تراکم جمعیت، وضع اقتصادی، تولیدات صنعتی و سیاسی، اداری، قضایی، طرز کار نیروی انتظامی، حتی روش تدوین قوانین مدنی و کیفری و... .

برای نمونه در جوامع پیشرفته، ارتکاب جرم با حیله، تزویر و طرح قبلی، بیشتر از جرائم همراه با خشونت است و در جوامع عقب مانده، برعکس است. در اینجا نمونه هایی از زمینه های اجتماعی را بر می شماریم و به وظایف دولت، در چگونگی پیشگیری از آن ها می پردازیم.

بخش اول: خانواده

۱. تأثیر خانواده بر کج روی فرزندان

خانواده، محیط اصلی فرد است؛ جایی که در آنجا چشم به دنیا می گشاید و سنین اولیهٔ رشد را طی می کند و او در این دوران، تأثیرپذیری زیادی از اطرافیان دارد. رابطه فرزند با پدر و مادر و ارضای نیازهای عاطفی او، از سوی والدین، می تواند مانع محرومیت از محبت، طرد از اجتماع و ایجاد حس انتقام جویی و احساس رضایت از ارتکاب جرم و گناه باشد. محرومیت فرزند، از عواطف مادری در چند ماههٔ اول زندگی، از زمینه های مهم ابتلا به جنون جوانی در دورهٔ بلوغ است. رسیدگی نکردن به فرزندان توسط مادران شاغل، موجب بی سرپرستی پنهان آن ها می شود و آنان، زمینهٔ دچار شدن به اختلالات عصبی و تأثیرپذیری از القائات دیگران در دوران جوانی را پیدا می کنند.

پدر، هم با برقراری رابطه با فرزند و آمریت خود، او را برای اطاعت پذیری از مقررات اجتماعی و... آماده می کند و

بدون ایجاد و تداوم این رابطه، زمینه بسیار مساعدی برای انطباق پذیری کودک با قوانین پدید نمی آید.

نفاق، ناسازگاری، مشاجره دائمی پدر و مادر، فرزندان را، دچار مشکلات اساسی و آماده برای ارتکاب جرم می کند. کودک، به دلیل نداشتن آرامش روانی، دچار اضطراب و بی ثباتی می شود و در بزرگسالی

می تواند گرفتار عصیان، پرخاشگری، سرکشی از قوانین، بی تفاوتی، انزوا و ... شود که همگی در ایجاد جرم و گناه مؤثر اند. (۱)

نبود پـدر و مادر بر اثر طلاق یا مرگ نیز، غمگینی و اضـطراب، بـدخلقی، سـرپیچی، ناسازگاری و عدم انطباق را می تواند در پی داشته باشد. در دختران، موجب فرار از خانه و مدرسه و درپسران، عامل عضویت در باندهای ارتکاب جرایم گردد.

طفـل، در سـال هـای نخست زنـدگی، به شـدت تحت تـأثیر رفتـار والـدین قرار دارد و در سـنین بالاتر، به دلیل ارتباط با افراد، مهـارت هـای زنـدگی را فرا می گیرد و برای کسب محبوبیت و مقبولیت اجتمـاعی، تلاـش می کنـد، لـذا ارتبـاط غیرمعقول و نادرست پدر و مادر، سبب ناسازگاری اجتماعی او می شود. زیاده روی در محبت، تشویق و تنبیه بیجا یا ترک یکی از این دو، تحقیر و طرد فرزند و ... نیز از جمله این مسائل هستند.

۲. نقش خانواده از نگاه اسلام

اشاره

اسـلام، با درک حساسیت موضوع خانواده و تأثیر آن در سـرنوشت فرزنـدان و اعضا، از یک طرف کوشـیده است، به ساختار خانواده و ستون های اصلی آن، قداست و حرمت ویژه ببخشد، لذا امام رضا(علیه السّلام) فرمود:

«خداوند متعال فرمان داده است، سه چیز همراه سه چیز دیگر انجام شود:

۱- طبق تحقیقـاتی که در فرانسه، به عمـل آمـده است، هشـتاد درصـد اطفـال بزهکـار از خـانواده هایی انـد که به علت نفاق و ناسازگاری و نبود تفاهم بین اعضای خانواده، محیط خانواده متشـنجی دارند. (مجرم کیست؟ جرم شناسـی چیست؟، ص۲۹۹). همچنین در آمریکـا، نهاد خانواده به دلیل درگیر شـدن با مواد مخـدر، تضـعیف شـده و به گفتـۀ کارشـناسان، افزایش جمعیت کیفری آمریکا، به علت ناکارا شدن نهاد خانواده است.

به نماز همراه زکات فرمان داد، پس هر کس نماز بخواند و زکات نپردازد، نمازش نیز پذیرفته نمی شود. به سپاسگزاری از خدا و پدر و مادر فرمان داد،(۱) پس هر کسی از پدر و مادر سپاس گذاری نکند، خدا را هم شکر نکرده است. به تقوای الهی و صلهٔ رحم فرمان داده است، پس کسی که صلهٔ رحم نکند، تقوا را هم به جا نیاورده است».(۲)

و از سوی دیگر، می کوشد ارکان خانواده را متوجهٔ وظایف خود در برابر اعضا نماید.

خانواده به طور کلی از دو راه بر انحراف و کج روی فرزندان اثر می گذارد:

اول: تأثیرات ارثی خانواده

عوامل ارثی، می تواند نقش مهمی در شکل گیری اخلاق و رفتار فرد داشته باشد و در تکامل جسمی و روحی او مؤثر است.

اثر کروموزم ها، تغییر و تجزیهٔ ژن ها، اثر بیماری های واگیر بر رشد جسمی و پرورش روانی و سایر عواملی که در جسم و روان هر فرد مؤثر است، زمینه را برای بروز جرائم مختلف، آماده می سازد، البته همین زمینه انحراف، می تواند توسط عوامل مؤثر دیگر - خارجی و محیطی و ... تغییر پذیرد. این عامل به قدری زمینه ساز جرم است که برخی عقیده داشتند:

«مجرم فردی است مانند انسان های دیگر که تحول و تکامل آن ها در مقطعی متوقف شده است و عیوب ساختاری دارند و این نارسایی های ساختاری به لحاظ جنبهٔ ارثی می باشد و فرد محکوم

۱- مانند: {وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْناً عَلى وَهْنٍ وَ فِصالُهُ فى عامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لى وَ لِوالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصير} (لقمان/۱۴).

۲- بحارالانوار، ج۷۴، ص۷۷؛ و.ر.ك: به: فروغ حديث، محمود شريفى، ج ۱، ص۱۳۴ - ۱۵۰.

به مجرم شدن می شود. مجرمان در دورهٔ تکاملی خود، در مقطعی متوقف شده اند که به دلیل مسائل ارثی است».(۱)

البته این دیدگاه افراط گرایانه، بعدها تعدیل و مسائلی چون عوامل محیطی و آموزشی هم به آن اضافه شد.(۲)

در قرآن کریم، به امکان تأثیرگذاری ارثی اشاره شده است. آنگاه که حضرت نوح برای قوم خود نفرین کرد، فرمود:

{إِنّکَ إِنْ تَذَرْهُمْ یُضِلّوا عِبادَکَ وَ لا یَلِدُوا إِلاّ فاجِرًا کَفّارًا}؛(۳)

«پروردگارا! احدی از آنان را روی زمین زنده نگذار، چرا که اگر آن ها را زنده بگذاری، بندگانت را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند».

خداوند در آیه ای دیگر می فرماید:

«خداوند، آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد و آن ها فرزندان دودمانی اند که بعضی از بعضی دیگر گرفته شده بودند».(۴)

منظور از گرفته شدن بعضی از آن ها از بعضی دیگر، یا اشاره به عامل وراثت است یا تربیت یا هر دو.(۵)

این موضوع در روایات، مورد توجهٔ بیشتر قرار دارد. به این روایات توجه کنید:

امام علی(علیه السّلام) فرمود:

«حُسن الاخلاقِ برهانُ کرم الاعراق»؛(۶)

۱- مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، ص ۶۰.

۲- جرم شناسی، دکتر میرخلیلی، ص۱۷.

۳- نوح/۲۷.

۴- آل عمران/۲۳.

۵- اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی، ج۱، ص۱۶۹.

۶- غررالحکم، ج۱، ص۳۷۹.

«اخلاق نیکو، دلیل وراثت های پسندیده است».

امام صادق(علیه السّلام) فرمود:

«هر زنی، از همسرش که شراب نوشیده، اطاعت کند (و با او همبستر شود) به عدد ستارگان آسمان، مرتکب گناه شده است و فرزندی که از او متولد می شود، آلوده خواهد بود».(۱)

در زیارت مطلقهٔ امام حسین(علیه السّلام) و برخی زیارت ها، خطاب به ائمه می خوانیم:

«گواهی می دهم که تو نوری در پشت های بلند مرتبه و در رحم های پاک بودی. دوران جاهلیت به وسیلهٔ پلیدی هایش، تو را آلوده نساخت و تیرگی های جامه هایش را بر تن تو نکرد».

امام علی(علیه السّلام) بعد از شهادت حضرت فاطمه زهرا(علیهاالسّلام) با زنی(ام البنین) از خاندان شجاع، ازدواج کرد تا فرزندش (حضرت ابوالفضل) شجاع باشد.(۲)

امام صادق(علیه السّلام) نشانه های فرزند نامشروع را، دشمنی با خاندان پیامبر(صلّی الله علیه و آله)، علاقه به زنا، سبک شماری دین، خشونت و بداخلاقی می داند.(۳)

امیرمؤمنان فرمود:

«از ازدواج با زن کم عقل، بپرهیزید، زیرا مصاحبت با او بلاست و فرزند او در تباهی است».(۴)

امام صادق(علیه السّلام) فرمود:

«خوش به حال کسی که مادرش پاکدامن و عفیف باشد».(۵)

۱- اخلاق در قرآن، همان، ص۱۷۳، به نقل از لئالی الاخبار، و ر.ک. به: وسایل الشیعه، ج۱۴، ص۵۳-۵۴.
۲- تنقیح المقال، مامقانی، ریاحین الشریعه، ج۳، ص۲۹۱.
۳- سفینه البحار، ج۱، ص ۵۶۰؛ بحارالانوار، ج۷۵، ص۲۷۹.
۴- فروع کافی، ج۱۲، ص۱۲؛ وسایل الشیعه، ج۱۴ ،ص۵۶.
۵- بحارالانوار، ج۲۳، ص۷۹. بدیهی است که براساس قاعدهٔ تکلیف به اندازه طاقت لاٰ یُکَلِّفُ اللّٰهُ نَفْساً إِلاّٰ وُسْعَهٰا و لزوم وجود «اختیار» برای تکلیف پذیری، افراد در برابر تأثیرات اجباری و قطعی که بر آن ها وارد می شود، «مسئولیتی» ندارند و به دلیل آن، مؤاخذه نمی شوند؛ اما در برابر تأثیرهایی که توان مقابله با آن تأثیرها در وجودشان قرار گرفته باشد، مسئول اند و باید با استفاده از آن توان و استعداد، مؤثرهای منفی را خنثی کنند. با نمونه هایی از افرادی که موفق به تغییر مؤثرها شده اند، در

همین بخش آشنا می شوید. همین مطلب، در مورد نقص های جسمی هم وجود دارد و خداوند کسی را که به دلیل نداشتن قدرت جسمی و توان بازدارندگی به کار حرام واداشته شده باشد (مثلاً دست و پایش را بسته، و در دهان وی شراب ریخته اند) عقوبت نمی کند، اما مسلم است که اگر همین فرد، می توانست ساعتی قبل از آن، از مجلس گناه بیرون رود و خود را در مقابل اجبار به گناه، بی سلاح نسازد، مسئول و مکلف است.

این همه نشان می دهد «نظام اسلامی» برای پیشگیری از شکل گیری نسلی که زمینه های فراوانی از جرم و گناه پیش رو دارد، بایـد تلاش کند و مانع شکل گیری چنین نسلی شود. نظام اسلامی برای این کار باید در «اصلاح نسل حاضر» بکوشد؛ زیرا اصلاح نسل امروز، به «پرورش نسل صالح فردا» کمک خواهد کرد. نمونه های فراوان تاریخی از موفقیت اصلاح و بازسازی مذکور وجود دارد. پدر عمر بن عبدالعزیز، خطیب خلفا بود؛ اما وقتی به نام علی(علیه السّلام) می رسید، لکنت پیدا می کرد.

فرزندش علت را پرسید، گفت: «اگر مردم، فضائل علی(علیه السّلام) را می دانستند، اطراف ما را نمی گرفتند. همین جمله به رغم همهٔ زمینه سازی های ارثی، عمر بن عبدالعزیز را متحول کرد». معاویهٔ دوم، پسر یزید بن معاویه نیز همین وضع را داشت. او بالای منبر رفت و گفت: «خدا، معاویه را لعنت کند، خدا، پدرم یزید را لعنت کند. من خلیفهٔ پیامبر نیستم، خلیفهٔ واقعی امام سجاد(علیه السّلام) در مدینه است! وی نیز بر اثر تربیت یک معلم دگرگون شده بود».

بنابراین، نظام اسلامی با ابزارهای تربیتی، آموزشی باید در اصلاح نسل حاضر بکوشد.

ص: ۹۶

دوم: نقش تربیتی خانواده

اگر خانواده، در مسیری قرار نگیرد که بتوانـد کارکردهای مثبت خود را، در تربیت اعضا اعمال کنـد، مرکزی برای انحراف و زمینه ای برای مجرم پروری خواهد شد. این خطر به حدی است که در روایت می خوانیم.

«کل مولود یولد علی الفطره حتی لیکون ابوا هما اللَّذان یَهوّدانه و یُنصّرانه»؛(۱)

«هر نوزادی بر فطرت متولد می شود تا اینکه پدر و مادرش هستند که یهودی یا نصرانی اش می کنند».

خداونـد، انسان را به گونه ای آفریـد که به حق، تمایل دارد و از باطل بیزار است و ذاتاً دین گرا و طرفدار حق است،(۲) با این حال، نقش تربیت پـدر و مادر به حـدی است که می توانـد مسیر این جریان فطری را تغییر دهـد و در آن ایجاد انحراف کنـد؛ البته چون این گرایش ها فطری است، به طور کلی محو نمی شوند (لا تبدیل لخلق الله) و تربیت خلاف فطرت، پایداری ندارد، برای همین، انسان می تواند این زمینه منفی را با کمک زمینه های مثبت دیگر، از بین ببرد.

تربیت نادرست، مربیان ناصالح، زمینهٔ کج روی و انحراف را حتی تا لحظه سقوط در جهنم فراهم می آورند.

{ قالَ الّذینَ آمَنُوا إِنّ الْخاسِرینَ الّذینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلیهِمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ أَلا إِنّ الظّالِمینَ فی عَذابٍ مُقیمٍ}؛(۳)

ص: ۹۷

۱- نور الثقلین، ج۴، ص۱۸۴؛ مجمع البیـان، ح ذیل آیه ۳۰، سورهٔ روم. {فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلـدِّینِ حَنیفًا فِطْرَتَ اللّهِ الّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْها لا تَبْدیلَ لِخَلْقِ اللّهِ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَ لکِنّ أَکْثَرَ النّاسِ لا یَعْلَمُونَ}.

۲- تفسیر نور، ج۹، ص۱۹۷.

۳- شوری/۴۵.

«کسانی که ایمان آورده انـد، گفتند: همانا زیان کاران کسانی اند که خود و خانواده شان را در قیامت باختند، بدانید که همانا ستمکاران در عذاب پایدارند».

علاوه بر ایـن، اگر پـدر و مـادر هم صالـح باشـند، بـاز امکـان انحراف از بیرون خـانه وجـود دارد، لـذا خـانواده بـا کـارکردی بازدارنده، می تواند عامل پیشگیری شود.(۱)

امام علی(علیه السّلام) فرمود:

«اربعه لاتدخل واحده منهن بیتاً الاّ خرب ولم یُعمر؛ الخیانه و السرقه و شرب الخمر و الزنا»(۲)

«چهار چیزاست که خانه ای نمی شود، مگر اینکه خراب می کند و آبادش نمی سازد؛ خیانت، دزدی، شراب خواری، زنا».

همچنین نبایـد فراموش کرد که فرزنـدان هم، نقش متقابل در منزل دارنـد و می توانند عامل انحراف و کج روی اعضای دیگر شوند، لذا امام علی(علیه السّلام) دربارهٔ زبیر و رفتار متفاوت او فرمود:

«مازال الزبیر رجلاً منا اهل البیت حتی نشاء ابنه المشؤوم عبدالله»(۳)

«زبیر همواره مردی از ما اهل بیت بود تا اینکه فرزند شومش، عبدالله، رشد کرد».

در ماجرای حضرت خضر و موسی(علیه السّلام) هم، وی دلیل قتل نوجوان را چنین بیان کرد:

۱- نهج البلاغه، ح۱۴، ص۶۲۷.

۲- خصال، شیخ صدوق، ج۱، ص ۲۳۰، ح۷۳ ور .ک. به: بحارالانوار، ج۷۵، ص ۱۷۰.

۳- نهج البلاغه، ح ۴۵۳.

«و اما نوجوان پدر و مادرش هر دو مؤمن بودند، ترسیدم آن دو را به کفر و طغیان وادارد».(۱)

آیات الهی در زمینهٔ کارکرد تخریبی فرزندان، به شدت هشدار می دهند.

«ای کسانی که ایمان آورده اید، همانا بعضی از همسران و فرزندانتان، دشمن شما هستند، پس از آنان، بر حذر باشید».(۲)

۳. تأثیر مثبت خانواده بر تربیت فرزندان

اشاره

به موازات این تأثیرات منفی، دلایل متعددی برای اثرگذاری مثبت تربیتی، وجود دارد که نظام اسلامی، برای گسترش آن در نظام خانواده، باید با تمام ابزارهای آموزشی، فرهنگی، اعتقادی و... بکوشد.

براساس جهان بینی اسلامی، خانواده برای هر دو طرف (پدر و مادر، فرزندان)، ابزار امتحان است

{وَ اعْلَمُوا أَنّما أَمْوالُكُمْ وَ أَوْلادُكُمْ فِتْنَةٌ}(۳)

«و بدانید که اموال شما و فرزندانتان، آزمایش است».

دلیل این امتحان هم، همان کارکرد تأثیرگذارانه بین اعضاست که افراد در روند تأثیرگذاری بر هم، در حال آزمون الهی اند. آیات الهی، به خوبی این تأثیرگذاری را به تصویر می کشند. مانند:

«و کسانی که ایمان آوردند و نسل آنان در ایمان، از آنان پیروی کردند، نسلشان را به آنان، ملحق می سازیم».(۴)

۱- کهف/۸۱. در حدیث آمده است: «خداوند دختری به او داد که از نسل او هفتاد پیامبر متولد شدند»، (نورالثقلین، ذیل آیه، تفسیر نور، ج۷، ص۲۱۲) و. ر.ک. به: المیزان فی تفسیر قرآن، ج۱۳، ص۳۴۸.

۲- تغابن / ۱۴؛ تفسیر نمونه، ج۲۴، ص۲۰۳.

۳- انفال/۲۸، ر.ک. به: تبیان، ج۵، ص۱۰۶؛ نمونه، ج۷، ص۱۲۸.

۴- طور/۲۱ . ر.ک. به: ابن کثیر، ج۴، ص۳۷۴.

و امیرمؤمنان علی(علیه السّلام) با توجه به همین کارکرد، به مالک اشتر توصیه می کند، در انتخاب فرماندهان به ارتباط با سپاهیانی که خانواده هایی ریشه دار،دارای شخصیت، پارسا، دارای سابقهٔ دلاوری، و شجاعت هستند، توجه کند.(۱)

خداوند دربارهٔ نقش تربیتی حضرت زکریا نسبت به حضرت مریم می فرماید:

«خداوند او (مریم) را به طرز نیکویی پذیرفت و به طور شایسته ای او را رویانید و کفالت او را به زکریا سپرد».(۲)

طبق آیه، از واژهٔ «کفّل»، یعنی «سرپرستی انتخاب کرد و نه«کَفَل»، یعنی سرپرست شد، استفاده شده است؛ یعنی خداوند چنان به سرپرستی و تربیت حضرت مریم اهمیت می داد که خود سرپرستی برای او انتخاب کرد.(۳)

امام علی(علیه السّلام) حتی موقع ارجاع اشخاص به دیگران، برای رفع نیازها، توصیه می کرد به کسانی مراجعه کنید که شریف و پرورش یافته در خانواده پاک و اصیل باشند؛

زیرا رفع نیازها نزد آن ها، بهتر و پاکیزه تر انجام می شود.(۴)

امام علی(علیه السّلام) هنگام معرفی رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) به اصل تربیت و خانواده توجه می کند و می فرماید:

۱- «ثُمَّ الْصَقْ بِذَوِی الْمُروءَاتِ وَ الْأَحْسَابِ وَ أَهْلِ الْبُیُوتَاتِ الصَّالِحَه». « وَ تَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَهِ وَ الْحَیَاءِ، مِنْ أَهْلِ الْبُیُوتَاتِ الصَّالِحَهِ وَ الْقَدَمِ فِی الْإِسْلَامِ» (نهج البلاغه، نامهٔ۵۳، ص۵۷۵.)

۲- آل عمران/۳۷.

۳- اخلاق در قرآن، ج۱، ص۱۶۸.

۴- غرر الحکم، اخلاق در قرآن، ج۱، ص۱۷۲.

«گواهی می دهم که محمد، بنده و فرستادهٔ خدا، سرور مخلوقات است. اگر آفریده ها را به دو دسته تقسیم کنیم، او در بهترین آن ها قرار دارد. در خاندان او نه زناکار و نه مردم بدکار هست».(۱)

بسیاری از تقلیدهای اجتماعی هم که مانع دعوت انبیا و عامل انحراف افراد بود، خاستگاه خانوادگی داشت و آیات متعددی در پی بیان این مطلب بوده، مانند:

{إِنْ أَنْتُمْ إِلاّ بَشَرٌ مِثْلُنا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدّونا عَمّا كانَ يَعْبُدُ آباؤُنا}؛(۲)

«کافران گفتند: شما جز بشری مانند ما نیستید. می خواهید که ما را از آنچه پدرانمان همواره می پرستیدند، بازدارید».

{ وَ إِذا قِيلَ لَهُمُ اتّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللّهُ قالُوا بَلْ نَتّبِعُ ما أَلْفَيْنا عَلَيْهِ آباءَنا}؛(۳)

«و هنگامی که به آنان گفته شود آنچه را خدا فرو فرستاده است، پیروی کنید، می گویند: بلکه آنچه نیاکانمان را بر آن یافتیم، پیروی می کنیم».

ب. پیشگیری از جرم در نظام خانواده

اشاره

آنچه گفتیم، به خوبی نقش مؤثر خانواده (تربیت) در کج روی یا هدایت فرزندان را نشان داد. به همین دلیل، اسلام معتقد است باید از این

۱- نهج البلاغه، خ ۲۱۴، ص۴۳۹، و نمونهٔ دیگر دربارهٔ خود امام علی(علیه السّلام) توسط پیامبر(صلّی الله علیه و آله)، نهج البلاغه ،خ۱۹۳، ور. ک. به: خ ۹۴، ص۱۷۷.

۲- ابراهیم/۱۰.

۳- بقره/۱۷۰، ر .ک. به: اعراف/۷۰؛ انبیاء/۵۲؛ زخرف/۸۷؛ نحل/۵۸ - ۵۹؛ فتح/۲۹؛ اخلاق در قرآن ، ج۱، ص۱۹۴.

توان و ظرفیت برای پیشگیری از جرم و گناه اعضا سود برد. برخی از ابزارها برای تقویت این نقش را که دولت اسلامی باید به آن ها در عمل توجه کند، برمی شماریم.

۱. ایجاد احساس مسئولیت

نظام اسلامی، باید حس مسئولیت را در ارکان خانواده، احیا کند تا ارکان خانواده، به عامل پیشگیری از جرم تبدیل شوند.

امام سجاد(علیه السّلام) این احساس را چنین ایجاد می کند:

«انک مسئول عما وُلّیّتهُ به من حسن الادب و الدَّلاله علی ربّه عزوجل و المعونه له علی طاعته»؛(۱)

«تو در برابر آنچه ولایتش برعهدهٔ تو گذاشته شده است، مسئول هستی؛ نسبت به تربیت نیکوی آن ها و هدایت به سوی پروردگار و یاری او بر اطاعت خدا».

۲. تشویق های دینی

رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) بارها از این روش، برای تشویق ارکان خانواده به ایفای نقش هدایتی سود می برد، مانند:

«رحم ا لله عبداً اعان ولده علی بره بالاحسان الیه و التألف له و تعلیمه و تأدیبه»؛(۲)

«خدا رحمت کند بنده ای را که فرزندش را با نیکی به او و مهربانی به او و آموزش او و آداب آموزی اش، یاری کند»

«رحم الله والدین اعانا ولدهما علی برّهما»؛(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۶.
۲- مستدرك الوسایل، ج ۲، ص ۶۲۶.
۳- فروع کافی، ح ۶؛ ص ۴۵.

«خدا پدر و مادری را که فرزندشان را بر نیکی آن دو، یاری نمایند، رحمت کند».

«اکرموا اولادکم و احسنوا ادبهم یُغفرلکم»(۱)

«فرزندانتان را تکریم کنید و ادبشان را به نیکی انجام دهید، خدا شما را می آمرزد».

جملات دعایی (خدا رحمت کند) یاخبری (خدا شما را می آمرزد) در این عبارت ها، شنونده را تشویق می کند که برای برخورداری از آن ها، به تربیت فرزندان همت گمارد؛ بنابراین سخنان حضرت، علاوه بر دعا و ذکر، اثر تربیت درست، کارکرد تشویقی هم دارد.

۳. تعیین حقوق فرزندان

از دیگر شیوه ها برای برانگیختن ارکان خانواده به ایفای نقش هدایتی و پیشگیری، تأکید بر این است که آنان، حقوقی بر گردن پدر و مادر دارند و طبق آن، پدر و مادر باید برای جلو گیری از تضییع حقوق فرزندان، در هدایت و پیشگیری آنان از جرم و گناه، بکوشند.

پیامبر می فرمود:

«حَقُّ الْوَلَدِ عَلَی الْوَالِدِ أَنْ یُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَ یُحَسِّنَ أَدَبَهُ»؛(۲)

«حق فرزند بر پدر این است که نام نیک بر او بگذارد و ادبش را نیکو کند»

امیرمؤمنان هم فرمود:

« حَقُّ الْوَلَدِ عَلَی الْوَالِدِ أَنْ یُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَ یُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ یُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ»؛(۳)

۱- مکارم الاخلاق، ص۲۲۲.

۲- کنزالعمال، ح۴۵۱۹۲.

۳- نهج البلاغه ، ح۳۹۹، در این روایات، حقوق اثباتی مورد نظر است.

«حق فرزند بر پدر این است که نام نیک بر او بگذارد، ادبش را نیکو کند و قرآن را یادش بدهد».

۴. خدا محوری خانواده

راه در امان ماندن خانواده از جرم و گناه، تقویت خدا محوری در آن است. خداوند این اصل را به پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله) به صراحت بیان می کند:

«(ای پیامبر) بگو اگر پدران شما و فرزندانتان و برادران شما و همسرانتان و ... نزد شما از خدا و فرستاده اش و جهاد در راه خدا محبوب تر است، پس در انتظار باشد تا خدا فرمانش (عذاب) را بیاورد».(۱)

قرآن، الگوی خدا محوری را در زندگی خانوادگی، چنین بیان می کند که حضرت یعقوب هنگام رحلت، فرزندانش را چنین به خدا محوری فرا خواند:

{أَمْ کُنْتُمْ شُهَداءَ إِذْ حَضَرَ یَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قالَ لِبَنیهِ ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدی قالُوا نَعْبُدُ إِلهَکَ وَ إِلهَ آبائِکَ إِبْراهیمَ وَ إِسْماعیلَ وَ إِسْحاقَ إِلهًا واحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ}؛(۲)

«آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرارسید، شاهد بودید؛ وقتی که به پسرانش گفت: پس از من چه چیز را می پرستید؟ گفتند: معبود تو و معبود نیاکانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق - معبود یگانه - را می پرستیم و ما تنها تسلیم او هستیم».

اگر این اصل در خانواده ها جاری شود، احتمال به انحراف کشیدن اعضا از سوی ارکان خانواده، کاهش خواهد یافت، لذا خداوند می فرماید:

{وَ إِنْ جاهَداکَ لِتُشْرِکَ بی ما لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ فَلا تُطِعْهُما إِلَیّ مَرْجِعُکُمْ فَأُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ}؛(۳)

۱- توبه/۲۴ . ر.ک. به: بحارالانوار، ج۹۲، ص ۲۰۰؛ اصول کافی، ج۶، ص۴۱۶ - ۴۱۵.

۲- بقره/۱۳۳.

۳- عنکبوت/ ۸؛ در سوره لقمان (۱۵ - ۱۶) حتی بیان می کند که ضمن حفظ خدا محوری، چگونه روابط خانوادگی و نظام خانواده را باید حفظ کرد.

«و اگر آن دو (پدر و مادر) کوشیدند برای اینکه چیزی را که به آن هیچ آگاهی نداری، همتای من قرار دهدی، پس از آن دو، اطاعت نکن، بازگشت شما تنها به سوی من است و شما را به آنچه همواره انجام می دهید، خبر می دهم».

آیات و روایات متعددی به موضوع خدا محوری در خانواده توجه کرده اند.

۵. حفظ جایگاه آمرانه والدین

منظور از جایگاه آمرانه، اشراف، نظارت و رفتار هدایت گرانه پدر و مادر است که در مواقع متعدد، عامل هدایت و بازداری از انحراف است. به این آیات توجه کنید:

{وَ کانَ یَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصّلاهِ وَ الزّکاهِ وَ کانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِیّا}؛(۱)

«{اسماعیل} همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد و نزد پروردگارش مورد رضایت بود».

{یا بُنَیّ أَقِمِ الصّلاهَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ اصْبِرْ عَلی ما أَصابَکَ إِنّ ذلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ وَ لا تُصَعِّرْ خَدّکَ لِلنّاسِ وَ لا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحا إِنّ اللّهَ لا یُحِبّ کُلّ مُخْتالٍ فَخُورٍ وَ اقْصِدْ فی مَشْیِکَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِکَ إِنّ أَنْکَرَ الْأَصْواتِ لَصَوْتُ الْحَمیرِ}؛(۲)

«ای پسرکم! نماز را بر پا دار و به کار پسندیده، فرمان بده و از ناپسند بازدار و در برابرآنچه به تو می رسد، بردبار باش، که این،

۱- مریم / ۵۵.

۲- لقمان / ۱۷ - ۱۹.

از تصمیم استوار در کارهاست، و از مردم رخ بر متاب و در زمین با سرمستی راه مرو؛ زیرا خدا هیچ متکبر خیال پرداز فخر فروشی را دوست ندارد. و در راه رفتنت، میانه رو باش و از صدایت کم کن، زیرا مسلماً ناپسندترین صداها، صدای الاغ هاست».

در این صورت است که خداوند، اسباب نجات و هدایت خانواده را نیز فراهم خواهد کرد، مگر آنانکه از این زمینهٔ هدایتی، نخواهند استفاده کنند.(۱)

از آیات بسیار مهمی که گویای کارکرد مثبت اِعمال نقش آمرانه است، این آیه است:

{یا أَیّهَا الّذینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلیکُمْ نارًا وَقُودُهَا النّاسُ وَ الْحِجارَهُ...} ؛(۲)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده تان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ هاست، نگه دارید».

یکی از یاران رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)رسید: چگونه خانواده مان را از آتش حفظ کنیم؟ فرمود:

«آن ها را امر به معروف و نهی از منکر کن. اگر از تو پذیرفتند، آن ها را از آتش دوزخ حفظ کرده ای و اگر نپذیرفتند، آنچه را برعهده داشتی، انجام داده ای».(۳)

در این آیه، با تعبیر «قوا نگه دارید» مسئولیت در برابر خانواده، به ارکان آن سپرده شده است و خداوند با لحن شدید می گوید: «خود و خانواده را چنان تربیت کنید که نتیجه اش جلوگیری از سقوط در آتش جهنم باشد».(۴)

ص: ۱۰۶

۱- نمل / ۵۷.

۲- تحریم / ۶.

۳- نورالثقلین، ج۵، ص۳۷۲.

۴- آشنایی با قرآن، شهید مطهری ،ح۸، ص۸۸ - ۸۹.

علامه مجلسی نیز چگونگی نگهداری از آتش را در سایهٔ سه کار می داند: «دعوت به اطاعت خدا، یاد دادن فرائض و واجبات و نهی از بدی و امر به خوبی».(۱)

این شاخصه (آمریت و هدایتگری) به ویژه زمانی که آسیب های بیرون از خانه، افراد را تهدید می کند، توان بازدارندگی و پیشگیری فراوانی خواهد داشت. مخصوصاً در عصر ما که عوامل بیرونی با حداقل موانع وارد خانه ها و حریم خصوصی افراد می شوند و در سایه فن آوری (ماهواره، سی دی، فیلم و ...) بسیاری از افراد را در معرض انحراف و کج روی قرار می دهند. به نظر می رسد دولت اسلامی، علاوه بر وظیفهٔ توانمند سازی ارکان خانواده، در برخورد با موانع خارجی و حفظ اقتدار مدیر خانواده، باید در کنترل، نظارت و کاهش کارکرد تخریبی عوامل بیرونی (مانند صدا و سیما، ماهواره ها و ...) نقشی بسیار

کارآمد تر از آنچه امروزه دارد، ایفا کند.

امام علی(علیه السّلام) می فرماید:

« مَنْ ضَيَّعَهُ الْأَقْرَبُ أُتِيحَ لَهُ الْأَبْعَدُ»؛(۲)

«کسی را که نزدیکانش واگذارند، بیگانه او را پذیرا می شود».

بنابراین، اگر ارکان خانواده، بتوانند فرزند را در مسیر صحیح نگه دارد، او هرگز در دام پذیرش غیرخانواده گرفتار نخواهد شد.

۶. تبدیل خانواده به کانون آرامش

اضطراب، از عوامل مهم جرم خیزی است؛ بنابراین دولت اسلامی باید از راه های مختلف به ویژه تقویت پیوند های خویشاوندی و در رأس همه،

۱- بحارالانوار، ج۵، ص۳۷۲.

۲- نهج البلاغه، خ۱۴، ص۶۲۷.

تقویت کوچک ترین واحد اجتماعی (خانواده) برای کاهش اضطراب ها، تلاش کند و با تقویت روح همبستگی اعضا، پناهگاهی امن برای آنان ایجاد کند. به این سخن امام علی(علیه السّلام) دقت کنید.

«ای مردم! انسان هر قدر ثروتمند باشد، باز از خویشان بی نیاز نیست، که از او با دست و زبان دفاع کنند. خویشاوندان، بزرگ ترین گروهی اند که از او حمایت می کنند و اضطراب و ناراحتی او را می زدایند و هنگام مصیبت ها، نسبت به او پرعاطفه ترین مردم می باشند».(۱)

نکتهٔ مهم: جلوگیری نظام ها از رشد کاریکاتوری قوانین است. امروزه در حالی که برای اموری نه چندان مهم، برنامه ریزی های ملی و کلان صورت می گیرد، و ثروت ها و مالیات های مردم مسلمان از جمله فقرا، یتیمان و بیوه زنان به راحتی هزینه می شوند، به ارتقای جایگاه نهاد خانواده که از ارکان مهم جامعهٔ اسلامی است، چندان بهایی داده نمی شود. دولت اسلامی، باید در عمل به خانواده اصالت دهد، در تقویت آن بکوشد، آموزش خانواده ها را مطابق اهداف اسلامی طراحی و اجرای نماید، نقش های اساسی در تربیت را به خانواده ها بازگرداند. اصلی ترین انتظار از ارکان خانواده (پدر ، مادر)، تربیت اعضای صالح و بعد مسائلی مانند کار و اشتغال باشد؛ امروزه ارکان خانواده به شدت درگیر فعالیت های اقتصادی هستند، به ویژه مادران(۲) که نقش عاطفی و تربیتی آنان به نقش حاشیه ای و تصادفی تبدیل شده است.

۱- نهج البلاغه، خ۲۳، ص۶۹.

۲- پدیدهٔ مادران شاغل که به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، ظهور کرد و برخاسته از تفکر نظام سرمایه داری بود، به شدت کمر نظام خانواده در غرب را شکسته و نسل هایی بی هویت و فاقد پشتوانهٔ عاطفی تحویل داده است. در حالی که در جوامع غربی، هر روزه شاهد اعتراض ها، با هدف «برگردان زنان به خانواده» برای ایفای «نقش مادری و همسری» هستیم، در جامعهٔ اسلامی خود، هر روزه شاهد به ثمر رسیدن تلاشی مقدس!! با هدف «ربودن زنان و مادران از خانواده» افزودن به خیل «زنان و مادران شاغل» هستیم. علاوه بر فعالیت های نهادهای غیردولتی، مروری بر آیین نامه های دولتی و قوانین مجلس ها در دهۀ گذشته به خوبی نشان می دهد، چگونه امکانات متعدد در خدمت تضعیف نهاد خانواده از طریق اشتغال زنان در بیرون از خانه و ایجاد «بی سرپرستی پنهان» قرار گرفته است. پدیدهٔ «بی سرپرستی پنهان» از این رو که عوارض دفعی و انفجاری ندارد، هرگز دولت مردان نظام را متوجه خود نمی کند، اما آثار آن را باید در نابسامانی نظام خانواده، کاهش علقه ها و ارتباطات خانوادگی و افزایش امواج بی هویتی نسل جدید و بی سرپرستان پنهان مشاهده کرد.

وظیفهٔ دولت اسلامی است که از تغییر الگوی (خانواده محوری) به الگوهای دیگر از جمله فرد محوری، اشتغال محوری و... جلوگیری کند، زیرا اوج این الگوها در جوامع غربی، سرانجام به اموری چون نفی خانواده، آزادی جنسی، همجنس بازی و گسیختگی واحد اصلی اجتماعی (خانواده)، کشیده شده است.

این بیم وجود دارد که در جامعهٔ ما نیز به تدریج و با روند رو به رشد صنعتی شدن اصالت و محوریت خانواده به شدت رنگ ببازد، در حالی که قرآن کریم نیز الگوی خانواده محوری را ترویج می کند، حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی به این محوریت تأکید دارد.

«از آنجا که خانواده، واحد بنیادی جامعهٔ اسلامی است، همهٔ قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط، باید در جهت آسان سازی تشکیل خانواده، پاسداری از قداست

آن، و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»(۱)

حال باید بپرسید، دولت های اسلامی چه کارنامه ای در این ارتباط، ارائه کرده اند؟ متأسفانه به دلیل «غفلت عملی» از تأثیر این نهاد، بر جرم سوزی یا

۱- قانون اساسی، اصل دهم.

جرم خیزی، ما نمی توانیم حتی فهرستی از تحقیقات عمیق علمی یا میدانی در این ارتباط، ارائه کنیم.

ص: ۱۱۰

بخش دوم: محیط سکونت

اشاره

مسکن، بخشی از محیط اجتماعی است.(۱) هر چه فضای مسکن، متناسب با اعضا و تعداد آن ها باشد، تأثیر بیش تری در رفتارهای صحیح افراد دارد. گیم برگ جرم شناس سوئدی معتقد است:

«وضع خانواده، تحت تأثیر اطرافیان، به طور محسوس دگرگون شده و ممکن است فرد را به ارتکاب جرم بکشانند یا از وقوع جرم، پیشگیری کند.

اطرافیان عبارتند از : همسایه، رفقا، همبازی های کوچه و محله، دوستان تحصیلی، خانوادگی، حرفه ای، شغلی، ورزشی، و ...؛ لذا در بسیاری از موارد دیده شده است که با تغییر محل سکونت، دگرگونی هایی در رفتار و اعمال افراد به وجود آمده است؛ مثلاً در خانه های شخصی، جرایمی مثل سرقت، رواج دارد، اما در آپارتمان ها

علاوه بر سرقت، عدم رعایت آسایش و سلب حقوق دیگران، فحاشی، درگیری، تهمت و افترا، بیشتر بروز می کند، یا در مناطقی که افراد، اوقات فراغت خود را باید در کوچه بگذرانند، غالباً با تشکیل باند، به ارتکاب جرم، روی می آورند».(۲)

علمای اسلامی، به محل سکونت و نقش پیشگیری آن، از جرم توجه داشته اند؛ از جمله خواجه نصیرالدین طوسی اصول مهم خانه سازی را چنین معرفی می کند:

۱- اصل سی و یک قانون اساسی، داشتن مسکن مناسب با نیاز را حق هر فرد و خانواده ایرانی می داند و دولت را مؤظف به تأمین آن می کند.

۲- ر.ک. به: ابعاد اجتماعی مسکن، ترجمهٔ عباس مخبر، ص ۱۷ - ۳۸.

«بنیاد استوار، تأمین نور و برخورداری از هوای ملایم، پرهیز از تکلف و اشرافیت و تفکیک محل سکونت خانواده و مهمانان، وسعت بنا، مراعات حال همسایگان، پرهیز از مجاورت با اهل شر و فساد، تأمین مصالح از طریق حلال، اجتناب از غصبی بودن، زمین».(۱)

برخی از بایسته های مسکن که در جرم زدایی مؤثرند عبارتند از:

الف. فضای عبادت و معنویت

در معماری خانه، اگر بخشی به عبادتگاه اختصاص یابد، همواره عامل توجه به خدا و بازداری از گناه خواهد بود؛ همین طور، وجود نمادهایی که عامل توجه به خداوند شود. طبق یک روایت امام صادق(علیه السّلام) به مسمع نوشت:

«دوست دارم یکی از اتاق های خود را، عبادتگاه خودسازی، آن گاه از خدا بخواهی تو را از آتش دوزخ برهاند و به بهشت وارد کند. در آنجا سخنی بیهوده و فراتر از حد، بر زبان نیاور».(۲)

امام صادق(علیه السّلام) خود نیز نمازخانه ای داشت که در قبلهٔ آن، آیات قرآنی نوشته شده بود.(۳)

طبق روایت، ارتباط معناداری بین تعیین عبادتگاه و امکان نجات از آتش و انحراف وجود دارد. با وجود چنین روایاتی است که معماری اسلامی معنا می یابد و آثار متعدد آن از جمله ظرفیت بازداری و پیشگیری از جرم و گناه، مشخص می شود.

۱- احکام و آداب مسکن، غلامرضا گلی زواره، ص۱۱، اخلاق ناصری، بحث تدبیر منزل.

۲- بحارالانوار، ج۷۶، باب ۳۱، ص۱۶۲.

۳- بحارالانوار، ج۷۶، ص۱۵۱.

ب. آرامش زایی

اضطراب، از عوامل مهم جرم خیزی است؛ بنابراین مسکن اگر آرامش زا باشد، می تواند نقش بازدارنده داشته باشد {وَ اللّهُ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ بُیُوتِکُمْ سَکَناً} (۱)

چنین کارکردی که باعث می شود، حتی اگر صاحب خانه مدیون باشد، خانه اش برای ادای دین، فروخته نشود.(۲)

ج. امکان رعایت موازین شرعی

اگر خانه به گونه ای طراحی شود که موازین شرعی، مانند حدود محرم و نامحرم، ارتباطات پدر و مادر و ... رعایت شود، نقش مؤثری در کاهش جرم خواهد داشت. در مورد حضرت ابراهیم می خوانیم:

«به دنبال آن، پنهانی به سوی خانواده خود رفت و گوسالهٔ فربه را برای آنان آورد»(۳)

از این عبارت استفاده می شود که خانهٔ حضرت، قسمت اندرونی، بیرونی داشت که موجب جداسازی فضای داخلی، از فضای بیرونی می شد و حداقل آشپزخانه در معرض دید نبود.(۴)

همچنین از آیات الهی بر می آید که اتاق ویژه پدر و مادر باید جدا باشد، اگر هم جدا نبود یا به دلیل تک اتاق بودن و... امکان نداشت، باید امور جنسی و ... بدون حضور و احساس کودکان باشد.(۵)

۱- نحل / ۸۰.

۲- جواهر الکلام، ج۲۵، ص۳۳۴؛ اخلاق از نظر همزیستی و ارزش های انسانی، محمد تقی فلسفی، ج۱، ص۳۰۴.

۳- زاریات / ۶

۴- تفسیر نور، ج۱۱، ص۲۵۲.

۵- اخبار و گزارش های تکان دهنده ای در مطبوعات منتشر می شود که بزهکاران جنسی، از دلایل مهم گرایش به جرم را، مشاهدهٔ ارتباطات جنسی والدین معرفی می کنند. همین طور، اخبار گوناگونی از ترویج گناهانی خاص، در مجتمع های مسکونی منتشر شده که دلیل آن تمرکز بیش از حد و معماری فشرده ساختمان ها، رعایت نشدن حریم ها، و راحت تر و کم هزینه تر شدن گناهان در این اماکن است.

«ای کسانی که ایمان آورده اید، باید... کسانی که به بلوغ نرسیده اند، در سه مرتبه از شما اجازه بگیرند؛ پیش از نماز صبح، هنگام نیم روز که لباس های خود را فرو می نهید و بعد از نماز عشا.]اینها[سه وقت مخصوص امور برهنگی شماست».(۱)

۱- نور / ۵۸، ور.ک. به: تفسیر نور، ج۸، ص۲۰۸.

بخش سوم: محیط اشتغال و ارتباط

الف. شغل

اشتغال، سبب آرامش و انطباق با زندگی اجتماعی است، اما اگر از روی اجبار، شغلی غیر متناسب پذیرفته شود، نارضایتی و ناراحتی روانی و عدم آرامش، ایجاد می شود و بستر مناسبی برای ارتکاب جرایم فراهم می آید. عدم احساس امنیت شغلی، اضطراب زاست، در محیط خانه و کار، تشنج آفرین است و کاهش مقاومت در برابر فشارهای روانی را در پی دارد. طرز برخورد کارفرما، موقعیت شغلی، عدم تأمین یا تهدید به بیکاری، و ... حالت عصبی، بی تفاوتی به کار و احساس بی مسئولیتی را پدید می آورد که همگی از زمینه های جرایم هستند.

نکتهٔ اساسی این است که افراد به تناسب شغل خود، دچار انحرافات می شوند؛ مثلاً کارگران فروشگاه های بزرگ، بیشتر مرتکب سرقت می شوند، کارگران چاپخانه ها به جعل اسکناس رو می آورند، ثروتمندان، صاحبان صنایع، مدیران، سیاستمداران، وزرا و ... به دلیل درآمدهای زیاد، کسب بدون مشقت، استفاده از موقعیت های خاصی و ...، ثروت های بادآورده، فراهم می کنند که در اصطلاح جرم شناسی قرن اخیر به جرم آن ها «جرم یقه سفیدها» گفته می شود. طبق یک بررسی در فرانسه، جرایم ارتکابی کارفرمایان بزرگ، بیش از دیگران است. کارمندان عالی رتبه و ... بیشتر دچار جرایمی، مانند صدور چک بی محل، اخذ رشوه، خیانت در امانت، کلاه برداری، اختلاس، تخلفات راهنمایی و رانندگی، جرایم تأمین

اجتماعی و کار، تقلب و جعل اسناد، ترک نفقه خانواده، هتک ناموس، ضرب و جرح عمدی و قتل می شوند.(۱)

به این ترتیب روشن می شود که دولت اسلامی در اولین گام برای پیشگیری از جرم و گناه باید به تنوع شغل ها و جرایم خاص هر شغل، بیش از امور دیگر توجه کند.

اولین اثر اشتغال، کسب درآمد و بی نیازی از دیگران است که خود اثر ضد انحرافی و ضد جرم دارد؛ لذا اسلام به شدت با بیکاری مخالفت می کند. امام صادق(علیه السّلام) دربارهٔ کسی که تجارت و کار را ترک کرده بود، سه بار فرمود: «عملُ الشیطان، کار شیطانی است» و خدا می فرماید:

{ رِجالٌ لا تُلْهِیهِمْ تِجارَةٌ وَ لا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللّهِ}؛(۲)

«مردانی که تجارت و خرید و فروش، آن ها را از یاد خدا باز نمی دارد».

امام صادق(علیه السّلام) برای تجارت، هزار و هفتصد دینار به شخصی داد و فرمود:

«تجارت کن، البته من علاقه ای به سودش ندارم، هر چند سودش هم علاقه زاست، اما من دوست دارم، خدا مرا در جستجوی روزی خویش ببیند».(۳)

امام باقر(علیه السّلام) فرمود:

«هر کس دنیا را به علت بی نیازی از مردم، توسعه بر خانواده و کمک به همسایه بخواهد، خدا را در قیامت، در حالی ملاقات خواهد کرد که صورتش مثل ماه شب چهارده است».(۴)

۱- ژان میشل سبت، جامعه شناسی جنایت، ترجمه دکتر فریدون وحیدا، ص۲۴ - ۱۷۴.

۲- نور/۳۷ ؛ تفسیر نور، ج۸، ص۷۵.

۳- همان، ص۷۶.

۴- همان، ص۷۸.

از جمله عوارض، نداشـتن عدم امنیت شـغلی، تعویض کار و دل نبسـتن به کار واگذار شده، است که حاصل آن جز خواری و سرشکستگی و احساس ناامیدی نیست و این خود از عوامل مهم جرم است. امام علی(علیه السّلام) فرمود:

«مَنْ أَوْمَأَ إِلَی مُتَفَاوِتٍ خَذَلَتْهُ الْحِیَلُ»؛

«کسی که به کارهای گوناگون بپردازد، خوار می شود و پیروز نمی گردد».(۱)

افرادی که توان کاریابی ندارنـد و در جرگـهٔ بیکاران میماننـد، بیش از دیگران، دچار مشـکلات می شونـد و دام جرم و گناه بیشتر از دیگران، برای آن ها پهن شـده است. برای نمونه در یک اسـتان، بیکاری مهم ترین عامل و منشأ افزایش آمار زندانیان اعلام شده است.(۲) طبق نتایـج بررسـی علل طلاق صد پرونده در محاکم قضایی تهران، در سال ۷۸، بیکاری عامل ۲٪ طلاق اعلام شده است.(۳)

به نظر جـامعه شـناسان، «اشـتغال» «تعهـد»، «سـرمایه» و «ایمـان» در بهسازی روابط اجتماعی، نقش اساسـی دارد، و اگر این سـه شاخص یاد شده، موجود باشد، ولی اشتغال نباشد، افراد آسیب پذیر خواهند بود.(۴)

تنوع جرایم، ویژگی های خاص هر شـغل و اقتضائات و هماهنگی آن با جرم های ویژه، عامل اصلی در پنهان ماندن بسیاری از جرایم – ماننـد جرم یقه سـفیدها – می شود و در آینده، آثار تخریبی عظیمی برجای می گذارد. به همین دلیل، قوانین دولتی و سازمان های نظارتی، حتی گاه از وقوع جرایم

۱- نهج البلاغه، ح ۴۰۲، ص۷۲۶.

۲- قدس، ش ۵۸۳۰، ۸ اردیبهشت ۱۳۸۷، ص۶.

۳- مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، ص۳۰۸.

۴- قدس، یکشنبه ۴ خرداد، ۱۳۸۷، ص۱۳.

توسط چنین گروه هایی مطلع نمی شوند، چه رسد به نظارت، پیگیری یا پیشگیری از آن ها.

توضیح اینکه، حالت خطرناک در مجرمان دو رکن دارد: (۱). ظرفیت و استعداد مجرمانه؛ (۲). استعداد انطباق با جامعه. وخیم ترین حالت، مربوط به مجرمانی است که ظرفیت جنایی خیلی قوی و قابلیت انطباق بسیار بالایی با محیط دارند. آن ها می دانند چگونه جرم کنند تا گرفتار نشوند. بزهکاران یقه سفید هر دو رکن را دارند، لذا ممکن است در جامعه، اساساً مجرم به حساب نیایند و جرم آن ها کشف نشود؛ مثلاً در اختلاس از دولت، علت بالابودن رقم سیاه بزهکاری یقه سفیدها این است که قدرت ظرفیت جنایی و استعداد انطباق پذیری بالایی دارند، لذا تفکیک مجرم از غیر مجرم بسیار دشوار می شود. این گروه، همیشه کمتر از بزهکاران «بالنسبه خطرناک» در معرض شناسایی اند.(۱)

همان گونه که مجرمان یقه سفید، در نظام دولتی، بهتر می توانند دچار جرم شوند، همین وضعیت در هر یک از مشاغل دیگر وجود دارد؛ یعنی افراد آشنا به آن شغل، در همان شغل، یقه سفیدند و همین ویژگی باعث می شود، دولت توان شناسایی و کنترل خود را از دست بدهد. راه چارهٔ آن نیز، شاید توجه ویژه به هر شغل و ارائهٔ طرح و راهکار، براساس ساختار متناسب با آن شغل باشد؛ هم برای پیشگیری و هم برای برخوردهای کیفری و حقوقی. حال آنکه امروزه، ما از قوانین، با ساختارها و روش های یکسانی پیروی می کنیم؛ مثلاً در مورد جرم سرقت، برای سرقت موردی و جزئی از همان روش سود می بریم که برای سرقت های یقه سفیدها، حاصل آن می شود، که یقه سفید ها با دزدی های میلیاردی همچنان متشخص و عالی

۱- جرم شناسی، دکتر خلیلی، ص۱۵.

مقام می مانند؛ اما افراد عادی و محروم دچار زندان، محاکمه، و قطع دست و ... می شوند. هر چند این تفاوت، توسط مسئولان نظام و کارگزاران احساس نشود، اما مخاطبان و مردم، تضاد حاصله را، به خوبی احساس می کنند و با عباراتی گوناگون، از قطع دست دزدهای عادی و مصونیت دزدهای میلیاردی، به شدت اظهار رنج می کنند. همین احساس تبعیض، اثر اجرای حدود - بازدارنگی و پیشگیری - را خنثی می کند. بنابراین نظام اسلامی باید به تناسب مشاغل، راه های کشف، نظارت، کنترل، مجازات و پیشگیری، را متنوع سازد.

برای مثال: ۲۰ میلیون نفر، جمعیت صنفی کشور را تشکیل می دهند که در ۷۶۰۰ اتحادیه گرد می آیند و ۳۰۶ مجمع در کشور، حضور دارند. برقراری ارتباط تخصصی با هر یک از این گروه ها و مداخلهٔ صاحبان تخصص در روند پیشگیری از جرایم خاص هر صنف، موجب «تولید امنیت» و کاهش جرم و پیشگیری از وقوع جرایم می شود.(۱)

چنین تقسیم بندی و برخورد تخصصی با تمام طبقات اجتماعی، می تواند نقش بسیار مؤثرتری در پیشگیری داشته باشد و درصد «یقه سفیدها» در هر گروه شغلی و... را به شدت پایین آورد. البته این برخوردها، تنها نباید در حد انتظامی باشد، بلکه باید به لایه های قانون گذاری، سیاست گذاری و قضایی نیز گسترش یابد.

ب. محیط تفریح

از نیازهای اساسی بشر، تفریح و ایجاد بستر شادی زا برای تسکین اعصاب، تجدید قوا و کاهش فشارهاست، بنابراین بشر به محیطی برای

۱- سردار نجفی، رئیس پلیس نظارت بر اماکن عمومی ناجا، رادیو فرهنگ، ۱۴ مهر ۱۳۸۷، برنامهٔ جامعهٔ ایران، قانون گرایی و انضباط اجتماعی.

تفریح نیاز دارد. این محیط، می تواند درون خانه یا بیرون از آن (در محله و ...) باشد. نکتهٔ مهم، سلامت تفریحات و محل آن هاست. اوقاتی که مردم برای تفریح اختصاص می دهند - به دلیل نیاز به تأمین زندگی - معمولاً زمانی است که با اوقات کار و تلاش فاصله دارد؛ مثلاً کارمندان در تابستان ها، دانش آموزان و جوانان ایام تعطیلات، افراد با شغل آزاد، بیکارها و ... هر کدام موقعیت های خاصی برای تفریح دارند.

همین نیاز، بستر مناسب برای حضور بزهکاران حرفه ای و منحرفان فراهم می کند تا مردم را با عناوینی چون تأمین و ارضای نیازهای درونی، جذب کنند و شریک جرم خود سازند. در این میان، نوجوانان و جوانان، دختران و پسران مجرد، افراد فاقد شغل، محرومان جنسی، و ... بیشتر از دیگران در معرض خطر قرار می گیرند.

بررسی های علمی، نشان می دهد فعالیت های اجتماعی، هنری، سیاسی، مذهبی، از عوامل مهم انطباق با محیط اجتماعی است. افرادی که اوقات فراغت خود را به بطالت و عیاشی در مراکز مربوطه می گذرانند، بیشتر به ارتکاب جرایم مختلف، کشیده می شوند.(۱)

تحقیقات اجتماعی، نشان می دهد: یکی از عوامل مهم بزهکاری در جوانان، خالی بودن اوقات فراغت آن هاست و در سال های اخیر به دلیل گران شدن روش های فعال و ترویج روحیهٔ انزواطلبی در جوانان و محدودیت فضاها، گرایش به سمت گذران غیرفعال اوقات فراغت و رفع نیاز به تفریح، گسترش پیدا کرده است. در شهرهای بزرگ و در هوای گرم و سوزان تابستان - اوقات فراغت - افراد از لحاظ مقاوت روانی و

۱- قدس، یکشنبه ۴ خرداد، ۱۳۸۷، ص۱۳

تحریک پذیری شرایط خطرناکی پیدا می کنند. دادیار مجتمع قضایی اطفال، می گوید:

«با آغاز فصل تابستان و بیکاری جوانان، تغییراتی در نوع پرونده ها ایجاد می شود و جرایمی مثل سرقت، ضرب و شتم افزایش می یابد».

مسئولان انتظامی معتقدند: جرم های سرقت، شرارات، مزاحمت های خیابانی، در تابستان زیاد می شوند. البته این مسئله، کشف تازه ای نیست، بقراط (۳۶۵ - ۴۱۰ قبل از میلاد) معتقد بود: «فصول و آب و هوا در وضع زندگی مؤثرند»، منتسکیو در کتاب روح القوانین تأثیر محیط جغرافیایی در وضع جسمی و روانی را تأیید می کند. طبق یک بررسی در ۱۸۳۰ - ۱۸۲۶ در فرانسه، روشن شد که عوامل جغرافیایی در ارتکاب جرم مؤثرند، لذا جرایم علیه اشخاص در نقاط گرمسیر و جرایم علیه اموال در نقاط سردسیر بیشتر است. در تابستان، که روزها طولانی و اشخاص ساعات زیادی در بیرون خانه هستند، برخوردهای اجتماعی، زیادتر است؛ بنابراین جرایم علیه اشخاص (قتل، ضرب، جرح) هم بیشتر است و در زمستان، به دلیل طولانی بودن شب ها، جرایمی مثل سرقت افزون تر است. طبق تحقیقات جرم شناس بلژیکی، قتل، عمل منافی عفت، هتک ناموسی و تجاوز در اوایل تابستان، بیشتر است.(۱)

اوقات فراغت و ایام تفریح در طول سال، نیازمند برنامه ریزی کلان و البته اجراپذیر دولتی است. دولت، باید خانواده ها را به مشارکت گسترده برای طراحی سازوکارهای متناسب فرابخواند به گونه ای که هم به نیاز تفریحی مردم، پاسخ داده شود و هم بسترهای جرم زا کاهش یابد. افزایش

۱- مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، ص ۳۳۱.

موقعیت هـای تفریـح کنترل شـده، کاهش موقعیت های حضور منحرفان و اهل سوء اسـتفاده و مجرمان حرفه ای، تنوع تفریـح، افزایش امکانات، کاهش هزینه های تفریحات سالم از جملهٔ این عوامل هستند.

ج. محیط ارتباطی

اول. وسایل ارتباط جمعی مجازی

رسانه های گروهی مثل صدا و سیما، مطبوعات، سینما و ... جزو محیط های انتخابی و گاه اتفاقی است. این محیط، در پرورش یـا تخریب افکـار عمومی، نقش اساسـی دارد. وسایـل ارتباط جمعی و رسانه های گروهی، در تار و پود افراد تلقین پـذیر برای ارتکاب جرم، نفوذ می کننـد. مردم چون به وقایع عادی زنـدگی توجه ندارند، حوادث اسـتثنائی را با شدت پیگیری می کنند، رسـانه هـا هم برای جلب مشتری و کسب منـافع به برجسـته کردن «نقش بزهکاری» می پردازنـد و مخاطبان، به تقلیـد از آن ها روی می آورند. رادیوها به خصوص رادیوهای بیگانه، نوارهای کاست و ویدیویی، سـی دی و... به دلیل فراگیری بیشتر، نقش انکارناپذیری در آموزش اجتماعی شدن، القای عقیده، کسب مهارت و ... دارند، و به همین نسـبت، می توانند سـبب گمراهی شونـد. امـا سـینما و تلویزیون، به دلیـل علاقـهٔ بیشتر، جـذابیت هـای بصـری و در دسترس بودن در محیـط خـانواده و ... طبقات مختلف به ویژه اطفال و جوانان را متأثر می کند و این گروه تلقین پذیر را، در آستانهٔ انحراف قرار می دهد. تلویزیون و سینما، می توانـد در رونـد آموزش، کسب معلومات متنوع و افزایش سـطح مهارت های زندگی، نقش داشـته باشد، اما اگر جنبه های منفی و تخریبی آن بیشتر باشـد، و نگـاه اومـانیستی یـا تجـاری بر آن حاکم شود، اهـداف و منافع شخصـی و گروهی، به گونه اغراق آمیز در فیلم ها تبلیغ خواهد شد و پرخاشگری، عصیان،

ص: ۱۲۲

عیاشی، قانون شکنی، شهوترانی ترویج خواهد شد. در جامعهٔ ایرانی ما، که میلیون ها جوان فاقد امکانات ازدواج هستند و میلیون ها خانواده، با فقر مالی دست و پنجه نرم می کنند، نمایش مناظر شهوت انگیز مثل بدن های لخت ورزشکاران و تبلیغ رفاه زدگی، در رسانه ها، چیزی جز تشدید احساس فقر و نیاز نخواهد داشت که حاصل آن، نزدیک شدن به جرم خیزی و گناه گستری است.

نظام اسلامی، وظیفه دارد از ظرفیت های خود برای کنترل و جهت دهی مناسب به رسانه های گروهی، نهایت استفاده را برای کاهش جرایم و پیشگیری از آن ها بکند. به دلیل دولتی بودن رسانهٔ ملی، این امکان برای دولت اسلامی بیش از کشورهای دیگر فراهم است.

رسانه ها، کلاً دو کارکرد در راستای پیشگیری، می توانند داشته باشند که نظام اسلامی باید به هر دو توجه کند:

(۱). ساختار رسانه های گروهی، به گونه ای طراحی شود که جرم زا نباشد و از لحاظ قانونی، اصل پیشگیرانه بودن در ساختار رسانه ها، لحاظ و به عنوان یکی از شاخصه های تأیید و بقا رسانه به رسمیت شناخته شود.

(۲). اهداف آن ها باید جرم زدا باشد و به خصوص دربارهٔ تمام برنامه های رسانهٔ ملی این ملاک به دقت پیگیری گردد.

رسانه ها باید به عنوان ابزار فرهنگی و ابزار نرم دولت اسلامی، تمام سیاست های پیشگیرانه دولت را بسترسازی کنند و با کم ترین مانع به اجرا درآورند، زیرا واقعیت عصر و دستاوردهای دانش ارتباطات، گویای تأثیر بلامنازع دستگا ه های رسانه ای بر فرهنگ، باورها و رفتارهای مردم است و این تأثیرگذاری در هر دو بُعد فرهنگ سازی و فرهنگ سوزی، «گسترش انحراف»، «پیشگیری از انحراف» از گسترهٔ رفتارهای ظاهری تا عمق بینش ها و اعتقادات را شامل می شود.

ص: ۱۲۳

یکی از راه های در امان ماندن از کارکرد تخریبی و تقویت نقش پیشگیرانهٔ رسانه ها: تقویت امکان نظارت دائمی، فراگیر، کارآمد و مؤثر «عالمان دین» و «سازمان های متعهد خصوصی» بر این دستگاه هاست.

امروزه، گروهی در سطح جهانی، علما و نخبگان، استادان و سازمان های غیردولتی متعهد را بی خبر از دنیای ارتباطات، می پندارند و می کوشند ذائقهٔ اسلامی نسل ها را طبق تشخیص و منافع خود دست کاری کنند. بر این اساس، رسانه ها این ظرفیت را دارند که تعاملات برخاسته از دین را در تمام عرصه های اجتماعی (مانند ارتباط محرم و نامحرم، ورزش بانوان، ازدواج دائم و موقت، تعدد زوجات، غیرت دینی، نام گذاری ها، فرهنگ شهادت، امر به معروف و نهی از منکر، وفاداری به خانواده، داشتن دوست از جنس مخالف، بیگانگی مذهبی و دینی، خودباختگی فرهنگی، و صدها عنوان ریز و درشت دیگر) دگرگون سازند و برنامه های دراز مدت برای تغییر ذائقهٔ فرهنگی، کاهش غیرت دینی، عادی سازی تدریجی گناه و ناهنجاری های دینی را تدارک و عملی کنند و خلاصه، این ابزار را در خدمت «استحالهٔ فرهنگی و دینی» قرار دهند. در این صورت، می توان برای مثال، جامعه ای را نشان داد که در روزی، نمایش کوچک ترین صحنهٔ معاشرت و ارتباط مشکوک در رسانه، خروش متعهدان را برمی انگیخت، اما در زمانی دیگر، متعهدان جامعه، برای رعایت حداقل های شرعی در سیما و سینما با متولیان فرهنگی چانه می زنند.

به دلیل نابودی مرزهای فرهنگی، فرهنگ استفاده از جذابیت های جنسی در فیلم ها از غرب به کشورمان هجوم آورده و بستر مناسبی برای جرم گستری ایجاد کرده است.

رسانه های گروهی، نقش مؤثری در «عرفی سازی گناهان» برعهده دارند. شاید بتوان یکی از دلایل تأثیرگذاری منفی رسانه های گروهی و ملی در

ایران را، اعمال سیاست های سکولاریستی درباره مقوله هنر و رسانه دانست که خود جای بحث مفصلی دارد. دولت اسلامی می تواند از شکل گیری سازمان های تخصصی غیردولتی، در هر عرصه از جمله «نظارت بر رسانه های گروهی» به عنوان ابزاری کارآمد برای پیشگیری از بسترسازی رسانه ها برای جرم و گناه سود برد. از این تشکّل ها حمایت قضائی، حقوقی و قانونی بنماید و با فراهم سازی امکان نظارت مؤثر غیردولتی بر رسانه ها، در کاهش آثار تخریبی آن ها بکوشد. تربیت کارشناسان مذهبی و متعهد آشنا با علوم ارتباطات، نیز از اولویت های دولت اسلامی است.

در دنیای امروز، رقابتی شدن رسانه های داخلی با رسانه های خارجی - در پی گسترش ماهواره ها، صنعت رایانه و... - این ضرورت را ایجاد کرده است که دولت اسلامی، بیش ترین همت خود را صرف تقویت ارزشی رسانه های گروهی و ملی جامعه خود بکند تا از یکسو در دنیای رقابت، ابزار رسانه ای خود را ناکارآمد نسازد و از سوی دیگر، خیل مخاطبان تقلید پذیر جامعهٔ خود را، در مقابل هجوم رسانه های خارجی، تنها نگذارد. به

این ترتیب، تلاش نظام اسلامی برای تطهیر رسانه ها از اسباب انحراف، باید در کنار تقویت اعتقادی، فرهنگی آن ها صورت گیرد و تمام امکانات مادی و معنوی لازم برای فراهم سازی جذابیت های مشروع در آن به کار گرفته شود.

دوم. باندها و گروه ها

جرایم باندها و گروه ها

انسان ها، دوستانشان را به انتخاب خود برمی گزینند و با آنان رابطه برقرار می کنند.، مطالعهٔ چگونگی تأثیر معاشرت بر جرم زایی، از مباحث قدیم جرم شناسی است. گاهی جوانان، گروه تشکیل می دهند و یک رئیس،

سرپرستی آنان را به عهده می گیرد. نزاع های دسته جمعی که گاه به قتل منجر می شود، از عوارض این باندهاست.

چنین پیوندهایی از گذشته های دور، بین افراد مختلف بوده است، هر چند عموماً مشخص و با نشان همراه نبوده است و نوع رسمی آن، از فراورده های تمدن عصر ماست. جوانان، به دلیل اختلافات خانوادگی، نبود مراقبت، بیکاری، وضع مسکن، تفریحات ناسالم، جستجوی هویت، احترام و محبت، شخصیت، ارضای غرایز، گشودن عقده های روانی و ... به تشکیل گروه، روی می آورند تا مورد محبت و پذیرش قرار گیرند و با قبول نقشی هر چند مجرمانه، احساسات سرکوب شده و تحقیر شدهٔ خود را التیام بخشند.

این وضعیت، دربارهٔ «باند بزرگسالان» هم وجود دارد، باند بزرگسالان در طول تاریخ، در اشکال مختلف (قبیله ای، محله ای، تعصبات نژادی) بوده، ولی در عصر حاضر، تشکیلات باندی برای انجام جرایمی خاص مثل اخاذی، قاچاق اسلحه، زنان، اطفال، مواد مخدر، پدید می آید. باند گانگسترها، مافیا و کامورا از جمله آن هاست. در آمریکا، حتی کارمندان عالی رتبه و مأموران سیاسی و پلیس، مجبور به همکاری با این باندها هستند، در ایتالیا، مافیا، سالانه ۸۳۵ میلیون دلار از اماکن عمومی، اخاذی می کند. از جمله ابزارهای نفوذ باندهای جدید، (قاچاق مواد مخدر، جعل اسکناس، ربودن دختران و زنان...) استفاده از بازارهای مشترک می باشد که پیوستگی اقتصادی و سیاسی ملت ها را ترغیب می کنند..(۱)

در قرآن کریم و روایات، موضوع رفاقت و دوست گزینی، بارها مورد توجه قرار گرفته است و راه های متنوعی هم برای رهایی یا اصلاح آن، ارائه

ص: ۱۲۶

۱- مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟ ص ۳۱۶ - ۳۲۲.

شده است که نظام اسلامی باید به آن ها توجه کند. به نمونه ای از تأثیر دوستان توجه کنیم.

در عصر پیامبر، دو نفر از مشرکان (عقبه و ابی) با هم دوست بودند، عقبه وقتی از مسافرت آمد، مردم و حتی پیامبر را دعوت کرد. پیامبر فرمود: «من از غذای تو نمی خورم، مگر اینکه مسلمان شوی»، عقبه هم مسلمان شد. وقتی ابی مطلع شد، گفت: من از تو راضی نمی شوم، مگر اینکه به محمد توهین کنی. عقبه فریب خورد و به پیامبر توهین کرد و در جنگ بدر کشته شد. ابی هم در جنگ بدر کشته شد. آن گاه آیات زیر نازل شد:

«روزی که ظالم، دست خود را از شدت حسرت به دندان می گزد و می گوید: کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم. وای بر من! ای کاش! فلان را دوست خود انتخاب نمی کردم. او مرا از یاد حق، گمراه کرد؛ بعد از آنکه آگاهی به سوی من، آمده بود و شیطان، همواره انسان را تنها می گذارد».(۱)

وظایف دولت

اشاره

در رویارویی با این پدیده، دو نهاد خانواده و حکومت، وظایف مهمی به عهده دارند. حکومت اسلامی، وظیفه دارد حداقل در چهار شاخه، به پیشگیری از جرایم ناشی از گروه ها بپردازد.

الف. تبیین ماهیت گروه های منحرف

اشاره

حکومت اسلامی، باید تمام ابزارهای رسانه ای و آموزشی خود را در خدمت تبیین اهداف، معرفی چهره ها، عوارض، پیامدها و دلایل تشکیل گروه های مذکور، قرار دهد و نهاد خانواده را از همان دوران دانش آموزی با خطرهای آن ها آشنا سازد؛ به گونه ای که دوری از گروه های منحرف، به

۱- فرقان/۲۷-۲۹؛ مجمع البیان، ج۷، ص۱۶۶.

صورت یک رفتار نهادینه شده و فرهنگ در آید. اگر دستگاه های فرهنگ ساز نظام اسلامی، در این عرصه، کوتاهی کنند. به زودی پایه های خانواده سست خواهد شد و رقیبی جدی و بی مهار برای نهاد خانواده، ایجاد خواهد شد. این تبیین و روشن گری می تواند در چند بخش صورت گیرد:

۱. هشدار دربارهٔ عوارض باندگرایی

قرآن کریم به عنوان کتاب حکومت رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله)، بارها به تبیین عوارض زیان بار حضور در گروه های منحرف می پردازد،(۱) از جمله در سوره مدثر می فرماید: «بهشتیان از دوزخیان می پرسند، چه چیزی شما را به دوزخ فرستاد؟ آن ها اموری را ذکر می کنند، از جمله می گویند:

{وَ كُنّا نَخُوضُ مَعَ الْخائِضينَ}

«ما پیوسته با اهل باطل، همنشین و هم صدا بودیم».

در سوره ای دیگر، اثر همنشین و حضور در گروه های منحرف را چنین بیان می کند:

{يَقُولُ أَ إِنّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقينَ أَ إِذا مِتْنا وَ كُنّا تُرابًا وَ عِظامًا

أَ إِنّا لَمَدينُونَ قالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطّلِعُونَ فَاطّلَعَ فَرَآهُ في سَواءِ الْجَحيمِ قالَ تَاللّهِ إِنْ كِدْتَ لَتُرْدينِ وَ لَوْ لا نِعْمَةُ رَبّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرينَ}

«کسی از آن ها می گوید: من همنشینی داشتم که پیوسته می گفت: آیا تو این سخن را باور کرده ای که وقتی مردیم و خاک و استخوان شدیم، زنده می شویم و جزا داده خواهیم شد؟ می گوید: آیا شما می توانید از او خبری بگویید؟ این جاست که نگاهی می کند، ناگهان او را میان دوزخ می بیند. می گوید: به خدا

۱- فرقان/ ۲۷ – ۲۹.

سوگند، نزدیک بود مرا به هلاکت بکشانی و اگر نعمت پروردگارم نبود، من از احضارشدگان بودم».

امام جواد(علیه السّلام) می فرمود:

«ایاک و مصاحبه الشریر فانه کالسیف المسلول یحسن منظره و یقبح اثره»؛(۱)

«از همنشینی بدکار بپرهیز؛ زیرا او مانند شمشیر برهنه، ظاهرش زیبا و اثرش زشت است».

و امام باقر(علیه السّلام) هم فرمود:

«کسی که در مجلسی بنشیند که در آن به امامی از امامان ناسزا گویند و بتواند برخیزد و برود، ولی نرود، خدا لباس ذلت را در دنیا به او می پوشاند و در آخرت او را عذاب می کند و آن چیز نیکی را که خداوند به دادن آن بر وی، منت نهاده است، یعنی معرفت ما، از او می گیرد».(۲)

دولت باید عبرت های فراوان فعالیت باندی را برای نسل جوان تشریح کند و آنان را از افتادن در دام های گوناگون برحذر دارد.

۲. تبیین تأثیرگذاری ارتباطات

نهاد خانواده و حکومت باید این باور را در مخاطبان خود ایجاد کند که ارتباطات تأثیرگذار است. بنابراین از هر ارتباطی، نباید استقبال کنند و بدانند افراد آگاهانه یا ناآگاهانه از همنشین ها، اثر می پذیرند. بر این اساس رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمود:

۱- بحارالانوار، ج۷۴، ص۱۹۵.

۲- کافی، ج۲، ص۳۷۹.

«المرء علی دین خلیله و قرینه»؛(۱)

«انسان، بر دین دوست و همنشین خود است».

امام صادق(علیه السّلام) فرمود:

«با بدعت گذاران رفاقت نکنید و با آن ها همنشین نشوید که نزد مردم همچون یکی از آن ها خواهید بود».

رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمود:

«انسان پیرو دین دوست و رفیقش است».(۲)

از حضرت سلیمان(علیه السّلام) نقل شده است:

«دربارهٔ کسی قضاوت نکنید تا نگاه کنید با چه کسی همنشین است، چرا که انسان را به وسیلهٔ دوستان و همنشین هایش می توان شناخت و او نسبتی با اصحاب و یارانش دارد».(۳)

و حضرت لقمان(علیه السّلام) فرمود:

«فرزندم! با دانشمندان، دوستی کن و با آن ها نزدیک باش و همنشینی کن و به زیارت آن ها در خانه هایشان برو! باشد که مثل آن ها شوی و با آن ها باشی».(۴)

امام علی(علیه السّلام) به امام حسن(علیه السّلام) فرمود:

«با نیکان، قرین و همنشین باش تا از آن ها شوی و از بدان دور باش! تا جدا شوی».(۵)

امام علی(علیه السّلام) فرمود:

۱- کافی، ج۲، ص۳۷۴.

۲- همان.

۳- بحار الانوار، ج۷۱، ص۱۸۸.

۴- همان، ص۱۸۹.

۵- نهج البلاغه، نامهٔ ۳۱.

«از همنشینی با فساق، بپرهیز که شر به شر می پیوندد؛ خدا را گرامی دار و دوستان خدا را دوست بدار».(۱)

در خطبه های مختلفی از نهج البلاغه به تبیین اثرگذاری ارتباط با گروه های منحرف و رؤسای آنها پرداخته شده است.

«دیگری که او را دانشمند نامند، اما از دانش بی بهره است، یک دسته از نادانی ها را از جمعی نادان، فراگرفته و مطالب گمراه کننده را از گمراهان، آموخته و به هم بافته و دام هایی از طناب های غرور و گفته های دروغین، بر سر راه مردم افکنده است، قرآن را بر امیال و خواسته های خود، تطبیق می دهد و حق را به هوس های خود، تفسیر می کند».(۲)

«دشمن ترین آفریده ها، نزد خدا دو نفرند: مردی که خدا او را به حال خود گذاشته و از راه راست دور افتاده، دل او شیفته بدعت است و مردم را گمراه می کند و به فتنه انگیزی می کشاند و راه رستگاری گذشتگان را گم کرده و طرفداران خود و آیندگان را گمراه ساخته است. بار گناه دیگران را بر دوش کشیده و گرفتار زشتی های خود نیز باشد و مردی که مجهولاتی به هم بافته و در میان انسان های نادان امت، جایگاهی پیدا کرده است، در تاریکی های فتنه، فرورفته و از مشاهدهٔ صلح و صفا، کور است».(۳)

۳. علت شناسی گرایش به گروه های منحرف

قرآن کریم از جمله علل همنشینی با منحرفان را، دشمنی افراد با خدا می داند و خدا به عنوان مجازات، آنها را گرفتار دوست و همنشین بد،

۱- نهج البلاغه، نامهٔ ۶۹، ص۶۱۳.

۲- همان، خ۸۷، ص۱۴۷.

۳- همان، خ ۱۷، ص۴۱.

می سازد. بنابراین اشخاص با آگاهی از چنین نقاط ضعفی در خود، در پی عیب یابی از خود بر خواهند آمد.

{وَ قَيَّضْنا لَهُمْ قُرَناءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ ما بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ}؛(۱)

«ما برای آنها، همنشینان قرار دادیم و آن همنشین ها، زشتی ها را از پیش رو و پشت سر، در نظرشان جلوه دادند».

در آیه ای دیگر می فرماید:

«و هر کس از یاد خدا روی گرداند، شیطان را به سراغ او می فرستیم، پس همواره قرین اوست و آن ها (شیطان ها) این گروه را از یاد خدا باز می دارند؛ در حالی که گمان می کنند، هدایت یافتهٔ حقیقی اند. تا زمانی که نزد ما حاضر شود، می گوید: ای کاش، بین من و تو فاصلهٔ مشرق و مغرب بود، چه بد همنشینی بودی!».(۲)

اساساً گروه بندی هایی که در قرآن صورت می گیرد، برای تبیین تأثیرگذاری گروه ها و بازداری مردم از انحراف به سمت گروه های منحرف است؛ مانند آیات متعددی از سورهٔ زمر، آیات نهی از معروف و امر به منکر منافقان و برعکس امر به معروف و نهی از منکر مؤمنان، جملگی در همین راستا قابل بحث و بررسی است.

ابزارهای فرهنگی و آموزشی و رسانه ای نظام اسلامی و نیز ارکان خانواده، باید تبیین کنند که عضویت یا حضور در جمع گروه های معارض خانواده و قانون، به مرور، زشتی گناه را از بین می برد و با مشاهدهٔ بدی و زشتی، از قبح آن می کاهد؛ به گونه ای که جرم و گناه برای اعضا، به

۱- فصلت / ۲۵.

۲- زخرف / ۳۶ - ۳۸.

صورت امری عادی در می آید، در حالی که یکی از عوامل مؤثر در عدم اتکاب جرم و گناه، همین احساس زشتی و قباحت آن است.

برای همین در روایات با کنایه از این حالت، به «مرگ» قلب و روان انسان یاد شده است. رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمود:

«اربع یُمتن القلب ... و مجالسه الموتی قیل له یا رسول الله و ما الموتی؟ قال: کل غنی مسرف»؛

«چهار چیز قلب را می میراند ... و همنشینی با مردگان، پرسیدند: مردگان کیستند؟ فرمود: هر ثروتمند اسراف کاری».(۱)

ب. دولت و مجامع فرهنگی

۱. ایجاد و تقویت مجامع فرهنگی

اصل نیاز به گروه، قابل انکار نیست و باید دانست در شرایط رقابتی شدن بازار گروه سازی، همهٔ جوانان به سمت گروه های فاسد، کشیده نخواهند شد، بلکه طیف گسترده ای هم به سوی گروه های سازنده، سوق پیدا خواهند کرد. هر چند این ظرفیت را نظام اسلامی به وجود

آورده است؛ مانند گروه های علمی، گروه های مذهبی، گروه های فرهنگی، و ...، با این حال، هنوز جای کار فراوان برای متولیان امور وجود دارد. به ویژه اینکه باید از مشارکت مردمی برای ایجاد چنین گروه هایی در مقابل گروه های فاسد، کمک گرفته شود. در آیهٔ شریفه(۲) فراخوانی به عضویت و تعاون در امور شایسته، در مقابل بازداری از عضویت در گروه های فاسد قرار دارد. در حالیکه در جامعهٔ فعلی ما، همه از گسترش عرفان های خودساخته (از بت پرستی هندی گرفته تا شیطان پرستی) در برخی مناطق کشور، می نالند و

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۵.

۲- تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لا تَعاوَنُوا عَلَی الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ.

روزنـامه هـا، صـفحات مهمی را به تبیین ابعـاد جلسـات گسترش بهائیت، تبلیغ مسـیحیت در پشت چراغ های قرمز تا کلیساهای خـانگی و ایجـاد نظـام آموزشـی مختلط تجربی محور، توسط مسـیحیان اختصاص می دهنـد، کمتر کسـی است که لزوم ایجاد معـادل هـا و جـایگزین ها در برابر این گروه ها و ایجاد توان انتخاب با گسترده کردن و متنوع کردن گروه های صالـح، سـخن بگویـد یا در مسیر ایجاد آن ها گام بردارد. به راستی دولت اسـلامی چه میزان در ایجاد گروه های مذکور، کوشـیده یا بخش نهـاد های مردمی را هـدایت کرده است؟ امروزه، در حالی کلیساهای خانگی، در تهران رشـد می کننـد که گاه در شـعاع چند کیلومتری نمی توان یک مسجد یا حسـینیه یافت. به نظر می رسد باید به پراکندگی مناسب این گونه اماکن توجه جدی شود. اکنون، در حالیکه استان کردستان با ۲۸۷۸ مسجد برای هر ۵۲۰ نفر یک مسجد دارد، در سایر نقاط، این میزان به هر ۱۰۴۱ نفر یک مسجد کاهش می یابد.(۱)

در همین شـرایط، برخی از کمبودهای سـرانهٔ ورزشی فریاد می زنند و وقت مجلس و دولت برای حل اختلافات ورزشی، هزینه می گردد. و بیشترین درآمدها به مربیان خارجی اختصاص می یابد.

به عنوان معرفی یک نمونهٔ مصداقی، می توان طرحی اجرا کرد که براساس آن در هر محله، یک یا چند گروه مذهبی،

فعالیت کارآمد داشـته باشد و افراد با تجربه، ریش سفیدان، مربیان قرآن مدارس، اساتید مؤمن دانشگاه و... جوانان را با سلایق مختلف، جذب نمایند.

احیـای سازوکـار محله هـا، فرهنـگ احترام به ریش سـفیدان محـل، که به ایجـاد و احیای پایگاه های جدیـدی برای جلسات و هیئات مثبت می انجامد، نقش بسیار مؤثری در تنوع گروه ها به عهده دارد.

ص: ۱۳۴

۱- مسئول دبیرخانهٔ امور مساجد استان کردستان، نشریهٔ عبرت های عاشورا، ش۹۹، ص۳، ۲۳ آذر ۱۳۸۶.

البته بدیهی است، احیای چنین سنت پسندیده ای، لوازمی دارد که گسترش حوزه های علمیه و ایجاد توان پاسخگویی توسط این نهاد مذهبی، به نیازهای گسترده مردم از آن جمله است.

از نمونه های موفق محافل فرهنگی، اعتقادی اجتماعی، شاید بتوان از کاروان ها و اردوهای زیارتی، آموزشی و بسیج سازندگی، یا کاروان های دیدار از مناطق عملیاتی، یاد کرد.

۲. مبارزه با بدعت

اگر ماهیت گروه های منحرف به دقت تبیین شود، گروه های جایگزین ایجاد گردند و جلوی سلطهٔ گروه های منحرف، گرفته شوند، آن گاه منطقی است که سخن

از طرد گروه های منحرف، به میان آید، به این آیات توجه کنید:

{ِذا رَأَیْتَ الّذینَ یَخُوضُونَ فی آیاتِنا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتّی یَخُوضُوا فی حَدیثٍ غَیْرِهِ}؛(۱)

«هر وقت کسانی را که آیات ما را مسخره می کنند، دیدی از آن ها روبرگردان تا به سخن دیگری، بپردازند».

{َلا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتّی یَخُوضُوا فی حَدیثٍ غَیْرِهِ إِنّکُمْ إِذًا مِثْلُهُم}؛(۲)

«با مسخره کنندگان آیات، ننشینید تا به سخن دیگر بپردازند».

امام صادق(علیه السّلام) فرمود:

«سزاوار نیست مؤمن در مجلسی بنشیند که در آن نافرمانی خدا شود و او نتواند به هم بزند».(۳)

۱- انعام/ ۶۸.

۲- نساء/۱۴۰.

۳- کافی، ج۲، ص۳۷۴، (باب مجالسه اهل المعاصی).

«برای مسلمان، شایسته نیست که با شخص فاجر و احمق و دروغگو رفاقت کند».(۱)

امام کاظم(علیه السّلام) از سلیمان بن جعفر جعفری پرسید: «چرا تو را نزد عبدالرحمان بن یعقوب می بینم؟ پاسخ داد: دایی ام است. فرمود: «او اعتقاد نادرستی دربارهٔ خدا دارد، یا با او بنشین و ما را ترک کن یا با ما باش و او را رها کن».(۲)

۳. مبارزه با گروه های منحرف

مرحلهٔ دیگر، مبارزه با آن ها برای ناکارآمدسازی یا حذفشان می باشد. در عین حال، باید توجه کرد که با آداب پسندیده ای که گروه ها دارند،(۳) مبارزه نشود و برای مخاطبان این گروه ها نیز از روش های اقناعی سود برده شود، زیرا متقاعدسازی – به خصوص جوانان – راه صحیح را پیش پای اعضای گروه ها، می گذارد و آنان را به راه درست سوق می دهد؛ مانند گروه های مُد که پیامد متقاعد نکردن جوانان است.

امروزه، مخاطبان براساس تعاملات نظام سرمایه داری، طراحان و تبلیغات، قانع می شوند که مد و لباس زیبا، لباسی است که آن ها وارد مراکز خرید می کنند، در حالی که در طرف مقابل، چنین قدرت متقاعد سازی به کار گرفته نمی شود.

آنچه گفتیم، بیشتر در مورد باندهای اجتماعی و اخلاقی بود. اما درجوامع مختلف، باندهای بسیار متفاوت تر وجود دارند که روش های خاص و گاه فراملی هم برای رسیدن آمال خود دارند.

۱- همان، ص۳۵۵.

۲- همان.

۳- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص۵۷۳.

گزارش زیر از زبان رئیس جمهور، نمونه ای متفاوت از باندهای سیاسی اقتصادی را نشان می دهد.

«آن قدر برخی از شبکه های انحصار، قدرتمند هستند که حتی در مراجع تصمیم گیری و قانون گذاری آن چیزی را که خودشان می خواهند، به تصویب می رسانند. برطرف کردن این، یک مبارزهٔ سنگین است. همان کسانی که سیگار وارد می کنند، دو شبکه درست کرده اند: یکی شبکهٔ رسمی که از گمرکات وارد می کنند، یک شبکهٔ غیر رسمی که با طراحی و حتی با درگیری با نیروی انتظامی به صورت قاچاق وارد می کنند... دخانیات ما گفته است که امتیازات واردات سیگار به جای اینکه دست یک نفر باشد، آزاد می گذاریم. کسی دیگر هم آمده که حالا آدم به ظاهر سالمی است، گفته است، من بدون قاچاق و تقلب و رشوه، می خواهم سیگار وارد کنم ... رئیس دخانیات پیش من آمد و گفت: فلان آقا مرا صدا کرده و گفته چرا می خواهی به این فرد مجوز واردکردن سیگار بدهی؟ تو حق نداری و گر نه با تو برخورد می کنیم!!. می خواهم ابعاد کار دستتان بیاید، یعنی مبارزه در صحنه ای که ارقام میلیاردی جا به جا می شود».(۱)

«در جلسه ای نشسته و گفته که فلانی را زمین خواهیم زد، او هر کاری که کند دو جا دست ماست: یک نفت و دیگری بانک ها. شما این موضوع را اتفاقی نگیرید که من برای تصدی وزارت نفت، چهار نفر را معرفی کردم. بار اول یک برادر حزب اللهی ضد فساد را معرفی کردیم، اما شب نامه ها آمد، و در حالی که قرار بود برادری برود و با فساد و مافیا مقابله کند، آن برادر را با

۱- قدس، ۲۹ فروردین، ۱۳۸۷، ص۲.

شب نامه ها به مافیا، متهم کردند و او نتوانست رأی اعتماد بیاورد ... معرفی نفرهای دوم وسوم، با برخوردهای این گونه مواجه شد و در نهایت ما مجبور شدیم برای اینکه کارهای این وزارتخانه، متوقف نشود، عقب نشینی کنیم تا کار نفت متلاشی نشود، در مورد بانک ها نیز به همین صورت است».(۱)

ص: ۱۳۸

۱- همان.

بخش چهارم: محیط غیر انتخابی

الف. محیط تحصیل

۱. جرم زایی محیط تحصیل

سوادآموزی به تنهایی تأثیر عمیقی در کاهش جرم زایی ندارد و تنها نوع جرایم را تغییر می دهد. خشونت های رفتاری و جرایم فیزیکی، در بی سوادان بیشتر است و جرایمی مثل جعل، خیانت در امانت، اختلاس های کلان و ... در گروه با سوادها فزونی دارد. آنچه اهمیت دارد، محیط تحصیل است.

فرد بعد از خانواده، وارد محیط اجتماعی محل آموزش می شود؛ جایی که گروه های مختلف اجتماعی و ... در آن حضور دارند و افراد ضمن تماس با هم، همزیستی، طرز معاشرت، سازگاری، احترام به حقوق، نظم و انضباط، اطاعت پذیری، جامعه پذیری، افزایش آگاهی دربارهٔ محدودیت ها، خطوط قرمز ها و قانون ها، محدودهٔ آزادی فردی و.... را فرا می گیرند و در امور معنوی، مذهبی، تربیتی، و اخلاقی از هم، تأثیر می پذیرند. عناصر اصلی محل آموزش عبارتند از: فراگیران، مربیان، خانواده، متون و برنامه های آموزشی و پرورشی، بنابراین برنامه های پیشگیرانه باید با آگاهی و توجه به نقش هر یک از ارکان تنظیم شود؛ برای مثال نادیده گرفتن نقش تربیتی مربیان و خلاصه کردن نقش آن ها در آموزش و غفلت از نقش های تحمیلی و اختیاری تربیتی آنان، آثار و عوارض جبران ناپذیری در آسیب پذیری فراگیران خواهد داشت. این وضعیت در عصر ما که رشد جمعیت و صنعتی شدن جوامع، خود را بر همهٔ تعاملات اجتماعی تحمیل کرده است، بیش از گذشته بروز دارد. اختلاف روش های آموزشی و جداسازی مدارس براساس طبقات و اصناف ... همه به فاصلهٔ طبقاتی و ناسازگاری های

اجتماعی و فکری در آینده دامن می زند و بی توجهی به اعتقادات مذهبی، در متون آموزشی، عامل بی هویتی دینی نسل آینده می گردد.

۲. وظایف دولت اسلامی

اشاره

دولت اسلامی با توجه به اهداف تربیتی خود، وظیفهٔ زمینه سازی برای تغییرات مطلوب و هم راستا با اهداف دینی را دارد، لذا همهٔ سیاست ها، برنامه ریزی ها و اقدامات کلان و خرد را باید در این زمینه، به کار برد و محیطی پدید آورد که آموزش به قیمت تباهی پرورش، به دست نیاید، در بحث محیط تحصیل، باید به چند مطلب توجه عمده بشود:.

الف. نقش آگاهی در پیشگیری:

آگاهی و سواد، ابزاری برای پیشگیری از افتادن در جرم و گناه است. جهل، بستر و زمینه ساز وقوع جرم و گناه است؛ چه جهل به مصداق ها یا جهل به اصل قوانین و بایدها و نبایدها.

امام علی(علیه السّلام) از جهل به قوانین و تأثیر آن در وقوع گناه، چنین سخن می گوید:

«کسی که بدون آموزش فقه، تجارت کند، به رباخواری آلوده می شود».(۱)

این ابزار به ویژه برای بزه دیدگان و افراد در معرض خطر، از سوی مجرمان ابزار محافظت کنندهٔ خوبی می تواند باشد. برخی از کج روی های ناشی از جهل عبارت است از: انحراف های جنسی،(۲)

حسادت،(۳) تعصب و لجاجت،(۴) بهانه جویی،(۵) سوءظن،(۶) بی ادبی،(۷) نفاق(۸)

۱- نهج البلاغه، ح ۴۴۷، ص ۷۳۶.

۲- نمل/۵۵؛ یوسف/۳۳.

۳- یوسف/۸۹.

۴- فتح/۲۶.

۵- . بقره/۱۱۸

۶- آل عمران/۱۵۴.

۷- حجرات/۴.

۸– حشر/۱۴.

ب. ناکافی بودن آگاهی:

سقراط معتقـد بود: «علم و حکمت، سرچشـمۀ اخلاق نیک است و رذایل اخلاقی، محصول جهل می باشد. از نظر وی، تنها راه مبـارزه با جرم و گناه و گسترش فضائل، علم گستری است؛ اما می دانیم که انسان موجودی دو بُعـدی (علم و ادراک، غرایز و امیال) است و با میل خود، یکی از آن دو را انتخاب می کنـد». در قرآن کریم، با دو نوع آیات برخورد می کنیم. از یکسو می فرماید:

{أَنّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهالَةٍ ثُمّ تابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ فَأَنّهُ غَفُورٌ رَحيمٌ}؛(۱)

از سوی تصریح می کند:

{وَ جَحَدُوا بِها وَ اسْتَيْقَنَتْها أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوّا}؛(۲)

«آن ها آیات ما را از روی ظلم و سرکشی، انکار کردند، در حالیکه در دل، به آن یقین داشتند».

بنابراین مواقعی هم علم، نمی توانـد مانع جرم و فساد شود و این طور نیست که همیشه شـخص، به دلیل بی خبری از آثار زیان بار حسـد و تکبر، دچار آن شود؛ بلکه علم می توانـد بسترساز صـلاح و رسـتگاری گردد، همان طور که عکس آن هم ممکن است. شاید واضح ترین آیۀ قرآن، دربارۀ علت تامه نبودن دانش، این آیه باشد:

{الّذينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ يَعْرِفُونَهُ كَما يَعْرِفُونَ أَبْناءَهُمْ وَ إِنّ فَريقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ}؛(۳)

۱- انعام / ۵۴. ور . ک.: پیام قرآن، ج ۱، ص۸۶ – ۹۸.

۲- نمل / ۱۴؛ و. ر. ک.: آل عمران / ۷۵ و ۷۸.

۳- بقره / ۱۴۶، و . ر . ک.: بقره ۲۲ و ۴۲ و ۱۸۸؛ آل عمران / ۷۱؛ انفال / ۲۷.

«کسانی که کتاب به آن ها دادیم، او را می شناختند. همان طور که پسرانشان را می شناختند و گروهی

از آنان حق را پنهان می کنند، با اینکه می دانند».

ج. نیاز به تزکیه:

به همین دلیل که آگاهی و آموزش به تنهایی علت تامهٔ پیشگیری از جرم و گناه نیست، در قرآن کریم موضوعی به نام «تزکیه» چهار بار در کنار «تعلیم» مطرح شده است.

۱. {رَبّنا وَ ابْعَثْ فیهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیهِمْ آیاتِکَ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ یُزَکِّیهِمْ إِنّکَ أَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ}؛(۱)

۲ و ۳. { یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَه}؛(۲)

۴. {فیکُمْ رَسُولاً مِنْکُمْ یَتْلُوا عَلَیْکُمْ آیاتِنا وَ یُزَکِّیکُمْ}؛(۳)

و همین تزکیه را هم بارها عامل رستگاری دانسته و آن را به خدا نسبت داده است:

{قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَکّاها}؛(۴)

{قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَکّی}.(۵)

منشأ توجه بسیاری از محققان و نظریه پردازان به موضوع «تخصص متعهدانه» همین آیات است؛ زیرا آنچه می تواند بازدارندگی ایجاد کند، دو

۱- بقره/۱۲۹.

۲- آل عمران/۱۶۴؛ جمعه/۲.

۳- بقره/۱۵۱.

۴- شمس/۹.

۵- اعلی/۱۴.

بال تخصص و تعهد است که تخصص با علم، و تعهد با تزکیه حاصل می شود؛ لذا فردی مثل سامری که علم داشت، اما از تعهد خالی بود، با گوساله پرستی قومی را به تباهی کشاند.

«موسی گفت: ای سامری پس کار تو چه بود؟ گفت: به چیزی که به آن شناخت نداشتند، آگاهی یافتم و مشتی از آثار فرستاده را برگرفتم و آن را دور افکندم و این چنین نفس من، برایم آراست».(۱)

شیطان نیز از کمبود آگاهی به خطا نیفتاد، بلکه از شّدت غرور و خود برتربینی سقوط کرد.

امیرمؤمنان(علیه السّلام) به «دو بُعد انسان» در جرم زایی تأکید می فرماید:

«بندگان خدا، به «نادانی هایتان، تکیه نکنید و تسلیم «هوای نفس» خویش نباشید که چنین کسی بر لبۀ پرتگاه است و بار سنگین هلاکت و فساد را بر دوش می کشد و از جایی به جایی می برد».(۲)

این «دو جنبه ای بودن» اختصاص به علم ندارد و از نگاه قرآن و روایت هر نوع قدرتی (علمی، اقتصادی، ...) که بدون تزکیه و تعهد باشد، منشأ فساد و تباهی و بستر جرم زایی می تواند باشد.

در واقع علم، قدرتی است که به دست صاحب آن می آید و نوع استفاده از آن را تزکیه و تعهد تعیین می کند و جهت می دهد. برای پیشگیری از جرم و گناه، آنچه باید به طور مبنایی در نظر گرفته شود، تعهدی است که با هر نوع قدرتی باید آمیخته شود؛ آنچه نبودش موجب شده است به رغم صنعتی شدن جوامع و افزایش معلومات و سطح آگاهی ها، جرایم همچنان روز افزون باشد. اولین گام در نظام اسلامی، تغییر ساختار های نظام آموزش

۱- طه / ۹۵ - ۹۶.

۲- نهج البلاغه، خ۱۰۵، ص۱۹۵.

و پرورش است؛ به گونه ای که توان جهت دهی به دانش ها – همهٔ دانش ها – در خدمت به بشریت را داشته باشد. چکیدهٔ سخن این فرمایش امام خمینی۱ است:

«تزکیه بر تعلیم، مقدم است».

آیا این سخن به درستی در ساختار نظام آموزشی ما مخاطبی پیدا کرده است و طرح و ساختاری متناسب با آن، پیشنهاد شده است؟

متأسفانه طبق معمول، دشمنان، زودتر متوجه لزوم پیوند علم و تعهد برای بازدارندگی از جرم و گناه و تأثیرپذیری مثبت بر رشد فضایل و ارزش ها شده اند و برای جدایی آن، تمام تلاش خود را به کار بسته اند؛ برای مثال انگلیسی ها با طراحی و اجرای برنامه ای «بیست ساله» در هندوستان موفق به ایجاد نسلی شدند که به دلیل تحصیلات عالی به راحتی مراکز تصمیم گیری را در اختیار گرفت، اما به دلیل تعلق خاطر به معیارهای غربی (عدم تعهد به فرهنگ خود)، هند را به سمت پیروی از انگلیس، کشاند. این طرح براساس اندیشه های «مک کوالی» از مستشاران انگلیسی در هند، شکل یافته بود. طبق آن طرح، باید بخش کوچکی را در دانشگاه ها تحت تربیت غربی قرار داد و آنان را در پرتو «تبلیغ اولویت تخصص» به قدرت رساند.

همین نظریه در ایران هم اجرا شد که البته با پیروزی انقلاب متوقف شد؛ اما تحلیل واقع بینانه نشان می دهد، تغییرات ساختاری عمیق در بافت دانشگاه ها و موارد متون درسی به ویژه رشته های انسانی ایجاد نشده، بلکه بخشی از حوز ه های علمیّه تحت تأثیر مدرک گرایی از قوانین و معیارهای غربی اثر پذیرفته است.

«وضعیت آموزش عالی، یک وضعیت پیچیده ای است، یک ساختاری دارد که این ساختار، کاملاً تقلیدی است، یعنی اسکلت بندی دانشگاه های ما، یک اسکلت بندی تقلیدی از غرب

است. تغییرات خیلی خیلی بنیادی لازم دارد و این وقتی انجام می شود که ما یک مقداری هویت خود را بازیابیم».(۱)

د. اصلاح فضای اجتماعی:

آیات متعـددی از قرآن، زمینه سازی محیط فاسد برای وقوع جرم و همین طور تأثیر محیط پاک، در وقوع فضایل و پاکی ها را یادآوری می کند، مانند:

{وَ الْبَلَدُ الطَّیِّبُ یَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذی خَبُثَ لا یَخْرُجُ إِلاّ نَكِدًا كَذلِكَ نُصَرِّفُ الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَشْكُرُونَ}؛(۲)

{وَ جاوَزْنـا بِبَنی إِسْـرائیلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلی قَوْمٍ یَعْكُفُونَ عَلی أَصْـنامٍ لَهُمْ قالُوا یا مُوسَـی اجْعَلْ لَنا إِلهًا كَما لَهُمْ آلِهَةٌ قالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ}؛(۳)

{وَ قالَ نُوحٌ رَبِّ لا تَذَرْ عَلَی الْأَرْضِ مِنَ الْكافِرینَ دَیّارًا إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ یُضِلّوا عِبادَكَ وَ لا یَلِدُوا إِلاّ فاجِرًا كَفّارًا}.(۴)

از نکات قابل توجه در آیات الهی، این است که خداوند با علم به زمینه سازی و بسترگستری محیط فاسد برای

گناه و تباهی، تکلیف را روشن می کند و در دنیا، از انسان ها می خواهد اگر توان تأثیرگذاری بر محیط را ندارند و محیط آن ها را متأثر می کند، دست به تعویض محیط بزنند.

{یا عِبادِیَ الَّذینَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضی واسِعَةٌ فَإِیّایَ فَاعْبُدُونِ}؛(۵)

و در مقابل به کسانی که از محیط فاسـدِ تأثیرگذار، دوری نکردند و اجازهٔ تسـلط آن بر سـرنوشت خود را صادر کردند، چنین هشدار می دهد:

۱- هویت، مسعود خرم، ص ۳۱.

۲- اعراف/۵۸.

۳- اعراف/ ۱۳۸.

۴- نوح/ ۲۶ - ۲۷.

۵- عنکبوت/ ۵۶.

{إِنّ الّذينَ تَوَفّاهُمُ الْمَلائِكَهُ ظالِمی أَنْفُسِهِمْ قالُوا فیمَ كُنْتُمْ قالُوا كُنّا مُسْتَضْعَفينَ فِی الْأَرْضِ قالُوا أَ لَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللّهِ واسِعَهً فَتُهاجِرُوا فيها فَأُولئِكَ مَأْواهُمْ جَهَنّمُ وَ ساءَتْ مَصيرًا}؛(1)

از نکات مهم در آیات، این است که خود محیط، هم نوعی منبع آموزشی برای افراد است؛ هر چند منبع رسمی به شمار نمی آید و متأسفانه همواره از دیده ها پنهان است، ولی امروزه، متخصصان علوم اجتماعی به نقش دانش گستری و فرهنگ سازی از طریق این منبع مهم و تأثیرگذار، تأکید فراوان دارند؛ مانند یادگیری قوم موسی از بت پرستان که به آن ها آموخت، دنبال خدای تجسم پذیر باشند.

رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله) چنان به این نقش های و تأثیرگذاری آن توجه داشت که فرمود:

«من فرّ بدینه من ارض الی ارضٍ و ان کان شبراً من الارض استوجب الجنه و کان رفیق محمد و ابراهیم»؛

«کسی که برای حفظ دین از سرزمینی به سرزمین دیگر، گر چه به اندازهٔ یک وجب مهاجرت کند، شایسته بهشت می شود و همنشین محمد و ابراهیم۸ (دو پیامبر مهاجر) خواهد بود».(2)

روشن است که احادیث رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)، خالی از اغراق است، بنابراین شایستهٔ بهشت بودن به سبب کوچک ترین هجرت از محیط گناه به محیط سالم، گویای تأثیرگذاری واقعی، حتمی و عمیق محیط است و لازم است دولت اسلامی در گام اول، مردم را از تأثیرگذاری محیط ها مطلع سازد؛ همان طور که بسیاری آیات و روایات این نقش تبلیغی را به خوبی ایفا

۱- نساء / ۹۷.

۲- نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۱.

می کننـد، ثانیاً روحیۀ لازم برای جابه جایی، به علت ارزش ها و انگیزه های لازم را فراهم آورد. ثالثاً امکان تغییر وضعیت و تنوع وضعیت ها را فراهم سازد و در گام چهارم، به پاک سازی محیط اقدام نماید.

حال، اگر نظام آموزشی از اساس، متحول شود، اما به نقش محیط، توجه نگردد، حاصل کار، پرورش ناقص انسان هایی خواهد بود که به رغم آموزش و تخصص، به دلیل آسیب دیدگی های مستمر از محیط، شخصیت اخلاقی ناقص، متعارض، ناکارآمد و غیربازدارنده از گناه و عصیان یافته اند.

در کنار نظام آموزشی، علاوه بر عوامل محیطی عادی، عوامل مخرب خارجی و بیرونی هم دخالت دارند و می کوشند از کارآمدی و همراهی آموزش با پرورش و تعلیم با تزکیه، جلوگیری کنند.

ادوارد بِرمن در کتاب کنترل فرهنگ بخشی از سیاست های آمریکا را برای ترویج معیارهای مورد نظر فرهنگ در

دیگر کشورها به طور مستند و براساس نتایج تحقیقات طولانی، تشریح می کند. وی در فصلی از کتاب که به تلاش، برای نفوذ آمریکا در نظام آموزشی دیگر کشورها و ایجاد تغییر در آن ها اختصاص دارد، می نویسد:

«در برنامه ریزی های مراکز سیاست گذاری آمریکا، برای ایجاد نظام های آموزشی در دیگر کشورها، دو دورۀ متفاوت ابتدایی و محدود و تعلیمات حرفه ای برای نخبگان یا تحصیل کرده های دانشگاهی پیش بینی شده است».

این برنامه در طول دهه های متوالی در اکثر کشورهای جهان سوم، در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین اجرا شد و در دل خود نظام هایی را به وجود

آورد که در تأثیرپـذیری مشخصـی از معیارهای غربی، تحصـیل کرده هایی را پرورش داد که عملاً در خدمت منافع غرب قرار گرفتند.(۱)

ب. محیط سربازی

دورهٔ سـربازی، به تجربـهٔ جوانان می افزایـد، آن ها را به انتخاب رفتار در برابر وقایع و رفتارهای اجتماعی دیگران، وامی دارد، قدرت تطبیق اجتماعی در فرد ایجاد می کند، افراد، تعاملات مثبت و منفی فراوانی در ابعاد فکری، اعتقادی، سیاسـی، مذهبی با دیگران پیـدا می کننـد، محیط سـربازی که در اکثر کشورها برای جوانان پسـر، وجود دارد، همواره از محیط های تأثیرگذار بر کـج روی یا اصـلاح جوانان بوده است و لازم است دولت اسـلامی، به عنوان یک محیط، که امکان بسترسازی برای کج روی در آن وجود دارد، به آن نگاه کند و با سیاست های سنجیده، جوانان را در برابر هر گونه انحراف بیمه کند.

افراد در حساس ترین سن، از جهت عاطفی، بلوغ عقلی، رشد توانایی های غریزی، و ... به محیط سربازی وارد می شوند. اولین محیط گسترده و اصلی برای شـکل گیری شخصـیت جوانان بعـد از خانه و مدرسه است. بنابراین دولت اسـلامی، باید وظایف خود را در قبال این محیط، به صورت روشن طراحی و اجرا کند. آسـیب شناسـی محیط سـربازی و استفاده از این فرصت برای پرورش علمی، ایمانی، اخلاقی و فنّی، یکی از وظایف مهم نظام اسلامی است.

۱- هویت ، ص۲۹.

ج. محیط زندان

از «زندان» می توان در شمار محیط های تأثیرگذار یاد کرد که امروزه به دانشگاه بزرگ فسادگستری در اکثر کشورهای دنیا تبدیل شده است و به اتفاق نظر همه کشورها، اثر تخریبی زندان های امروزی، در فسادگستری بیشتر از آثار مثبت آن است. گسترش مواد مخدر، بیماری های مهلکی چون ایدز، ... در زندان ها، فراگیری روش های جدید جرم و جنایت، انگ خوردن زندانیان، و ... جزو صدها معضلی است که زندان، زندانی، خانواده زندانیان و ... با آن روبه رو هستند و تاکنون طرح جامع موفقی که بتواند زندان ها را از کانون فساد، به «کانون اصلاح» واقعی، تبدیل کند، به مرحله اجرا در نیامده است. هر چند نباید از کوشش های محدود و موفقی چشم پوشی کرد. با این حال، تأثیرات مخرب زندان بر زندانیان و جامعه به حدی رسیده است که امروزه، طرح «زندان زدایی» ارائه می شود. در عین حال که این طرح زندان، می تواند برای کاهش جرایم ناشی از زندان، نقش پیشگیرانه داشته باشد، باز هم زندان و زندانی وجود خواهد داشت، باید برای کاهش جرم خیزی آن ها، چاره اندیشی شود. جداسازی زندان ها، تقویت مراقبت از زندانیان با سازوکارهای پیشگیری وضعی، سلب موقعیت های جرم گستری در زندان ها، اعمال سیاست های تربیتی، بازنگری جدی در نظام کارکنان و محافظان و زندانبانان، بالابردن هزینهٔ جرم در زندان برای زندانیان، کارکنان و خانواده ها و هر عامل بسترساز جرم برای زندانیان، در کنار سیاست های تشویقی برای کاهش جرم و... می تواند تأثیر زیادی دراین بحث داشته باشد. همچنین استفاده از جایگزین های حبس - با همان میزان سلب آزادی - مانند کار اجباری در کارگاه ها و مراکز و ... تأثیر

زیادی در کاهش جرم خیزی زندان ها خواهد داشت.

ص: ۱۴۹

باید پذیرفت که کیفر زندان، در شکل کنونی آن، جرم زاست و در همه جا تراکم جمعیت کیفری، عامل عقیم ماندن برنامه های بازپروری مجرمان می باشد. کمبود بودجه، نداشتن نیروی کارآمد و ...، دست به دست هم داده و جامعه ای کیفری به وجود آورده است که خرده فرهنگ مجرمانه خاص خود را پیدا کرده است و این خرده فرهنگ با آزادی اعضا به جامعه منتقل می شود و علاوه بر اینکه محیط زندان، جرم زا می ماند، محیط بیرون نیز از آثار جرم زای آن در امان نمی ماند.(۱) این سخن بدان معنا نیست که زندان و کل نظام کیفری، مضر یا غیر مفید است، بلکه سخن در کیفیت اداره امور و طراحی ها و بازسازی ساختارهای زندان، در راستای اهدافی است که نظام اسلامی از زندان انتظار دارد.

امروزه، زندان هتل زمستانه و یا تابستانی مجرمان است. جا و غذا و ورزش و کتابخانه و بهداشت و درمان، همه مجانی است. این گونه زندان، برای افراد مجرم و فاقد احساس مسئولیت، هیچ کیفری محسوب نمی شود؛ بلکه تحمیل بودجه بر بیت المال است.

در جامعه اسلامی باید اصل بر زندان زدایی باشد، در موارد ضروری هم باید بین جنایتکاران و قاصران و مقصران فرق گذاشت. به علاوه، کودکان هم احکام ویژه ای دارند که ساختار تربیتی، نگهداری خاص خود را لازم دارند.

۱- ر.ک.: مجلهٔ حقوقی و قضایی دادگستری، ش۳۸ (ویژه نامهٔ جایگزین های زندان.)

فصل چهارم :دولت اسلامی و اصلاح بسترهای سیاسی

اشاره

ص: ۱۵۱

بخش اول: سیاست داخلی

اشاره

تأثیر محیط سیاسی در زمینه سازی برای جرایم یا کاهش آن قابل انکار نیست؛ لذا سیاست داخلی و خارجی دولت ها از نگاه جرم شناسی، همواره مورد توجه بوده است.

به طور حتم، نوع رژیم های و دگرگونی ها و انقلاب ها، در جرم گستری یا جرم گریزی نقش دارند، پس دولت اسلامی باید با توجه به این کارکرد، محیط سیاسی، برنامه ها و سیاست های لازم را انتخاب کند.

۱. نوع رژیم سیاسی

جرم وگناه و انواع و چگونگی گستردگی آن، با رژیم سیاسی در ارتباط است؛ زیرا انسان ها، در هر نوع رژیم سیاسی، متأثر از احساسات درونی و وضع روانی و جسمی خاص، مرتکب جرم می شوند. سیاست حاکمان، می تواند از وقوع جرایمی، مثل تقلب در انتخابات، فساد اداری، خیانت در اموال ملی، اغوای افکار عمومی، بمب گذاری ها، ترور ها، گروگان گیری ها و امثال آن پیشگیری کند؛ که در بخش «اهداف حکومت و وظایف دولت نسبت به کارگزاران» در این موضوع، سخن گفته شد.

۲. سیاست کیفری و ویژگی های آن

اشاره

به اعتقاد متخصصان جرم شناسی، تدوین قوانین کیفری و طرز اجرای مجازات ها، باید با هدف اصلاح و تربیت یا درمان بزهکاران باشد؛ زیرا شدت مجازات ها، بدون توجه به نحوهٔ اجرای آن ها، تأثیر چندانی در کاهش جرم ندارد.

خط مشی سیاست کیفری، متکی به دو اصل است: (۱). تدوین قوانین کیفری؛ (۲). امکانات و قدرت اجرایی آن قوانین.

اجرا نشـدن قوانین مـدون، بر جرئت مجرمان و جسارت بزهکاران، می افزاید و اعتماد عمومی به قدرت هیئت حاکمه را از بین می برد.

طرز فعـالیت پلیس و دادگـاه هـا، در وضع روانی افراد جـامعه و کـاهش یـا افزایش بزهکـاری، اثر دارد، در برنـامه ریزی هـای سیاست کیفری، علاوه بر تدوین قوانین کیفری و قدرت اجرایی، باید امنیت، رفاه و بهداشت اجتماعی هم لحاظ شود.(۱)

هـدف از ایجـاد نظام کیفری اسـلام، حتی قبل از اجرای مجازات ها، بازدارنـدگی، ارعاب و پیشـگیری است و قانون مجازات، بایـد بتوانـد بر انگیزه هـای مجرمانـهٔ افراد، غلبه کنـد و آن ها را از ارتکاب جرم، باز دارد؛ لـذا در قوانین کیفری، ضـمن تعیین مجازات سنگین برای برخی جرایم، مانند حد قتل، رجم و ...، شرایط اجرای بسیار دشوار و مفصلی در نظر گرفته شده است. از مجموع قوانین و مقررات کیفری اسـلام، می توان فهمیـد که هدف اصـلی، تأثیرگذاری در فرآیند بازداری مجرمان است. البته حتمیت و قطعیت در اجرای مجازات ها هم به گونه ای است که تصور نشود، سـنگینی و شـدت مجازات، باعث ترک آن، می شود؛ از این رو در قرآن و روایات بر اجرای حدود، تأکید فراوان شده است؛ از جمله:

قال رسول الله(صلّی الله علیه و آله):

«اقامه حد خیر من مطر اربعین صباحاً»؛(۲)

رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمود:

«برپایی یک حد، از باران چهل روزه بهتر است».

برخی از ویژگی های سیاست کیفری اسلام که نقش مهمی در پیشگیری دارند، عبارتند از:

ص: ۱۵۴

۱- مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، ص ۳۷۱ - ۳۷۲.

۲- کافی، ج۷، ص۱۷۴، ح۳.

اول: حتمیت اجرای مجازات ها

اشاره

در قرآن کریم، اجرای حدود و احکام الهی، حق جامعه و افراد و ترک آن - بدون عفو- ظلم دانسته شده است.

{وَ مَنْ لَمْ یَحْکُمْ بِما أَنْزَلَ اللّهُ فَأُولئِکَ هُمُ الظّالِمُون}؛(۱)

«و کسانی که طبق آنچه خدا نازل کرد، داوری نکردند، پس آن ها ستمگرانند».

{وَ لا تَأْخُذْکُمْ بِهِما رَأْفَةٌ فی دینِ اللّهِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ لْیَشْهَدْ عَذابَهُما طائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنینَ}؛(۲)

«و اگر به خدا و روز دیگر، ایمان دارید، به آن دو]زن و مرد زناکار[، در دین خدا، هیچ دلسوزی، شما را گرفتار نکند و باید دسته ای از مؤمنان، مجازات آن دو را مشاهده کنند».

موارد متعددی از تلاش ائمه، برای قطعی و حتمی کردن اجرای حدود، ثبت شده است؛ از جمله امیرمؤمنان پیش از تازیانه زدن به ولید شراب خوار- به دلیل نسبت او با خلیفه، کسی جرئت اجرای حد بر او را نداشت - فرمود: «ساکت باش، ابا وهب! بنی اسرائیل چون حدود الهی را تعطیل کردند، نابود شدند. آن گاه به او شلاق زد و فرمود: بعد از این، قریش، مرا شلاق زننده خواهند نامید».(۳)

برخی از عوامل توقف مجازات ها که نظام اسلامی، مؤظف به برنامه ریزی و قانون گذاری برای محو آن هاست؛ عبارتند از:

۱- مائده / ۴۵.

۲- نور / ۲، و . ر.ک. به: مائده /۳۴ - ۳۸ - ۳۹،

۳- دعائم الاسلام، ج۲، ص۴۴۲، و ۴۴۳. همچنین ر.ک.: به سوی فردای بهتر، محمد عابدی، ص۹۱.

۱. حذف حاشیه های امن:

مجرمان در سایهٔ اطمینان حاصل از وجود «حاشیه امن»، به جرم ادامه می دهند؛ لذا سلب حاشیه های امن از قوانین، ساختارها، ابزارها، مجریان و... پیشگیری مؤثری

از تداوم جرم خواهد بود؛ برای مثال، وقتی «طایفه» یا «هم حزبی های» یک مجرم، خواهان چشم پوشی از اجرای حکم بودند و حتی خواستند امام حسین(علیه السّلام) را به وساطت بگیرند، امام علی(علیه السّلام) نپذیرفت و حد را اجرا کرد.(۱)

امتیاز طلبی کارگزاران، مدیران، فعالان و برجستگان بخش های خصوصی که در بدنهٔ نظام اسلامی، نفوذ کرده اند و اهرم های فشار دارند و همواره خواهان از قطعیت افتادن قوانین جزایی و کیفری در حق خود، هستند. چارهٔ مشکل، این است که ساختار نظام اسلامی به گونه ای طراحی و اهداف، به نحوی اجرا شوند که به امتیاز طلبی آن ها، پاسخ مثبت داده نشود؛ یا به علت فرهنگ سازی اجتماعی یا به سبب بالابردن هزینه های پاسخ مثبت. امام علی(علیه السّلام) در حکایت طلحه و زبیر، به خوبی نشان می دهد که ساختار نظام او، چنین اجازه ای نمی دهد؛ لذا در برابر درخواست آنان، فرمود: «بدانید من اشخاصی را به حکومت می گمارم که به دینداری و امانت آن ها مطمئن باشم و روحیات آن ها را بشناسم.(۲)

۲. مدارای درون گروهی:

قطعیت مجازات ها در موارد متعدد، به دلیل مدارای درون گروهی حاکمان، به خطر می افتد؛ مثلاً درسال ۳۴هـ.، مهاجران و انصار، امام علی(علیه السّلام) را نزد عثمان فرستاند تا با وی، دربارهٔ کارهای خلاف کارگزارانش سخن بگوید. امام در این جلسه، از مدارای درون گروهی خلیفه، به شدت انتقاد کرد و خواهان رفع آن شد. عثمان گفت: «خلفای قبلی هم، بستگان خود را بر مسند می نشاندند»، امام فرمود: «خلیفهٔ قبل، اگر

۱- همان، ص ۴۴۳.

۲- بحارالانوار، ج۳۲، ص۶، و .ر. ک. به: همان، ح ۲۱.

کسی را حاکم می کرد، او را توبیخ هم می کرد و می فهمانـد در صورت تخلف، عزل خواهـد شد، ولی تو با خویشان خود، مدارا می کنی».(۱)

امام علی(علیه السّلام)، خود نیز بعد از خلافت، کوچک ترین سستی در این باره، به خرج نمی داد.(۲)

۳. سوء استفاده از موقعیت:

برخی بـا تصاحب موقعیت هـا در جـامعه، دارای اختیارات و قـدرت زیادی می شونـد و از این راه، مانع اجرای مجازات ها می شونـد. امـام علی(علیه السّـلام)، در مـاجرای امانت گرفتن گردنبنـد از بیت المال، توسط دخترش، نشان داد که اجازه نمی دهد موقعیت های حاکمیتی، احساس امنیت در مقابل مجازات ها، ایجاد کند؛ لذا فرمود: «اگر این را به عاریهٔ مضـمونه نمی گرفتی، به خدا قسم دستت را قطع می کردم».(۳)

۴. جوسازی ها و دخالت ها:

نظـام اسـلامی، برای اجرای قطعی مجازات هـا، بایـد بستر هـای لازم را فراهم آورد و قـدرت اقناع کننـد گی، اثر بازدارنـد گی مجازات، بر پیشـگیری را لحاظ کند و با عوامل جوساز و دخالت گرا برای از قطعیت انداختن مجازات ها، به شـیوه ای کارآمد و فعال، مبارزه کنـد. نمونه هایی از این جوسازی ها را می توان در اجرای حدود، سـنگسار زناکاران محصـنه، اعدام هتاکان به رسول اکرم و ائمه:، در سال های اخیر، سراغ گرفت.

مسـلماً، دولت اسـلامی باید فضای اقتدار احکام الهی را ایجاد کند، امکان سوء اسـتفاده ها را کاهش دهد، سوء برداشت ها، از رفتـار عادلانـهٔ حکومت، در اعمـال مجازات هـا را رفع کنـد، مردم را قانع و توجیه سازد، احساس تبعیض در جامعه، نسـبت به اجرای حدود را برطرف کند و این احساس که

۱- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج۹، ص۲۶۵.
۲- همان، ج۵، ص۱۹۴.
۳- التهذیب، ج ۱۰، ص ۱۵۱، به سوی فردای بهتر، ص۹۴.

«حکومت ها»، در ایجاد جرم ها دخیل هستند»، را به صورت واقع بینانه، حل کند. همین طور برای رفع و خنثی کردن دخالت های خارجی، در لغو احکام الهی، طرح و برنامه های علمی و کارآمد، داشته باشد.

۵. اطاله دادرسی ها:

آخرین ایستگاه در برابر جرم و مجرم، قوهٔ قضائیه است. آیین دادرسی طولانی، دادگاه های متعدد، احکام بدوی، تجدیدنظر، دیوان عالی، هیئت های تشخیص و... که هر کدام می توانند تکرار شوند، وضعیتی پیش می آورند که گاه چند سال، رسیدگی به یک پرونده، طول می کشد. به این ترتیب، «قبح فساد» از بین می رود، مجرم در جرم، جری می شود، مردم و آسیب دیدگان، ناامید و بی اعتماد می شوند، متولیان و متصدیان نظارتی و انتظامی، دلسرد می گردند و... بالاتر از همه، اینکه فرصت کافی و موقعیت مناسب برای نفوذ عناصری فراهم می شود که خواهان از قطعیت انداختن مجازات ها، هستند. به همین دلیل، امام علی(علیه السّلام) به سرعت، به دادخواهی ها رسیدگی می کرد و بارها عاملان جرم را، بی درنگ از مناصب دولتی، عزل می نمود. یادآوری می شود که منظور از عدم اطاله، عجله و بی دقتی نیست.

۶. حجم زیاد کار دادگاه ها:

هر چه کار دادگاه ها متراکم و بیشتر شود، شاکیان از تعقیب و شکایت بیشتر، خودداری می کنند؛ زیرا میزان دقت کار دادگاه، به سبب حجم زیاد کار، کاهش می یابد و حتمیت کیفر، پایین می آید.

دوم: جرم انگاری رفتارهای مقدماتی

جرایم با فراهم آمدن مقدماتشان، امکان وقوع می یابند، پس سیاست کیفری برای پیشگیری از جرم، از مقدمات و اسباب و افراد دخیل، هم نباید غافل بماند. بر این اساس، اسلام، یاری به ارتکاب جرم را نکوهش می کند و مورد «جرم انگاری» قرار می دهد. رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله) می فرماید:

«در روز قیامت، منادی ندا می دهد: کجایند یاری کنندگان ستمکاران! هر کس که برای آنان، مرکّب برای نوشتن آماده کرده یا کیسه ای برای آنان، دوخته یا اقدامی کرده بود، را با آنان (مجرمان اصلی)، محشور کنید».(۱)

معاونت بر جرم، چون موجب تشویق و ایجاد انگیزه، در مجرم می شود، نهی شده است و اسلام می خواهد مجرم، خود را، تنها ببیند، دچار وحشت و ضعف گردد؛ لذا هدف، ریشه کن کردن مقدمات جرم است، و نهی از مقدمات، به این دلیل می باشد.(۲)

برای مثال، هدف از تحریم شراب، جلوگیری از هم یاری و کمک بر جرایم و تعدیات است و شارع می خواهد سرچشمه و اساس فساد را، نابود و از گسترش جرایم و تجاوز، پیشگیری کند.(۳)

آیهٔ شریفه {تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لا تَعاوَنُوا عَلَی اْلإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ}؛(۴) نیز از یاری و همکاری در کارهای حرام، نهی می کند، زیرا آیهٔ مطلق است؛ همان طور که از اصل، همکاری بر گناه و عدوان نهی می کند. برای همین، قانون گذار هم یاری در راهنمایی و دلالت به جرایم را، جرم شناخته و مجازات برای آن، در نظر گرفته است.(۵)

این جدای از برخی موارد است، مانند ایجاد مرکز فساد یا فحشا یا تشویق مردم به فحشا و ... به دلیل نقش مؤثر در ایجاد فرصت و موقعیت ارتکاب جرم، به عنوان جرم مستقل، در نظر گرفته شده است.(۶)

ص: ۱۵۹

۱- مصباح الفقاهه، ابوالقاسم خویی، ج۳، ص۶۵۸.

۲- مکاسب محرمه، امام خمینی (ره)، اسماعیلیان، ج۱، ص۱۴۳.

۳- همان، ص۱۳۹.

۴- مائده/۳.

۵- قانون مجازات اسلامی، مادهٔ ۴۳ و ۷۲۶.

۶- همان، مادهٔ ۶۳۹.

برخی از موارد جرم انگاری و گناه انگاری اقدامات مقدماتی برای پیشگیری وضعی از بزهکاری، عبارت است از:

(۱). مقدمات جرایم منافی عفت، مانند: نگاه به نامحرم.(۱)

(۲). تحریم مسکرات.(۲)

(۳). بی حجابی.

سوم: قضازدایی

قضازدایی، برای جلوگیری از تماس افراد، با دستگاه کیفری و زیان های ناشی از آن، صورت می گیرد؛ زیرا همیشه عقوبت، توسط دستگاه قضا و کاربرد خشونت، صورت نمی گیرد؛

مثلاً امام علی(علیه السّلام) فرمود:

«رب ذنب مقدار العقوبه علیه اعلام المذنب به»؛

«چه بسا گناهی که عقوبت آن، همان اعلام گناه به گناهکار است».(۳)

واکنش ها نسبت به جرم واحد در افراد مختلف، می توانند متفاوت باشد، گاهی صرف اطلاع رسانی به پلیس، مجرم را از جرم، باز می دارد و زمانی مجرم با قطعی شدن

زندان، از عمل، دست می کشد و گاهی تا آخرین مرحله، حاضر به ترک جرم نمی شود.

بنابراین، نظام اسلامی باید مراحلی را بین «جرم» و «دستگاه قضائی و نظام کیفری» طراحی کند تا افراد خاصی به ایستگاه آخر (دستگاه قضایی و کیفری)، برسند و با مجرمان دارای جرم های ساده، مجرمان جوان و تحول پذیر، زنان و دختران در معرض خطر و... در مراحل قبل، برخوردهای

۱- نور / ۳۰؛ مکاسب محرمه، امام خمینی (ره)، همان، ص۱۴۳.

۲- مائده / ۹۱ - ۹۲؛ بحارالانوار، ج۵۹، ص۱۳۳، ح۲۱.

۳-

غیرقضایی، شبه قضایی و نیمه قضایی صورت گیرد. «شوراهای حل اختلاف» و داوری و میانجیگری از جمله اقدامات مناسب است، اما به نظر می رسد، حلقه های دیگری نیز برای تکمیل ارتباط مجرم تا دستگاه قضا، نیاز است.

از فواید قضازدایی، کاهش حجم پرونده ها، بالابردن کارآیی و حتمیت کار دادگاه ها، جلوگیری از لکه دار شدن آبروی افراد، انگ نخوردن اشخاص، امکان بازگشت به زندگی عادی، حفظ حرمت اجتماعی و ... است که همگی در پیشگیری از تکرار جرم نقش کلیدی دارند. نمونه های فراوانی از سیاست قضازدایی در اسلام را می توان مطرح کرد، مانند:

(۱). بخشش و چشم پوشی از خطاهای کوچک؛(۱)

(۲). طراحی توبه به عنوان ابزار ساقط کننده حد؛.(۲)

(۳). لغو حدود در حالت ایجاد شبهه؛(۳)

(۴). مرتبه ای کردن اجرای حدود.

مانند: «قال رسول الله(صلّی الله علیه و آله) : من شرب الخمر فاجلدوه ثم ان شرب فاجلدوه، ثم ان شرب فاجلدوه، ثم اِن شرب فاقتلوه»؛(۴)

«کسی که شراب نوشید، تازیانه بزنید، اگر باز نوشید، تازیانه بزنید، و باز هم اگر نوشید، تازیانه اش بزنید، سپس اگر باز هم نوشید، او را بکشید».

۱- نهج البلاغه، خ ۲۰، ص ۴۷۱.

۲- نور / ۵،۴؛ مائده/۴۳ ، ۴۴.

۳- من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۵۳، ح ۹۰.

۴- کنز العرفان فی فقه القرآن، فاضل مقداد، ص۳۴۸. ر.ک. به: جرم شناسی، دکتر میرخلیلی، ص۱۰۴ - ۱۱۰.

این سـخن، نشان می دهد، حتی در صورت رسـیدن کار مجرم به بخش قضا، باید به صورت مرتبه ای با آن، برخورد کرد و از مجازات سبک به سنگین، پیش رفت، چه بسا

عقوبت در مراتب قبل، بتواند از تکرار جرم، پیشگیری نماید.

بخش دوم: اقدامات بیگانگان

اشاره

بخش قابل توجهی از جرایم، در کشورها، به دلیل دخالت های خارجی - در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - است. امروزه، قدرت های بزرگ، می کوشند، با تعریف «منافع ملی»، هر آنچه در سطح جهانی، مخالف امیال و اهداف آن هاست، به هر طریق ممکن (فرهنگی، سیاسی، نظامی، ...)، از پیش پا بردارند و در این مسیر، ضربه زدن به نظام های سیاسی مخالف را، به هر شیوه، جایز می دانند. از این جاست که نقش سیاست خارجی کشورها، در گسترش جرایم، در کشورهای هدف، معنا می یابد، دولت اسلامی، باید تلاش گسترده ای برای به حداقل رسانی این آسیب ها، انجام دهد. این اقدامات، هر چند از گذشته های دور، بیشتر در قالب نظامی، رخ می نمود، ولی امروزه، در شکل فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی، بیشتر ظهور و بروز دارد. از این رو، به بخشی از اقدامات - فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی - دولت های خارجی در کشور، اشاره می کنیم و نقش پیشگیرانهٔ دولت را، یادآور می شویم. در این بخش، برای نمونه، به گسترش مواد مخدر، می پردازیم و در فصل بعد، با عنوان «هجوم فرهنگی» این بحث را پی می گیریم.

الف. سیاست خارجی و گسترش مواد مخدر

گسترش مواد مخدر، پدیده ای جهانی است که علل متعددی دارد، اما نمی توان علل خارجی آن را، هم عرض دیگر علت ها، معرفی کرد. از لحاظ تاریخی، انگلیسی ها برای گسترش سلطهٔ خود، نقش مهمی در ترویج

استعمال تریاك، در کشورهای مختلف از جمله، ایران داشته اند.(۱) آنان در قرن هفدهم تریاک را با کشتی، از خاور دور، به ایران آوردنـد و بیشتر درباریـان را، معتاد کردنـد. این ماده، با گسترش اعتیاد، در حوالی یزد و سـپس قسـمت مرکزی و جنوبی کشور، کاشـته شد؛ به حدی که کشت غلات، دچار مشکل شد. در سال ۹۲۹ق.، شاه طهماسب اول و بعد شاه عباس، با اعتیاد مبارزه کردند، اما در عصر قاجار، مواد مخدر، جزو تجملات دربار شد و خرید و فروش آن، به انحصار

دولت درآمد و انحصار دولتی تریاک، مشهور شد.(۲) در ۱۳ شهریور ۱۳۵۰ ش، اجازه کشت خشخاش، در ۱۹ استان، صادر و سازمـان معاملات تریاك، در وزارت تعاون و امور روسـتاها، تشـکیل شـد، هـدف عوامل آمریکایی ها، از کشانـدن جوانان به اعتیاد در این دوره، سرکوب مخالفان رژیم سلطنتی بود، اما بعد از انقلاب اسلامی، با اعتیاد، به شدت مبارزه شد. سیر مجازات اعدام در این باره چنین(۳) است:

۳۱ خرداد ۱۳۴۸

۲ کیلو تریاك

۱۰ گرم هروئین و مورفین

اعدام

۱۹ خرداد ۱۳۵۹

۱ کیلو تریاك

۵ گرم هروئین و مورفین

اعدام

۳ آبان ۱۳۶۷

۵ کیلو تریاك

۳۰ گرم هروئین و مرفین

اعدام

سرانجام، ستادی به ریاست رئیس جمهوری، تشکیل شد و آیین نامه ای در ۶ بهمن ۱۳۷۷، برای پیشگیری از اعتیاد،

تصویب کرد.(۴) به طور متوسط، در سال ۱۳۸۲، روزانه ۲ تن مواد مخدر، در ایران مصرف می شد.(۵) از

۱- روان شناسی اعتیاد، کریم پور، ص۴۴.

۲- تاریخ ۲۰ سالهٔ ایران، حسین ملکی، ج۱، ص ۳۵۰.

۳- مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟ ص ۲۲۸.

۴- روزنامهٔ رسمی، ش۱۵۸۶۴، مورخ ۲۴ مرداد ۱۳۷۸.

۵- روزنامهٔ همشهری، ۲۹ تیرماه ۱۳۸۲.

مجموع ۱۶۲۸۸۸ نفر زندانی سال ۱۳۷۹، حدود ۶۸۹۳۰ نفر، مرتکب جرایم مواد مخدر بودند و طبق آمار سال ۱۳۷۸ ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۳۹۸۱ نفر دارای تابعیت خارجی (۳۷۲۸ افغانی و روسیه، نخجوان، یوگسلاوی، مغولستان، هر کدام یک نفر)، بودند.(۱)

درآمد خالص قاچاق مواد مخدر، در جهان بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار، تخمین زده می شود و هر سال، ۱۱ میلیون هکتار از مزارع، به علت کشت مواد مخدر، تخریب می شوند و ۱۸۵ میلیون نفر، معتاد در جهان، وجود دارد.

ایران، تاکنون (۸/۵/۱۳۸۷) چهار هزار شهید، در راه مبارزه با مواد مخدر، تقدیم جامعهٔ اسلامی کرده است. با این حال، افزایش سه برابری کشت مواد مخدر در افغانستان، مبارزه را سخت تر کرده است. از سویی، درآمدهای میلیاردی مافیای مواد مخدر که در تار و پود کشورهای قدرتمند و سیاست مداران(۲) آن ها، نفوذ کرده، مبارزه را تحت الشعاع قرار داده است.

براساس گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۸، مواد مخدر، جنایت، تروریسم، سه تهدید امنیت جهانی است. ایران، به دلیل اینکه مرز ترانزیت مواد مخدر است،(۳) خسارت های فراوانی را تحمل می کند، در حالی که افغانستان، در سال ۲۰۰۷ میلادی، ۸۲٪ زمین های زیر کشت خشخاش در جهان (۱۹۳۰۰۰)متر مربع و ۹۳٪ تولید تریاک جهان (۷۲۰۰ تن) را به خود،

۱- گزارش آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر، بهار ۱۳۷۸ ص ۲۶.

۲- برخی از کارشناسان معتقدند: آمریکا بعد از خروج از ویتنام، تولید مواد مخدر را به آرامی، به افغانستان منتقل کرد، به گونه ای که تولید در تایلند، تنها به ۱۰۰ تا ۲۰۰ تن می رسد، اما در افغانستان، ۸۵۰۰ تن مواد، تولید می شود.

۳- از مجموع ۲۵۰۰ تن مواد مخدر ترانزیتی، ۳/۱ کشف، ۳/۱ مصرف و ۳/۱ نیز ترانزیت می شود. سردار حسین آبادی، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر، سیمای جمهوری اسلامی، برنامه صبحگاهی، شبکهٔ۲.

اختصاص داد و استان هلمند - نزدیک مرزایران - ۵۳ درصد از مجموع این زمین ها را در خود، جای داده است.(۱)

به گفتهٔ رئیس پلیس مواد مخدر ناجا، تولید مواد مخدر در افغانستان (۱۱ هزار تن تریاک و ...)، با حمایت آمریکا صورت می گیرد و ایران، به دلیل ۹۵۰ کیلومتر مرز با افغانستان و ۹۳۰ کیلومتر مرز با پاکستان، در بدترین شرایط ممکن قرار دارد. امروزه، قیمت یک کیلو هروئین در افغانستان، ۲۵۰۰ یورو و در انگلیس (بزرگ ترین مصرف کنندهٔ هروئین)، ۱۰۰/۰۰۰ یورو است. تریاک نیز در مزرعهٔ افغان ها، ۷۰ دلار و در تهران ۶۰۰/۰۰۰ تومان، به فروش می رسد. این سودهای سرشار، منع ارتزاق تروریست هاست و درحالی که، ۳۲۰ لابراتوار در افغانستان، به کار تهیهٔ هروئین مشغولند، نفت، سلاح، و مواد مخدر، به سه منبع مهم درآمد جهان، تبدیل شده اند.(۲)

در سال های اخیر، با گسترش تولید کراک در افغانستان،(۳) مصرف کراک بیشتر شده است. در حالی که در سال ۱۳۸۵، طبق گزارشی یکی از ۱۲۰۰ مرکز NGO کشور،۷۹۵ نفر از ۸۰۰ نفر ۲۱-۲۵ ساله بودند، در سال ۸۶ این رقم بین ۷۰۰ نفر به ۶۳۰ نفر بین ۲۱ - ۲۵ ساله رسیده است. و در حالی که در سال ۸۵، ۷۰٪ کشف هروئین و ۳۰٪ کراک بود در سال ۸۶ به ۷٪ کراک و ۳۰٪ هروئین رسیده است.(۴)

ص: ۱۶۶

۱- روزنامهٔ قدس، ۸ تیر ۱۳۸۷، ص ۱۳ گزارش مراسم روز جهانی مبارزه با مواد مخدر.

۲- سیمای جمهوری اسلامی، شبکهٔ اول، ۱۷/۴/۱۳۸۷، یکشنبه، برنامهٔ چراغ خاموش، حسین آبادی، رئیس پلیس مواد مخدر ناجا، وی در برنامه ای دیگر، مصرف کل کشور، با منشأ تریاک را ۷۰۰ تن در سال۸۷، اعلام کرد و گفت: هر کیلو هروئین در افغانستان، ۲۰۳۲ دلار، در تهران، ۵/۳ میلیون تومان و در اروپا، ۱۰۰/۰۰۰ یورو می باشد و گردش مالی مواد مخدر درجهان، ۲ هزار میلیارد دلار، تخمین زده می شود (برنامهٔ صبحگاهی شبکهٔ ۲).

۳- هروئین معمولی،(۴۰ تا ۶۰ درصد) مرفین دارد، و هروئین فشرده شده (کراک) ۷۰ تا ۹۵ درصد)

۴- همان.

گسترش فن آوری، کار را مشـکل تر کرده و با ظهور مواد مخدر های جدید، حمل و نقل آن ها هم آسان شده است، به گونه ای که از یـک خانم هلنـدی، در یک مسافرت وی به ایران، در فرودگاه امام خمینی۱، یـک میلیون و دویست هزار قرص مواد مخدر صنعتی، کشف شده است.(۱)

ب. نقش مواد مخدر در افزایش جرایم

دبیرکل مبارزه با مواد مخدر نهاد ریاست جمهوری (سـردار اسماعیل احمدی مقدم)، افزایش جرم و جنایت های سازمان یافته، افزایش بیمـاری ایـدز، هپـاتیت، رشـد مرگ و میرهـای ناشـی از اعتیـاد، گسترش ناامنی، فقر و محرومیت را از تبعات شوم این معضل، معرفی می کند.(۲)

اعتیـاد، شخصیت فرد را از اعتـدال خـارج می کنـد و او نمی توانـد وظایف روزانه را انجام دهـد و اضـطراب، ناراحتی روانی، عصبانیت، حالت تهاجمی و سرکشی برای رسیدن به مواد مخدر، در معتاد بروز می کند.

اراده و عـاطفه از بین می رود، به قوانین اجتمـاعی، قیود اخلاـقی، احکام مـذهبی و هر نوع قیـد قانونی، بی اعتنا می گردد و در معرض ارتکـاب جرم، قرار می گیرد. سـرقت، کلاـه برداری، خیـانت در امانت، خودفروشـی، ترغیب دیگران به اسـتعمال مواد مخـدر، از جمله جرایم این گروه است، گـاه - بسـته به نـوع مواد - تـا جرم ضـرب و جرح و قتـل هم می رسـد. جرایم مختلف جنسـی، اعمال منافی عفت، هتک حرمت ناموسـی، جرایم هولناک، خودکشـی، جنون، تصادفات رانندگی، و تخلفات در اکثر موارد، از دیگر آثار اعتیاد است.

۱- همان.

۲- قدس، ۸ تیر ۱۳۸۷، ص۱۳.

ج. وظایف دولت در پیشگیری از تولید و توزیع مواد مخدر

اشاره

وظایف دولت ها را باید در دو حوزهٔ داخلی و خارجی خلاصه کرد و به تبیین هر کدام پرداخت.

۱. حوزه خارجی

به دلیل اینکه انگیزه اصلی تولید مواد مخدر، ابعاد اقتصادی و سیاسی تولیدکنندگان یا محرکان آن هاست، باید سیاست نظام اسلامی، مبنی بر مدیریت اقداماتی باشد که تولیدکنندگان را از تولید، بازدارد، هزینه را برای آن ها تا حد بازداری، افزایش دهد یا با «دخالت تخریبی» چرخهٔ تولید را عقیم سازد. هر چند عنوان «همکاری های

بین المللی» زیبا به نظر می رسد، اما واقعیت دنیای اقتصادی و سیاست، این است که کشور ما در کنار این همکاری ها، مستقلاً باید بتواند اراده های یک جانبه خود را برای کاهش آسیب مواد مخدر به دیگران، تحمیل کند. کشور ما باید بیش از اقدامات بین المللی، به اقدامات اختصاصی در چرخهٔ «کاهش تا حذف تولید» در منطقه خود، دست بزند؛ زیرا در فضایی که قدرت های بزرگ، به اعتیاد، به عنوان ابزار مهم وصول به اهداف سیاسی، نگاه می کنند، مانع به ثمر نشستن تلاش های بازدارنده در این زمینه، خواهند شد؛ پس تمرکز انحصاری به جلب همکاری های بین المللی، به معنای ایجاد فرصت مناسب برای تداوم تولید و عرضه است.

۲. حوزه داخلی

(۱). کاهش و قطع عرضه در سطح کلان: عرضهٔ مواد مخدر، جرم زاست و باعث تقاضاهای جدید می شود. سیاست های نظام اسلامی، باید عرضهٔ مواد مخدر را چنان پرهزینه سازد که توان بازدارندگی و پیشگیری ایجاد کند. در سال ۸۶، حدود ۶۱۲ تن انواع مخدر، کشف شد و افزایش ۹ درصدی دستگیری عوامل اصلی قاچاق در کشور و حتمیت مجازات دربارهٔ

آن ها را شاهد بودیم و همین طور انهدام باندها و شبکه های توزیع ۵ درصد، رشد را نشان داده اند.(۱)

(۲). توجه به جامعهٔ عرضه کنندگان: در جامعهٔ عرضه کنندگان مواد مخدر (خرده فروشان)، متأسفانه اقدامات پیشگیرانه چندانی انجام نمی گیرد و این گروه، به عنوان حلقهٔ وصل تولید و مصرف، محروم از کاربست سیاست های پیشگیرانه اند. ایجاد اشتغال مفید، تأمین آبرومندانهٔ زندگی، امکان تداوم تحصیلات و ... از جمله عوامل بازدارنده ای است که می تواند مانع رویکرد تودهٔ جوانان و مردم، به فروشندگی مواد مخدر شود.

(۳). تلاش برای تغییر جغرافیای ترانزیتی: این موضوع، می تواند نقش مهمی در کاهش ورود مواد مخدر داشته باشد؛ زیرا بخش مهمی از آسیب وارده به کشور، به سبب موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی آن به کشورهای مقصد است.

(۴). مبارزه با علل: مسلماً کاهش عرضه مواد مخدر، باعث کاهش جامعهٔ مصرف کنندگان نیز خواهد شد و محدودیت های اعمال شده، هزینهٔ دسترسی و امکان وصول را مشکل تر خواهد کرد. با این حال، باید علل مصرف مواد مخدر در جامعه، شناسایی و با آن ها مبارزه شود. برخی از راهکارها عبارتند از :

(۱.۴). تقویت نهاد خانواده؛ (۴.۲). پاک سازی محیط های اجتماعی هدف در معرض خطر، مانند مدارس، دانشگاه ها، پارک ها، مجالس عمومی، میادین کارگری، سربازخانه ها؛ (۴.۳). افزایش سازوکارهای کنترل محله ها «با طراحی نظام محله ای» و «پلیس محله»؛ (۴.۴). طراحی نظام آموزشی بازدارنده؛ (۴.۵). جلوگیری از نقش تخریبی رسانه ها، مانند

۱- قدس، ۸ تیر، ۱۳۸۷، ص۱۳.

بزرگنمایی و ایجاد حس کنجکاوی در مورد مواد مخدر؛ (۴.۶). ایفای نقش صحیح نظام رسانه ای؛ (۴.۷). تلاش مؤثر برای جلوگیری از سهولت دسترسی به مواد مخدر؛ (۴.۸). فراهم سازی تفریحات سالم؛ (۴.۹). بازسازی هویت اجتماعی، از طریق گروه درمانی ها؛ (۴.۱۰). طراحی مکمل های خانواده؛ (۴.۱۱). اشتغال و رفع بیکاری؛ (۴.۱۲). روش های نظارتی و کنترل عمومی، مانند آزمون مدام و سالانهٔ عدم اعتیاد برای اقشار مختلف، مانند کارمندان، رانندگان، سربازان، دانشجویان، کارگران و ... .

از جمله راهکارهای مؤثر در کاهش جامعهٔ مصرف کنندگان، استفاده از «مشارکت مردمی» و جلوگیری از «قضا محوری و کیفر محوری» است. مدیرکل درمان و بازپروری ستاد مبارزه با مواد مخدر می گوید:

«با همکاری دستگاه های دولتی و ۳۵ سازمان «مردم نهاد»، هر سال ۲۵ هزار معتاد، پاک می شوند و به زندگی عادی بر می گردند. در این نوع از اقدامات، با برگزاری برنامه های آموزشی، تفریحی، ورزشی و اعتقادی، افراد به مدت طولانی، تحت درمان قرار می گیرند».(۱)

در عین حال این تشکل ها، نمی تواند بسترهای اصلی را مانند عدم اشتغال پایدار، ازدواج و ... جبران کنند. همانطور که یک مقام مسئول، فقر، بیکاری، نبود امکانات تفریحی فرهنگی را عامل اصلی اعتیاد می داند.(۲)

استفاده از تعاون و همکاری در جامعهٔ اسلامی {تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لا تَعاوَنُوا عَلَی اْلإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ}؛(۳) از وظایف دولت اسلامی، کارآمدسازی سازوکارهای پیشگیرانه است. فراخوانی آیه به تعاون بر نیکی و عدم همکاری در زشتی ها، نشان می دهد، ایجاد بستر لازم در جامعهٔ

۱- قدس، یکشنبه، ۲۶ خرداد ۱۳۸۷، ص ۱۰؛ افق حوزه، چهارشنبه ۲۲ خرداد، ۱۳۸۷، ص۸.

۲- کیهان، ۲۰خرداد ۱۳۸۷، ص ۱۱.

۳- مائده/۲.

اسلامی برای انگیزش جامعه، به تعاون مذکور، از وظایف مهم رسانه ای نظام اسلامی است که در گسترهٔ قلبی، زبانی، عملی، باید جامعهٔ اسلامی را به همکاری مذکور سوق دهد و برساند.

«تدافع جمعی» هم راهکار مهمی است که دولت اسلامی، می تواند بر آن تکیه کند؛ زیرا در کنار همکاری اجتماعی، موضوعی به نام «رویارویی اجتماعی» مطرح می شود و گر نه جاذبه، بدون دافعه اجتماعی، به پیشگیری ناقص، منجر خواهد شد.

«اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دفع نمی کرد، حتماً زمین، تباه می شد».(۱)

نباید فراموش کرد که به رغم تمام اقدامات اجتماعی و فرهنگی، باز گروه هایی از مجرمان و توزیع کنندگان و مصرف کنندگان به دلیل ماهیت انسانی و اختیاری خود، به تداوم جرم، ادامه می دهند. نظام اسلامی برای پیشگیری از گسترش جرایم و جرم گستری این گروه ها، باید آنان را از نظر دور ندارد و با اقداماتی مناسب، مانند «تهیهٔ شناسنامهٔ کیفری»، توان کنترل و نظارت و خنثی سازی آثار تخریبی آنان را داشته باشد تا دامنهٔ امنیت اجتماعی توسط آن ها هر روز، محدودتر نشود. طرح های ارتقای امنیت اجتماعی، جمع آوری برنامه ریزی شده و گزینشی خرده فروشان و ... جملگی می توانند در این مسیر، مؤثر باشند. این بخش را با جملاتی از امام خمینی(ره) و رهبر انقلاب دربارهٔ نقش سیاست های خارجی در گسترش مصرف مواد مخدر، به پایان می بریم.

«شما، این را یک مسئلهٔ اتفاقی ندانید که مِن باب اتفاق، یک دسته ای هروئین فروش شده اند و یک دسته ای هم مبتلا شده اند،

۱- بقره / ۲۵۱.

این همه، یک توطئه ای است که قدرت های بزرگ، به این وسیله، ضربه می زنند».

«قشر جوان، قشری است که می شود از آن، همه جور استفاده را کرد. قشر جوان، قشری است که می تواند اقتصاد ما را اداره کند. قشر جوان، می تواند خود را در مقابل هجمات فرهنگی، نظامی و سیاسی مجهز کند.

این جوان، در حالی که جوانیش، ارزشمند است، افکارش آن قدر عمیق نیست که توطئه ها را تا آخر بتواند بخواند. خیال می کند که خُب! حالا دلمان می خواهد تریاک یا هروئین بکشیم! این یک نقشه ای است که برای فلج کردن جوان های ماست. یک آدم هروئینی نمی تواند در

سیاست، فکر کند. نمی تواند در اقتصاد، عمل کند».(۱)

«من از شما سؤال می کنم، اگر مدیر مدرسه ای نسبت به فاسد شدن ۵۰۰، ۶۰۰، ۱۰۰۰ نوجوان که به دست او، سپرد ه اند، حساس بود و گوش پسر بدجنسی را که وسیلهٔ دشمن قرار گرفته، و داخل مدرسه، هروئین آورده است، بپیچاند، ما به این مدیر مدرسه، چه باید بگوییم؟ بگوییم شما برخلاف آزادی، عمل کرده اید؟! این چه روشی است؟ شما ضد آزادی هستید؟ آیا این حرف، درست است؟ مدیر مدرسه، می گوید: به من، هزار جوان، سپرده اند و من نمی خواهم فردا این ها را هروئینی تحویل مادر و پدرشان بدهم! حالا ـ درست است به او بگوییم نخیر، می خواستی اجازه بدهی، خودشان انتخاب کنند. ما هروئین را می آوریم پخش می کنیم و هر کس نخواست، نکشد. تو فقط، حق داری دربارهٔ مضرات

۱- صحیفهٔ نور، ج ۱۱، ص ۱۸۱.

هروئین، صحبت کنی، آیا این برخورد یک بخش از تهاجم فرهنگی نیست؟».(1)

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۲۱/ ۵/۱۳۷۱.

فصل پنجم :دولت اسلامی و پیشگیری از هجوم فرهنگی

اشاره

ص: ۱۷۵

بخش اول: هجوم فرهنگی

اشاره

ابزار اصلی نظام های سلطه و امپراطوری های ثروت و قدرت، چه دارای نظام سیاسی روشن باشند (دولت های سلطه گر) یا نباشند (باندها و شبکه های سودجو و منفعت طلب در عرصهٔ بین المللی)،

هجوم فرهنگی برای تأمین اهداف و منافع است، جنگی نرم و بی صدا که فریاد کشته شدگان آن، به گوش نمی رسد.

۱. چیستی تهاجم فرهنگی

«تهاجم فرهنگی به این معنی است که یک مجموعهٔ سیاسی یا اقتصادی، برای اجرای مقاصد، خاص خود و اسیر کردن یک ملت، به بنیان های فرهنگی آن ملت، هجوم می برند. آن ها هم، چیزهای تازه ای، وارد این کشور و ملت می کنند، اما به زور و به قصد جایگزین کردن آن ها با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت که نام این «تهاجم فرهنگی» است. در تبادل فرهنگی، هدف، بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است،

ولی در تهاجم فرهنگی، هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است.

در تبادل فرهنگی، ملت گیرندهٔ فرهنگ، چیزهای مطبوع، دلنشین و مورد علاقهٔ خود را می گیرد. در تهاجم فرهنگی، چیزهای را که به ملت مورد تهاجم، می دهند، خوب نیست و بد است؛ مثلاً ـ وقتی اروپایی ها، تهاجم فرهنگی را به کشور ما شروع کردند، روحیهٔ وقت شناسی، شجاعت، خطر کردن در مسائل و تجسس و کنجکاوی علمی را برای ما نیاوردند و سعی نکردند تا با تعلیمات و تبلیغات و پیگیری، ملت ایران را یک ملت دارای وجدان کار و وجدان علمی کنند. آن ها فقط بی بندو باری جنسی را وارد کشور

ما کردند ... در تهاجم فرهنگی، دشمن نقطه ای از فرهنگ خود را به این ملت می دهد و وارد این کشور می کند که خود می خواهد و معلوم است که دشمن چه چیزی می خواهد.(۱)

امروزه، تلاش غربی ها در گسترش شبکه های ارتباطی و خبری و ... برای این است که سلیقه ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را، به دیگران تحمیل کنند و آن را بر سلسله ای از شناخت ها، باورها و ارزش های اخلاقی، اجتماعی و اسلامی منسجم و هماهنگ ما (فرهنگ)، غلبه دهند.

۲. پشتوانه و انگیزهٔ هجوم فرهنگی

هجوم فرهنگی بیشتر از سوی فرهنگ غربی، تحقق می یابد که به فلسفهٔ ماتریالیستی(مادی) و اپیکوریسم (لذّت گرائی) متکی است. این فلسفه، بعد از دورهٔ رنسانس، رشد یافت و ادبیات، رفتار، منش، و همهٔ حوزه های زندگی آن ها را فراگرفت.

مسیحیت تحریف شده از یکسو نمی توانست نیازهای زمان را برطرف کند و از طرفی، مردم فطرتاً نیاز به دین داشتند، لذا قلمرو دین را فردی و آن را از حوزهٔ اجتماعی و سیاست، خارج کردند. در هجوم فرهنگی، همین شاخصه را به کشورهای اسلامی، تحمیل نمودند. بُعد دیگر نیز که مادی گرایی بود، به کشورهای اسلامی، تحمیل شد. حتی شیفتگان این فرهنگ در کشورهای اسلامی، اخلاق را از دین جدا و «اخلاق اجتماعی» را در برابر اخلاق اسلامی، قرار داده اند. هنگامی که استعمار انگلیس، فرهنگ

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۲۱/۵/۱۳۷۱ روزنامه اطلاعات ۱۱/۵/۷۱. امام خمینی۱ می فرمود: «آن چیزی که وظیفه همه مسلمین است... این است که هشدار بدهند به این ممالک اسلامی که خودمان فرهنگ غنی داریم . فرهنگ ما طوری بوده است که صادر شده است به خارج». (صحیفه نور، ج۶، ص۲۱۸).

اسلامی را مانع غارتگری خود دیده، تشکیلات فراماسونری را برای فرهنگ اسلامی، در تمام نقاط جهان، به راه انداخت.(۱)

به طور کلی سلطه جویی غربی ها را در چهار بخش نظامی (مانند جنگ های صلیبی)، سیاسی (مانند تغییر مشروعه به مشروطه)، اقتصادی (استعمار اقتصادی، فرهنگ مصرف گرایی، تسخیر بازارهای مسلمانان) و از همه مهم تر فرهنگی، سامان داد.(۲)

این نوع هجوم به دلیل گستردگی و پیچیدگی و برخورداری از همهٔ ابزارهای فن آورانه و روش های علمی، توان تخریب فراوانی دارد. اساساً هر سه نوع سلطهٔ سابق، نیازمند سلطهٔ فرهنگی است. اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی می گوید:

«اخلاق، آداب، زبان و تمدن خودتان را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان را به حال خودشان، واگذارید که همیشه از آن شما خواهند بود».(۳)

اهداف مادی و اقتصادی و لذت جویانه ای که فلسفهٔ غرب، برای غربی ها طراحی کرده، موجب شده است آنان، «اقتصاد» را محور همهٔ کارهای خود قرار دهند. سلطهٔ سیاسی، وسیله ای برای تسلط بر منابع اقتصادی است، سلطهٔ فرهنگی و نظامی هم همین طور، زیرا آنان نمی توانند تولیدات خود را در

۱- «باید توجه داشت که دین و دولت در دوران حکومت عقل و ضرورت آزادی و دمکراسی و نیز رشد و توسعهٔ اجتماعی، و اقتصادی با یکدیگر در تضادند» (نشریهٔ ضد انقلابی آرش، چاپ فرانسه، هویت، ص ۴۸).
۲- با سلاح فرهنگ، بهتر می توان به جنگ نظام رفت تا چیزی که در خارج بر آن، نام مبارزهٔ سیاسی نهاده اند. مبارزه بدون زمینه سازی فرهنگی، فراهم نمی شود و در واقع آن هایی که در جستجوی راه خروج از وضع کنونی هستند، باید بیش از هر چیز، به مبارزهٔ فرهنگی توجه کنند». (هویت، ص۵۵).
۳- اسلام، بر سر دو راهی، ص۲۳، تهاجم فرهنگی، مصباح یزدی، ص۴۵.

بازارهـای کشورهـای دیگر بفروشــند؛ مگر اینکـه فرهنـگ مردم آنجـا را، مطـابق منـافع خـود، عـوض کننـد. آن هـا حـتی در کشورهـای خود، بـا «اصـالت اقتصـاد»، با مردم خود، رفتار می کننـد، لـذا اساساً فرهنگ مهاجم، کاری به درستی و غلط بودن فرهنگ مورد هجوم، ندارد و در هر حال، به فکر آماده سازی وضع، به نفع خود است.

به این ترتیب، بـا تغییر فرهنـگ، تزلزل فرهنگی، خلأ هویتی و تحقیر و شـکست غرور ملت ها، بروز می کنـد و ملت های مورد هجوم، به اطاعت و بنـدگی و تقلید، روی می آورند و فاقد هویت و خوداتکایی می گردند. فرهنگ مهاجم بعد از این مرحله، بـا تزریق آداب و رسوم منتهی به مصـرف گرایی، تمام رفتارها، بینش ها و عادات را به تسـخیر خود در می آورد، به نفع خود، از آن سود می برد، بـا کمـک بنگا ه های تبلیغاتی، اهـداف تجاری و اقتصادی را پیش می برد و به اسـتثمار روی می آورد. از این رو، مبارزه با ناهنجاری هایی، مثل مـدگرایی، مصـرف زدگی، و ... هرگز در جوامع اسـلامی و ملل دیگر، تاکنون به نتیجه نرسـیده است؛ زیرا فرهنگ مهاجم، ابتدا با تخریب فرهنگ و ایجاد خلأ و بعد با تزریق فرهنگ خود، بسترهای سـلطه پذیری و احسـاس تحقیر و تقلیـد را به مرور زمـان، ایجاد کرده است و با مبارزهٔ گـذرا، هرگز نمی توان به جنگ آن رفت؛ هر چنـد این سخن، به معنای نفی تحرکات مقطعی، به منظور رفع مقطعی ناهنجاری ها نیست.

۳. اهداف هجوم فرهنگی

الف) بینش ها و باورها

براساس آیات قرآنی، کار شـیاطین، تمرکز بر فکر و اندیشهٔ بشـر است و می کوشند مانع ایمان به آخرت، بینش معنوی، ارزش های والا و فرامادی

انسان شوند، اگر هجوم آنان، موفقیت آمیز باشد، در دیگر بخش ها هم اثرگذار خواهد بود و گر نه افکار و اعتقادات صحیح و اصیل، مانع انحرافات خواهد بود.

امروزه، تلاش وسیعی می شود تا اعتقاد به خدا، آغاز و انجام جهان، معنویات، روح، فرشته، وحی، حساب وکتاب، قیامت... با عناوینی چون نامحسوس بودن ماوارى طبیعت، خیال بافانه بودن، معنا نداشتن اعتقاد جزمی(1) و اصالت شک، ایده آلیستی بودن، غلط بودن دعوت به اسلام، صحت همهٔ اعتقادها، حتی بت پرستی، پنداری بودن دین، اصالت دلایل تجربی، نه عقلی و فلسفی، تضعیف گردد و روح یقین و اعتقاد از آنان، سلب شود و با نابودی ایمان، اساسی ترین سد در برابر هجوم فرهنگی، شکسته شود.

ب) ارزش ها و گرایش ها

در کنار شناخت ها (نسبت به خدا، جهان و انسان)، ارزش هایی پدید می آید. زندگی بدون اعتقاد به ارزش ها، شکل انسانی به خود نمی گیرد و فرق انسان با حیوان در این است که برای انسان، خوب و بد مطرح است. البته جوامع از نظر شناختِ خوب و بد و ارزش و ضد ارزش، با هم اختلاف هایی دارند؛ لذا غربی ها با اهداف خاصی می کوشند شناخت های خود، از ارزش ها را به مسلمانان تحمیل کنند. آنان برای این کار، ابتدا ارزش های اسلامی را «اعتباری» جلوه می دهند و فرافیزیکی و اثبات نشدنی می انگارند و چنین ترویج می دهند که ارزش ها، اعتباری اند و پایهٔ ثابتی ندارند و تابع شرایط اجتماعی و فرهنگی اند؛ بنابراین لذا اگر چیزی، ارزش دانسته می شود، شاید زمانی دیگر، ارزش نباشد. به این ترتیب، جامعه را از

۱- برخلاف آیاتی، مانند {بِالْآخِرَهِ هُمْ یُوقِنُونَ} (بقره/۴؛ نمل/۳؛ لقمان/۴) و رعد۲، بقره/۱۱۸؛ نمل/۸۲؛ سجده/۲۴.

عمل به مسائل ارزشی که ضد مستکبران است، باز می دارند و قدرت بازدارنگی را از آنان می گیرند و روشنفکران غرب زده(۱) به عنوان سربازان غربی ها همه تلاش خود را در این مسیر به کار می گیرند.

ج) رفتارها

وقتی باورها و ارزش ها تغییر می کند، رفتارها هم تغییر خواهد کرد؛ از این رو مهاجمان همواره در پی تغییر الگوهای رفتاری، برآمده اند. در واقع آنچه از رفتارها در سطح جامعهٔ اسلامی، مشاهده می شود، محصول تغییر باورها و ارزش هاست که طی مرور زمان، خود را به صورت رفتار، نشان می دهد. البته نباید غافل شد که در طرف مقابل نیز طرز رفتارها و الگوهای رفتاری، می تواند بر ارزش ها و باورها، اثر بگذارد و آن ها را از کارآیی بیندازد. (۲)

۴. سطوح هجوم فرهنگی و وظایف دولت اسلامی

اشاره

سطوح هجوم فرهنگی نیز به دو بخش عمومی و تخصصی قابل تقسیم است که می طلبد نظام اسلامی در هر دو عرصه، از سازوکارهای لازم برخوردار باشد.

۱- میرزا ملکم خان می نویسد: «بنا به اصل ترقی، هر چیزی که متعلق به گذشته باشد، از اعتبار ساقط است و به کار امروز نمی آید و اگر اصالتی هم در گذشته باشد، در گذشتهٔ غرب است نه در گذشته ما، فرهنگ امروز غرب، مترقی است و باید جای فرهنگ کنونی ما را بگیرد». تقی زاده می گفت: باید از فرق سر تا نوک انگشتان پایمان، غربی شویم». هویت، ص۵۴.

۲- در تنظیم این بخش، از مطالب استاد محمد تقی مصباح یزدی در کتاب تهاجم فرهنگی (ص۲۶ به بعد) استفاده کرده ایم.

الف) سطح عمومی

دشـمنان، برای هجوم به ارکـان سه گانـهٔ توده هـا، بـا روش هـای گونـاگون روان شناسـی، برنامه های رسانه ای - به خصوص تلویزیون و طراحان، و برنامه ریزان و مجریان آن - را خواسـته و ناخواسته از فرهنگ بیگانه متأثر می سازند و اغلب برنامه های خود را به دست آن ها اجرا می کننـد. دشـمنان در این روش، چنان موفق بوده اند که حتی توانسـته اند، در بسـیاری از خانواده های متدین و مذهبی، نفوذ کنند و آن ها را به جای عبادت و کسب علم، به دیدن فیلم، شـنیدن شـعر، نقاشی، مجسمه سازی و .... مشغول سازند.(۱)

بنابراین رسانه های ما، از بهترین وسایل ترویج فرهنگ غرب هستند.(۲) و باید نظام اسلامی چشم خود را به این واقعیت نبندد. واقعیت این است که مردم مسـلمان، عقبهٔ نظام اسلامی اند و دشمن با هجوم فرهنگی، برای تغییر ارزش های آن ها، می خواهد تکیه گاه اصل نظام اسلامی را نابود کند و در این راه، از بی اعتناکردن مردم به بینش ها، ارزش ها و رفتارهای اسلامی، غفلت نمی ورزد. دشـمن در این مسـیر، به جای اقدامات شـفاف و صـریح که حساسـیت مسـلمانان را برمی انگیزد، از پخش نوارهای صوتی و تصویری مبتـذل، چاپ و نشـر داسـتان، شـعر، رمان های سـطحی و مبتذل و ... نیز سود می برد. ماهواره نیز، امروزه به خدمت تهاجم فرهنگی علیه توده ها، درآمده است. رادیو دولتی انگلیس - بی بی سی - در برنامهٔ ۱۴ مرداد ۷۳ می گوید:

«چنین به نظر می آیـد که تلویزیون مـاهواره ای در ایران، در ضـربه زدن به مظـاهر اسـلام سیاسـی، از همـهٔ گروه هـای مخالف حکومت، قدرت بیش تری دارد».(۳)

۱- تهاجم فرهنگی، مصباح یزدی، ص ۱۶۸.

۲- همان.

۳- هویت ، ص۳۴.

رئیس دیده بان حقوق بشر هیومن رایت واچ هم می گوید:

«باور ما این است که حق برخوردار بودن ملت ایران از آنتن های بشقابی ماهواره، جز حقوق بشر است».(۱)

ب) سطح تخصصی

برنامه های هجوم فرهنگی، گروه های نخبه را با ابزار های خاص، هـدف قرار می دهنـد. آنان، ابتدا متوجهٔ قشر تحصیل کرده می شوند و از طریق آنان، در جامعه، تأثیر می گذارند. دشـمنان، حتی برای به ثمر رسـیدن این روش های خاص، برنامه ریزی های پنـج ساله نیز طراحی کرده انـد.(۲) در مقابل، روشـنفکران متـدین ما، هنوز باور نکرده انـد که به خصوص در رشـته های علوم انسانی، محتوای دروس، وسیله ای برای پـذیرش هجوم فرهنگی است. دشـمنان ما، متوجه شـده انـد که نظام آموزشـی و دانشگاهی، از مهم ترین مراکز سرمایه گذاری برای به ثمر رساندن هجوم فرهنگی است، لذا امام خمینی می فرمود:

«دولت بایـد درست توجه بکند که ... رؤسایی را که انتخاب می کنند برای دانشـگاه ها، برای مدارس، از کسانی که سابق، در خدمت اشخاص بیگانه بودند ... حالا نیایند و بچه های ما را باز به عقب برانند.

این هم یک مطلب است که در فرهنگ، بسیار مهم است».(۳)

این باور سازمان دهندگان تهاجم فرهنگی است که تحصیل کرده های دانشگاهی، به طور طبیعی، مدیریت علمی کشور را در آینده، در اختیار دارند، پس باید آن ها را با ارزش های مورد نظر غرب، آشنا ساخت و در

۱- همان.

۲- تهاجم فرهنگی ، مصباح یزدی، ص ۱۶۵.

۳- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات سپاه، ص۹۲.

رونـدی پنهـان، چـارچوب «بینش، ارزش، رفتـار» آن هـا را به سـمت معیارهـای غربی سـوق داد و امیـدوار بـود که در آینـده، گرداننـدگان نظـام اسـلامی، حساسـیت خود را به تدریـج از دست بدهنـد و بر مبنای یافته های غیرانقلابی و غیر اسـلامیِ طول تحصیل، انقلاب را در سیاست گذاری ها، تصمیمات و ... از جوهر اصلی، خود دور سازند.

مطالعات نشان می دهـد، انتخاب این گروه، به عنوان یکی از مخاطبان اصـلی تهاجم فرهنگی، بر مبنای مطالعهٔ پیشـینه و بافت و ساختار نظام آموزش عالی در ایران و شـناخت خلل های موجود این سیسـتم، طراحی شده است. ضمن آنکه در تحقیق اهداف مورد نظر، برخی نشریات داخلی هم مؤثرند.

یکی از سازمان دهندگان ویژهٔ تهاجم فرهنگی در بخش دانشگاهی، می گوید:

«توده های مردم، ضـمن اینکه دنباله رو هسـتند، هویت خودشان را از دست داده اند، بنابراین باید به دنبال طبقه ای رفت که از نظر مالی و فکری، آسایش بیشتر و امکان تأثیرگذاری بیش تری در آینده داشته باشد».(۱)

این همه، نشان می دهد، دولت اسلامی باید برای پیشگیری از نفوذ عوامل تهاجم فرهنگی - در هر دو بُعد عمومی و تخصصی - به ساختارهای نظام اسلامی و نیز به جامعهٔ اسلامی تلاش کند. امام خمینی(ره) توجه ویژه ای به این موضوع داشت.

«اکنون وصـیت من ... آن است که نگذارند این دسـتگاه های خبری و مطبوعات و مجله ها، از اسلام و مصالح کشور، منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی

آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، از نظر اسلام و عقل، محکوم

۱- هویت، ص ۲۸.

است و تبلیغات، مقالات، سخنرانی ها، کتب و مجلات، برخلاف اسلام و عفت عمومی، حرام است و بر همهٔ ما و همهٔ مسلمانان جلوگیری از آن ها، واجب است و از آزادی های مخرب، باید جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع، حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع، جلوگیری نشود، همه، مسئول می باشند».(۱)

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات سپاه، ص ۱۴۹.

بخش دوم: وظایف دولت در مبارزه با هجوم فرهنگی

الف) مقابله با سلطهٔ فرهنگی بیگانه

هجوم فرهنگی، ارکان بازدارندهٔ امت اسلامی از جرم و گناه را، هدف قرار می دهد و به نابودی یا تضعیف سازوکارهای پیشگیرانه و بازدارنده از گناه و جرم (در ابعاد شناخت ها، ارزش ها و رفتارها)، می انجامد. بنابراین، دولت اسلامی باید برای پیشگیری از این عوامل خارجی و زمینه های جرم و گناه، حساسیت نشان دهد و طراحی ها و برنامه ها و سازوکارهای کاملاً دقیق، اجراپذیر و کارآمد، ارائه کند.

هجوم و سلطهٔ فرهنگی، در کنار ابعاد دیگر نظام سلطه، از نگاه قانون اساسی، دور نمانده است و قانون گذار وظیفه ای روشن برای دولت اسلامی، طراحی کرده است. به برخی از روشن ترین موارد، توجه کنید.

«هر گونه قرارداد که موجب سلطهٔ بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است». (۱)

«نظام جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایهٔ ایمان به : (۱). خدای یکتا ... (۲). وحی الهی ... (۳). معاد ... (۴). عدل خدا ... (۵). امامت و رهبری مستمر (۶). کرامت و ارزش والای انسان ... که از راه نفی هر گونه «ستم گری و ستم کشی» و «سلطه گری و «سلطه پذیری» ...؛ قسط و عدل، استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و همبستگی ملی را تأمین می کند». (۲)

ص: ۱۸۷

۱- اصل یکصد و پنجاه و سوم قانون اساسی.

۲- اصل دوم قانون اساسی.

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، براساس نفی هر گونه «سلطه جویی و سلطه پذیری»، عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر... استوار است».(1)

به این ترتیب، قانون اساسی، در سه اصل مهم، نظام اسلامی را از «سلطه پذیری» که بخشی از آن، حاصل

تهاجم فرهنگی و تحمیل فرهنگ بیگانه است، به شدت برحذر داشته است.

نکتهٔ مهم این است که از گلوگاه های مهم حضور و نفوذ بیگانگان در بخش رسمی کشورها، نفوذ از طریق قراردادها (ممنوع در اصل صد و پنجاه و سوم)، ظرفیت ها و منفذهای سیاست خارجی (ممنوع در اصل صد و پنجاه و دوم) و اهداف و راهکارهای وصول به آن (ممنوع در اصل دوم)، می باشد و قانون گذار، هر سه منفذ سلطه پذیری را مسدود کرده است. بنابراین، روشن ترین و مطرح ترین وظیفهٔ نظام اسلامی، عمل به قوانین ضد سلطه پذیری قانون اساسی و ایجاد سازوکارهایی برای کشف و نظارت بر چگونگی اجرای این اصول و معرفی صریح و شفاف تخلفات از آن هاست.

ب) توجه به اهمیت خطر

این همه تأکید قانون اساسی به نفی سلطه پذیری، باید بتواند نظام اسلامی را به اهمیت و میزان خطر هجمهٔ فرهنگی و دیگر گونه های هجوم (اقتصادی، سیاسی، ...)، متوجه بنماید؛ توجهی که کارآمد باشد، یعنی در عمل، موجب تصحیح دیدگاه ها، اصلاح برنامه ریزی ها، ساختار سازی ها، قانون سازی ها ... با اصل عدم سلطه پذیری شود.

۱- اصل صد و پنجاه و دوم.

هجوم فرهنگی به دلیل ملموس نبودن، واکنش دفعی و سریع را بر نمی انگیزد، به ویژه امروزه که با رشد فن آوری تمام سدها، شکسته شده و این هجوم همه جانبه و بنیان کن خود را بدون هزینه، تحمیل کرده است.

امام خمینی ۱ معتقد بود:

«رأس همهٔ اصلاحات، اصلاح فرهنگ و نجات جوان های ما از این وابستگی، به غرب است... ما

الان در همه چیز، یک نوع وابستگی داریم که بالاتر از همه، وابستگی افکار است. این وابستگی، سر منشأ همهٔ وابستگی هاست که ما داریم، اگر ما وابستگی فرهنگی داشته باشیم، دنبالش وابستگی اقتصادی، هم هست، وابستگی اجتماعی و سیاسی هم هست».(۱)

در هجوم فرهنگی، تلاش دشمن بر نابودی هویت ملت ما، استوار است تا بتواند در سایهٔ بی هویتی و خلأ حاصل، روح تقلیدپذیری و «بندگی فرهنگی» را حاکم سازد و طبق منافع اقتصادی و ... هر آنچه را مطلوب خود بود، بدون مانع، تحمیل کند.

گسترهٔ هجوم فرهنگی، همهٔ ارزش ها و همهٔ نهادها را در بر می گیرد. هویت، دین، اندیشه های اخلاقی و تربیت اجتماعی، همه، تحت تأثیر هجوم یاد شده، قرار می گیرند؛ به این ترتیب، نه شناخت یقینی، نه جهان بینی روشن، نه دستگاه ارزش محکمی و نه رفتار ثابتی که ناشی از هویت فرهنگی باشد، بر جای خواهد ماند. اگر خطر درک شود، مراقبت و ترویج از هویت و فرهنگ هم، ارزش خواهد شد و مانع استحالهٔ فرهنگی و هویتی انقلاب ما، خواهد شد. اگر به اهمیت موضوع، توجه شود، درک فرهنگی قوی هم ایجاد خواهد شد؛ درکی که امروزه، رشد چندانی را شاهد نیست.

۱- تهاجم فرهنگی، مصباح یزدی، ص ۵۷.

به راستی چه چیزی جوان های ما را در جنگ هشت ساله، با نارنجک، به زیر تانک ها می فرستاد؟ غیر از اعتقاد به خدا و معاد بود؟ بهترین راه برای شکستن سد مقاومت ها در برابر هجوم فرهنگی، چیزی غیر از نابودی اعتقادهای ملت ها نیست.

برای همین، ایمان زدایی در صدر برنامه های هجوم فرهنگی، قرار دارد. سخنرانی های علمی، کتاب های فلسفی، فیلم ها، نمایشنامه ها، سمینارها، نظریه پردازی ها، تبلیغات ها، برنامه نویسی ها و هدف گذاری ها... همه و همه، به نام پیشرفت و ترقی، ایمان را به کناری می گذارند.(۱)

به نمونه ای از آرا و نظرهای ابراز شدهٔ مطبوعات داخلی که بسترساز هجوم فرهنگی بودند، در عرصه ایمان زدایی ... توجه کنید.

«جهان مدرن، پرده از رازهای موهوم دینی برداشته و دین را از صحنه اجتماع به یک حیطهٔ کاملاً ـ فردی، به عقب رانده است».(۲)

«قرآن، محدودهٔ اعتقادات را از شریعت جدا کرده و آنچه را دین نام نهاده، شامل شریعت نمی شود».(۳)

«دین، هیچ ارتباطی به امور اجتماعی و سیاسی و حکومتی ندارد»؛(۴)

«ایمان، هرگز از بین رفتنی نیست، و لو دین مردم از بین برود»؛(۵)

«در اسلام، هیچ مسئله و حکم قطعی نداریم و ادلهٔ اربعه، هیچ کدام، یقین آور نیستند»؛(۶)

۱- تهاجم فرهنگی، ص ۹۰.

۲- ماهنامهٔ کیهان، مرداد ۷۸.

۳- روزنامهٔ خرداد، اسفند ۷۷.

۴- روزنامهٔ صبح امروز، خرداد ۷۸.

۵- هفته نامهٔ آبان، تیر ۷۸.

۶- روزنامهٔ خرداد، مهر ۷۸.

«احکام اسـلام، آمیخته به اسـطوره اند و اگر از آن ها اسـطوره زدایی شود، به راحتی به مرور زمان، قابل تغییرند؛ مثلاً حجاب، جنبـهٔ اسـطوره ای دارد، نه اینکه برای حفظ عفت باشـد. بله عفت را باید حفظ کرد، ولی حفظ آن، در هر زمانی به یک روش است و آن روشی که عرف زمان، آن را بپسندد»؛(۱)

«حقیقت ثابت نـداریم، حتی در دست انبیا و معصومین هم حقیقت ثابتی نبوده که بتوانند آن را برای همهٔ ازمنه و امکنه، دیکته کنند»؛(۲)

«ارزش مطلق نـداریم، زیرا ارزش ها، زاییـدهٔ پویایی جوامع بشـری بوده انـد و آنچه زاییـدهٔ ایدئولوژی های ناکجا آبادی باشد، دروغین و حاصل آرمان های بیمار است»؛(۳)

«حق و باطل نسبی اند، و حق مطلق، فقط خداست. اگر حق نسبی نبود، نباید با باطل مشتبه می شد»؛(۴)

«پلورالیزم دینی، یک آموزهٔ دینی و برخاسته از متن احادیث ماست»؛(۵)

«اینکه همهٔ ادیان جز یک دین را، باطل بدانیم، چنانچه راسل گفته، بدعت علمای دینی، اسرائیل است،

سنت گرایان مسلمان نیز پا را فراتر نهاده، غیر مسلمین را گمراه می دانند»؛(۶)

ص: ۱۹۱

۱- ماهنامهٔ زنان، دی ۷۸، ش ۵۹، ص۳۳.

۲- هفته نامهٔ توانا، شهریور ۷۷.

۳- روزنامهٔ خرداد، تیر و مرداد ۷۸.

۴- هفته نامهٔ آوا، ۴/۸/۷۸، ش ۷۷ ،ص۴.

۵- ماهنامهٔ پیام هاجر، شهریور ۷۷.

۶- هفته نامهٔ آبان، ۳۰/۱۱/۷۸، ش۱۱۵، ص۴.

«برای پرورش یک تجربهٔ معنوی، نیاز به اعتقاد به یک خدای ماوارای طبیعی نداریم. خلقت ما چنان است که با فقدان یک تجربهٔ معنوی، منبع دیگری را جایگزین می کند. موسیقی، ورزش و حتی بازی های رایانه ای می توانند تبدیل به مذهب ملی همهٔ گروه ها شوند»؛(۱)

«ارزش های دینی، دائماً در تغییر اند، اگر روزی فاطمه(علیهاالسّلام) می گفت: بهترینِ زنان، کسی است که نامحرم او را نبیند، امروز کسی نمی تواند این را بپذیرد»؛(۲)

«دین، توان رویارویی با تمدن جدید را ندارد و تنها منجی، عقلانیت مستقل است»؛(۳)

«پذیرش دین، حق است، نه تکلیف، در نتیجه، هر کسی حق تبدیل دین خود را هم خواهد داشت»؛(۴)

«قرآن، قابل نقد عقلی و تجربی است و خود قرآن نیز در آیات، بسیار دعوت به آن نموده است»؛(۵)

«ارتداد، حق طبیعی هر انسان است و ادیان همگی بر حق اند»؛(۶)

«در قلمرو ایمان نیز تسامح هست، به این معنا که ایمان ابراهیمی، ایمان دین گرای شکاک و ایمان ملحد دین گرا، هر سه با تفاوت مراتب، بهره ای از قداست دارند و هر سه دسته، مؤمن اند...»؛(۷)

۱- روزنامهٔ عصر آزادگان، ۱۶/۱/۷۹، ص۷.

۲- ماهنامهٔ زنان، دی ۷۸، ش۵۹، ص۳۳.

۳- ماهنامهٔ کیان، مهر و آذر ۷۸، ش ۴۹، ۴۷.

۴- روزنامهٔ صبح امروز ،۲۴/۷/۷۸، ص۶.

۵- هفته نامهٔ هاجر، ۲۳ / ۹ /۷۸.

۶- ماهنامهٔ کیان، فروردین ۷۸.

۷- هفته نامهٔ راه نو، مرداد ۷۷.

«اندیشهٔ ارزش گرایی اسلامی، از سنخ تفکر طالبان است که برخاسته از مجموعه احادیث موجود در حوزهٔ علمیه ایران است»؛(۱)

«در حیطهٔ ولایت سیاسی، حتی ائمه هم وجوب اطاعت ندارند».(۲)

مطبوعات، در داخل حوزهٔ نظام اسلامی چنان می توانند دچار افسونگری و شبهه افکنی شوند که حتی اصل وجود خطر را برای مردم و مسئولان «توهم پنداری»، جلوه دهند. از این رو، یکی از وظایف نظام اسلامی در بحث هجوم فرهنگی، موضوع مطبوعات است. نحوهٔ تعامل نظام اسلامی با مطبوعات و رسانه ها، گویای میزان توجه عملی و کارآمد نظام اسلامی، به مقولهٔ هجوم فرهنگی می باشد. حال آنکه در سال۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ (به فاصلهٔ پنج سال بعد از هشدار، عالی ترین و مطلع ترین مقام نظام اسلامی نسبت به هجوم و شبیخون فرهنگی)، مطبوعات داخلی چنین ترویج می کردند:

«در برابر هجوم فرهنگ بیگانه، نباید عکس العمل نشان داد»؛(۳)

«فرهنگ خودی در قبال ارزش های فرهنگ بیگانه، ضعیف و ناتوان است و لذا توان دفاع در مقابل آن را ندارد»؛(۴)

«توهم تهاجم فرهنگی، ناشی از احساس ضعف و ترس است و گرنه فرهنگ ها همیشه با هم تعامل داشته و در تأثیر از یکدیگر بوده اند»؛(۵)

۱- روزنامهٔ جامعه، خرداد ۷۷.

۲- ماهنامهٔ کیان، ابان ۷۷.

۳- پیام هاجر، خرداد ۷۷.

۴- روزنامهٔ جامعه، تیر ۷۷.

۵- هفته نامهٔ آبان/ شهریور /۷۷.

«نظریـهٔ تهـاجم فرهنگی، چه هـا که بر سـر فرهنـگ و هنر روشـنفکران نیـاورد، کاروان خردستیزی اقتـدارگرایان از مرداب آن نظریه، سیراب و انجامش به قتل و کشتار و حبس و حصر انجامید».(۱)

به نظر می رسد امروزه وقت آن رسـیده است که منافذی که موجب ظهور این مقاومت ها در برابر هشدارهای رهبری به وجود تهاجم فرهنگی شد، توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی، شـناسایی شود و راهکارهای عملی برای شناسایی خلأها در ابعاد سیاست گذاری، قانون گذاری و... ارائه شود. این حداقل وظیفه ای است که نظام اسلامی با انجام کار علمی و دقیق روی آن، می توانـد ساختارهای غلط، منافذ موجود و خلأهای ایجاد شده برای تسـلط و نفوذ فرهنگ مهاجم را شـناسایی کند و به ترمیم آن بپردازد.

ج) امن سازی حوزه های مورد هجوم

اشاره

عناصر اصلی فرهنگ اسلامی، چیزی غیر از آداب و رسوم محلی و اموری از این دست است، این عناصر که در هجوم فرهنگی به شدت تخریب می شوند و نظام اسلامی باید چاره ای عملی برای ایمن سازی آن ها انجام دهد، عبارتند از:

۱. حوزه های سه گانه

اول: بینش ها و باورها (اصول دین، هستی شناسی)

بینش اسـلامی مبتنی بر توحید، نبوت و معاد است و آیات متعددی گویای این بینش و باور است، اما هجوم فرهنگی، به شدت با این باورهای یقینی، به معارضه بر می خیزد و آن ها را خنثی می سازد.

۱- روزنامهٔ عصر آزادگان، ۱۶/۸/۷۸، ص۳.

«یکی از راه های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان های مؤمن را، از پایبندی های متعصبانه به ایمان که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می دارد،

منحرف کنند؛ مانند همان کاری که قرن های گذشته، در اندلس کردند و جوانان را ریختند در عالم فساد و شهوترانی و میگساری. این کارها در حال حاضر، دارد انجام می گیرد».(۱)

دوم: ارزش ها و گرایش ها

مهاجمان فرهنگی، می کوشند دستگاه ارزشی را که تاکنون مانع نفوذ آن ها شده است، درهم بشکنند و ملت را به زانو درآورند و این پایبندی به اعتقادها و ارزش ها را نابود سازند.

سوم: رفتارها و کردارها

تلاش های فراوانی که برای گسترش فساد و بی بندو باری از طریق رسانه ها، ابزارهای اقتصای و تجاری، کالاهای صادراتی، سیاست های ترویج مصرف گرایی، مدگرایی و... پیگیری می شود، همگی در راستای تغییر رفتارها و کردارهای برخاسته از ارزش ها و بینش های اسلامی است، چه عالمان و مروجان این اقدامات، متوجهٔ نقش خود باشند، چه ناخواسته و ناآگاهانه در مسیر اجرای این امور باشند.

رهبر انقلاب، بارها خواهان بیداری ملی و هوشیاری مسئولان، در برابر هجوم به ارزش ها و رفتارهای اسلامی شده است.

«فهمیدند که باید عقبهٔ ما را بمباران کنند ... عقبه ما در مبارزهٔ ملت ایران، با قلدری استکبار جهانی، عبارت از فرهنگ ما بود، منطقهٔ عقبه ما، عبارت از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه به اسلام بود ... باید فرهنگ و اخلاق، ایمان، ایثار، اعتقاد

۱- رهبر انقلاب، ۱۱/۵/۷۱، روزنامه اطلاعات.

به دین، اعتقاد به رهبری، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت او را از بین برد... من وقتی به وسعت ابزارهای دشمن نگاه می کنم، می فهمم چقدر برای این ها، قضیه اهمیت دارد ... اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید، خدا نخواسته صدای فرروریختن ارزش های معنوی که ناشی از تهاجم پنهانی و زیرکانهٔ دشمن است، هنگامی در می آید که دیگر علاج ناپذیر نیست. اگر جوان جبهه رفته ما را محاصره کردند، اول یک ویدئو به او دادند، بعد وسیلهٔ تماشای فیلم های جنسی وقیح را به او دادند و شهوت او را تحریک کردند و بعد هم او را به چند مجلس کشاندند، آن وقت ما چه باید بکنیم؟...»(۱)

۲. تقویت عناصر سه گانه

آیات متعددی از قرآن کریم، نشان می دهد «ایمان»، عامل هدایت مسلمانان است.

{يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمانِهِمْ}؛(۲)

بنابراین، تقویت سه عنصر اصلی یاد شده، باید در دستور کار نظام اسلامی قرار گیرد و ابزارهای لازم برای آن، طراحی گردد و کارنامه ای قابل عرضه، ارائه شود.

شاید بتوان به راحتی ادعا کرد، بعد از شناسایی این عناصر، تاکنون کاری جدی برای تقویت هوشمند و هدفمند این عناصر در جامعهٔ دینی صورت نگرفته است و نهادهای مربوط به تقویت مثلث «بینش، ارزش، رفتار»، کارنامه ای از اقدامات خود، دربارهٔ این مطالب رهبری نمی توانند ارائه کنند که مشکل عمده، در این باره، نداشتن ساختارهای لازم و

۱- روزنامهٔ اطلاعات، همان.

۲- یونس / ۹.

طراحی های عملیاتی برای اجرای مطالبات یاد شده، می باشد که متأسفانه در اکثر موارد موجب می شود هشدارهای رهبری، در گذر زمان، به فراموشی سپرده شود. تبدیل این هشدارها به اهداف و سیاست ها، و قانون ها، لزوم تعیین متولیان و سپس طراحی ساختارها و... و در نهایت اجرای مطالبات و پاسخگویی از ضرورت های حیاتی برای جامعهٔ اسلامی است.

احمد هوبر، روزنامه نگار مسلمان سوئیسی می گوید:

«اولین کار آن است که شما در رسانه های گروهی ایران، رادیو، تلویزیون و مطبوعات آنچه دربارهٔ انحطاط این فرهنگ تجاری می دانید، به گوش جوانان برسانید و ثابت کنید که این فرهنگ دروغین، با یک مد جدید لباس، هیچ ارتباطی به شیوهٔ جدید زندگی ندارد، بلکه تمام آن، از پول و سیاست سرچشمه می گیرد و در حقیقت جنگی است علیه اسلام».

وظیفهٔ دوم که باید انجام دهید و این کار سفارتخانه های ایران در خارج از کشور است، آن است که شما باید صحنه فرهنگی را در اروپا و آمریکا به دقت، زیر نظر داشته باشید و تماس هایی نیز با مسلمانان این کشورها، برقرار کنید تا اطلاعات لازم را در مورد تحولات فرهنگی غرب به شما رله کنند؛ برای مثال هم اکنون علیه این آلودگی وارداتی از آمریکا که در سراسر دنیا، مفسده ایجاد کرده، نهضتی در میان جوانان و در همه جا در آمریکا، در انگلستان، فرانسه، آلمان، سوئیس و غیره در حرکت است که این فرهنگ تجارتی آمریکایی را نفی و رد می کند. این امر بسیار مهمی است، برای دولت ایران که به جوانان و نسل جوان خود، نشان دهد که علیه این فرهنگ فسادانگیز آمریکایی، حتی در اروپا، جوانان بپاخاسته اند و اینک در آمریکا و کشورهای اروپایی، فیلم ها و مقالات گوناگونی در مطبوعات و برنامه های

رایویی علیه این موج فسادانگیز تبلیغاتی، فرهنگی تهیه شده است. سفارتخانه های ایران در دنیای غرب، دربارهٔ این فعالیت ها، مطلع هستند و می توانند اطلاعات مربوط به آن را جمع آوری کنند... بعد می توانند آن را برای مبارزه با این تأثیرات و تحولات در ایران، به کار بگیرند».(۱)

د) کاهش وابستگی، حفظ عزت اسلامی

از عوامل بسترساز هجوم فرهنگی، ایجاد حس حقارت در برابر پیشرفت های فرهنگ مهاجم و عقب ماندگی ها و مشکلات فرهنگ مورد هجوم است. دشمن، با طرح این مسائل - واقعی یا کاذب - در پی نابودی عزت اسلامی و افزایش وابستگی ها بر می آید. از این رو، پیوند وابستگی اقتصادی و... با هجوم فرهنگی، پیش می آید. این وابستگی، خود را در لفافهٔ صدور فن آوری و پیشرفت، پنهان می سازد و خودنمایی ویژه ای ندارد؛ به همین دلیل:

اولاً: درک و باور آن، برای خیلی از نخبگان اجتماعی و اصحاب رسانه و ... سخت است و ثانیاً ملموس بودن مشکلات اقتصادی و ... و رفع آن ها در سایهٔ وابستگی خارجی، مانع از توجهٔ عملی به ابزاری بودن کمک ها و واردات اقتصادی برای هجوم فرهنگی می شود.

در نظام اسلامی، ریشه های وابستگی، باید در دراز مدت، قطع شود. این سخن غیر از لزوم تعاملات اقتصادی و فن آورانه است که متأسفانه گروهی «وابستگی» را با «تعامل» اشتباه می گیرند و با طرح لزوم تعامل، در جامعهٔ جهانی، مانع قطع اصل وابستگی و رسیدن به خودکفایی می شوند. رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله) در عین اینکه با جامعهٔ جهانی روزگار خود، تعامل داشت، می فرمود:

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۴۳.

«لاتستضیئوا بنار المشرکین»؛[(۱)]

«با آتش مشرکان، روشنایی نجویید».

امام سجاد(علیه السّلام) می فرمود:

«اللهم اغننی من شرار خلقک»؛[(۲)]

«خدایا! مرا از انسان های شرور، بی نیاز کن».

رسول خدا(علیه السّلام) رابطه بین حجب و حیا با استقلال را، چنین بیان می فرماید:

«فاستعفوا عن السوال ما استطعتم إنَّ الأرزاقَ دونها حجبٌ فَمَن شاءَ قَنی حیاءه واخذ رزقه و مَن شاء هتک الحجاب واخذ رزقه و الذی نفسی بیده لإن یاخذ احدکم حبلاً ثمَّ یدخل عرض هذا الوادی فیحتطب حتّی لا یلتقی طرفاه ثمّ یدخل به السوق فیبیعه بمدّ من تمر و یاخذ ثلثه و یتصدّق بثلثیه خیر له من ان یسأل الناس اعطوه او حرّموه»؛

«تا جایی که می توانید از درخواست کردن، خودداری کنید. حجب و حیا در کنار روزی دادن است. آن که بخواهد، حیایش را نگاه می دارد و روزی اش را می گیرد و آن که بخواهد، حجابش را پاره می کند]و با درخواست و وابستگی به غیر خدا[روزی اش را می گیرد. قسم به آن که جانم در دست اوست، اگر یکی از شما طنابی بگیرد و داخل این صحرا شود، هیزم جمع کند تا آنجا که دوطرفش را نبیند، آنگاه به بازار برود و به یک مدّ خرما بفروشد، یک سوم آن را، خود بردارد و دو سوم آن را،

۱- کنزالعمال، ج۱۶، ص۱۲، ح ۴۳۷۵۹، ر.ک.به: چهل حدیث استقلال، محمد عابدی، ص۲۹ (موارد متعدد).
۲- تحف العقول، ص ۲۷۸، به نقل از همان، ص ۳۴.

صدقه بدهد، برایش بهتر از این است که از مردم چیزی بخواهد، بدهند یا ندهند».(۱)

البته ترویج فرهنگ صرفه جویی و درست مصرف کردن و قناعت هم، از ابزارهای قطع وابستگی است، لذا امام علی(علیه السّلام) فرمود:

«الغنی من استغنی بالقناعه»

«بی نیاز، کسی است که با کمک قناعت، بی نیازی جوید».(۲)

دولت اسلامی، باید با ترویج فرهنگ پرهیز از آزمندی و توقعات، به امکان وصول به استقلال و کاهش وابستگی ها، کمک کند، امام باقر(علیه السّلام) فرمود:

«ارض بما قسم الله لک تکن غنیاً»؛

«به آنچه خدا نصیب تو کرده است، راضی باش تا بی نیاز شوی».(۳)

همین طور با تقویت و رشد مدیریت ها، می توان به آرمان استقلال، نزدیک تر شد، امام علی(علیه السّلام) فرمود:

«سوء التدبیر مفتاح الفقر»؛(۴)

«مدیریت بد، کلید فقر است».

افزایش دانایی و کاهش جهل نیز از نگاه امام علی(علیه السّلام) در رسیدن به استقلال، تأثیر دارد و اصولاً امام، نادانی را عین نیازمندی و وابستگی می داند.

«لاغنی لجاهل»؛(۵)

۱- الکافی فی الاصول، ج۴، ص ۲۰.
۲- غررالحکم، و دررالکلم، ش ۹۰۳۱.
۳- خصال، ج ۱، ص۱۶۹.
۴- غررالحکم، و دررالکلم، ش ۸۰۹۰.
۵- همان ۱۱۱۱.

«برای جاهل، بی نیازی وجود ندارد».

همین طور از نگاه امام علی(علیه السّلام)، حفظ وحدت اجتماعی و دینی از عوامل مهم کاهش وابستگی است و امام، سخنان فراوانی در این باره دارد که نظام اسلامی باید برای کشف راهکارهای عملی آن، بیندیشد.(۱)

رابطه عمیق احساس وابستگی با پذیرش فرهنگ و خواسته های مهاجم، در این سخن امام علی(علیه السّلام) روشن است.

«من احتاج الیک کانت طاعتُه لک بقدر حاجته الیک»؛(۲)

«آن که به تو محتاج است، اطاعتش از تو، به اندازه نیازش است».

امام خمینی(رحمه الله)، خطر وابستگی را چنان زیاد می دانست که می فرمود:

«ما می خواهیم زندگی فقیرانه داشته، ولی آزاد و مستقل باشیم».(۳)

«احتیاج ما، پس از این همه عقب ماندگی مصنوعی به صنعت های بزرگ کشورهای خارجی، حقیقتی است انکارناپذیر و این به آن معنا نیست که ما باید در علوم

پیشرفته، به یکی از دو قطب، وابسته باشیم».(۴)

نکتهٔ اساسی این است که نظام اسلامی، باید تمام ابزارهای لازم برای قطع وابستگی را فراهم سازد و اساساً جامعهٔ اسلامی دارای روح و فرهنگ استقلال شود؛ به گونه ای که جامعه، اصل وابستگی را پس بزند و به عنوان عنصری بیگانه، دفع کند. امام خمینی(رحمه الله) تأکید فراوان بر این فرهنگ سازی داشت و معتقد بود:

۱- نهج البلاغه، ص۲۹۷، خ ۱۹۲.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ش ۱۱۱۱۴.

۳- کلمات قصار «پندها و حکمت ها»، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).

۴- همان.

«اساساً تربیت از دامان پاک مادر وجوار پدر، شروع می شود و باید با تربیت اسلامی و صحیح

آنان، استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور، پایه ریزی شود».(۱)

«استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگی آن نشأت می گیرد».(۲)

واقعیت های خارجی نیز گویای همین ارتباط و تلاش دستگاه های مختلف غربی، برای گسترش ریشه های وابستگی است. برای نمونه ایران که از صادرکنندگان

فراورده های کشاورزی بود، بعد از اجرای اصلاحات ارضی در اوج فرمانروایی بیگانه پرستان، برنج، گندم، گوشت و... را از خارج، وارد می کرد و با سیاست تک محصولی کردن صادرات، رشته های وابستگی کشور را در تمام ابعاد، به محاصرهٔ بیگانگان درآورد؛ به گونه ای که در سال ۱۳۳۱، صادرات غیر نفتی، ۸۰ / ۹۹ بود و طی دوازده سال، یعنی در سال ۱۳۴۳، به ۳۰/۱۳ رسید.(۳) به همین میزان، کالاهای مصرفی و لوکس وارد کشور شد و حاصل آن شد که بسیاری از متفکران، این دهه را جزو دهه های شاخص در«استحالهٔ فرهنگی» نامیدند. این خطر، مسلماً مخصوص دورهٔ خاصی نیست، لذا امام خمینی هشدارمی داد:

«مبادا چنان که در افراد سطحی و غافل، دیده شده است، نسل انقلابی و زنان مؤمن دوباره روی به مصرف

و تجمل های پوچ و گرایش های غیر انقلابی بیاورند».(۴)

۱- همان.

۲- همان.

۳- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات سپاه، ص ۱۰۴، به نقل از مجلهٔ سروش، مهر ۵۸، ش۲۳۲، ص۲۴.

۴- همان، ص ۱۳۸، به نقل از روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۵/۸/۶۸.

«آنچـه تجربه نشـان داده، جز تبـاهی شـما و اغفالتـان از سـرنوشت کشورتـان و چاپیـدن ذخـایر شـما و به بنـد اسـتعمار و ننگ وابسـتگی کشـیدنتان و مصـرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگری فکر نمی کننـد و می خواهند با این وسایل و امثال آن، شما را عقب مانده و به اصطلاح نیمه وحشی نگه دارند».(1)

مهم این است که، نظام اسـلامی «اسـتقلال و عدم وابسـتگی را به عنوان فرهنگ مسـلط جمهوری اسـلامی در همهٔ ابعاد، تسری دهـد؛ بُعد خارجی و داخلی، ابعاد فرهنگی و رسانه ای و ...؛ اما آیا این مدیریت قوی و هماهنگ، در نظام اسـلامی ایجاد شده است که همـهٔ ارکـان و ظرفیت هـا از جمله ظرفیت هـای فرهنگی و رسـانه ای را در صف مقـدم مبـارزه با وابسـتگی، مصـرف گرایی و ... نگاه دارد؟!

باید دانست که نخستین اثر اسـتقلال و رهایی از وابستگی، فتح اولین سنگر دشمن، «تلاش برای تحقیر نیروهای خودی» است و بر عکس اولین اثر وابستگی «تحقیر و انزوای» است. به یک نمونه، از نگاه مقام معظم رهبری توجه کنید.

«یکی از کارهـای آن هـا، تحقیر و منزوی کردن جریـان ادب و هنر و فرهنگ انقلابی، در کشور است. یکی از کارهای مهمی که انقلاب کرد، این بود که یـک عـده عنصـر فرهنگی و ادیب و هنرمنـد و دارای اقتـدار فرهنگی، تربیت کرد. ... من بارها از اعمـاق دل و قلب برای این جوان هـای مؤمن و انقلابی و سوخته و گـداخته، تـأسف خورده ام که چرا بایـد جوان های به این خوبی، از کسانی که، حالا به عنوان هنرمنـد معروف شـده انـد، هیچ کم ندارند، مورد بی اعتنایی قرار بگیرند! آخر چرا؟ وقتی که انسان

۱- همان، ص ۱۴۴، به نقل از صحیفه نور، ج ۲۱، ص۱۸۵.

مطلب را، درست کاوش می کند، می بیند و به سررشتهٔ این بی اعتنایی ها می رسد به ادارهٔ خباثت آمیز در یک نقطه ای که مسئولین هم متوجه نیستند. مسئولین فرهنگی ما، مردمان خوبی هستند، منتهی به کارهایی که در سطوح متوسط انجام می گیرد، توجه ندارند، از جمله روش هایی که برای منزوی کردن نیروهای مؤمن، به کار می رود و من هم احساس می کنم که این، از آن دردهای خاموش است و انسان دوست دارد که این چیزها را، همهٔ مردم به وضوح بفهمند این است که وقتی فیلم یا آثار و فرآورده های هنری ایران در مجامع جهانی، مطرح می شود، آثاری که نشان از روحیات انقلابی داشته باشد، مورد بی اعتنایی قرار می گیرند، این مجامع جهانی، به ظاهر غیرسیاسی هستند، اما باطن قضیه، جور دیگری است... چرا در میان آثاری که این ها جایزه دادند، یک اثر انقلابی وجود ندارد، بنده احتمال می دهم که این مجامع، حتی جایزهٔ نوبل را هم بدهند به یکی از همین عناصر به اصطلاح فرهنگیِ ضد اسلامی و ضد انقلابی. برای اینکه آن ها را در دنیا، بزرگ و عناصر انقلابی را منزوی کنند، این تهاجم فرهنگی نیست؟».(۱)

این سخنان برخاسته از واقعیت های جهان عصر ماست، در سال ۱۹۹۹، خانم «فرانسیس استیونر ساندرز» کتاب جنگ سرد فرهنگی؛ سیا و جهان هنر و ادب را در ۵۰۹ صفحه، منتشر کرد. وی نشان می دهد که رئیس بخش عملیات بین المللی سیا و همکارش، طبق طرحی که «ملوین لاسکی» ارائه داد، حرکتی را آغاز کردند که به ایجاد شبکهٔ فرهنگی غول آسایی در جهان، انجامید. ساندرز این شبکه را «ناتوی فرهنگی» نامید. بودجهٔ عملیاتی

۱- سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۲۱/۵/۱۳۷۱، روزنامه اطلاعات.

آن، تنها در سال ۱۹۵۰، مبلغ ۳۴ میلیون دلار بود. سیا در چارچوب عملیات جنگ سرد فرهنگی، یک «شبکهٔ مطبوعاتی جهان شمول» ایجاد کرد که از آمریکا تا لندن، اوگاندا، خاورمیانه تا آمریکای لاتین، گسترش داشت و در تمام این دوران، مطبوعات روشنفکری متنفذی، مانند پارتیزان ریویو، کنیان ریوریو، نیولیدر، انکادنتر و... از سیا، کمک های مالی مستقیم و غیرمستقیم دریافت می کردند. به تعبیر خانم ساندرز، سازمان سیا در مقام وزارت فرهنگ «بلوک غرب»، عمل می کرد؛ برای مثال این سازمان، به شدت از جکسون پولاک و نقاشی آبستره حمایت می کرد تا در عرصهٔ هنر، سبک رو به رواج رئالیسم سیاسی را شکست دهد. در هالیوود مأموران سیا کارگردانان را ترغیب می کردند در فیلم ها، سیاهپوستان را شیک پوش نشان دهند تا آمریکا، جامعهٔ آزادتر دیده شود. فیلم «مزرعهٔ حیوانات» جرج اورال با سرمایهٔ سیا، تهیه گردید و فیلم ۱۹۸۴ اورول نیز با بودجهٔ سیا، تهیه شد. بسیاری از کتب کمپانی معروف «پراگر»، با بودجهٔ مستقیم سیا، چاپ می شد و کتاب طبقهٔ جدید سلیوان جیلاس، با پشتیبانی سیا در شمارگان وسیع در سطح دنیا، ترجمه و توزیع گردید، همین طور میلیون ها نسخه از کتاب های «ایروینگ کریستول» مجانی در دنیا، توزیع گردید. سیا در دوران جنگ سرد، هزار عنوان کتاب را با نام بنگاه های فرهنگی و انتشاراتی، تنها در ایالات متحده، منتشر کرد.(۱)

به هر صورت، «حفظ عزت اسلامی»، عامل مهمی درکاهش تحقیر، احساس بی هویتی و بسترسازی ها، برای غلتیدن در ورطهٔ وابستگی و پذیرش هجمه های فرهنگی و در نهایت، غارت و استعمار زدگی است.

ص: ۲۰۵

۱- راه رشد، ش ۱۰۲، آبان ۱۳۸۶، ص۱۲.

فضای جامعه اسلامی، بایـد به گونه ای باشد که همهٔ مظاهر زندگی اجتماعی، دلیل شخصیت و منزلت و سربلندی مسلمانان باشد و وجود چنین فضا و محیطی است که در رشد اشخاص مسلمان و احساس سربلندی آنان، اثرگذار است و موجب می شود اشخاص، این احساس را ادراک کنند که اسلام، مساوی با سربلندی است؛ لذا نظام اسلامی در سایهٔ توانمندسازی جامعه، در همهٔ ابعاد، باید مانع فراهم آمدن شرایط تحقیر شود. در سطح بین المللی نیز همین وضعیت وجود دارد و باید محیط جهانی، محیط مناسبی برای رشد و سربلندی مسلمین باشد. اسلام عزیز باشد و مسلمانان احساس عزت کنند و در سایهٔ فراهم آمدن محیط عزت و افتخار، زمینهٔ رشد اسلامی، فراهم آید. به همین دلیل، اسلام، اجازه نمی دهد کفار در محیط اسلامی سلطه داشته باشند و گر نه، یکی از زمینه های زبونی و پستی نسل آیندهٔ مسلمانان، فراهم می شود. در سطح بین المللی نیز اگر افتخار، عظمت، سیادت و عزت برای مسلمانان، پذیرفته شود، جوامع دیگر به اسلام علاقه مند خواهند شد و گر نه از آن، منزجر خواهند گردید.(۱)

ر) وظایف تبیینی و ترویجی

اشاره

دولت اسلامی برای مبارزه با عوامل هجوم فرهنگی، گروهی از وظایف تبیینی، روشنگرانه و ترویجی را برعهده دارد که بخشی از آن ها عبارتند از:

۱. ترویج فرهنگ اسلامی

فرهنگ ملت ها، ماهیت تأثیرپذیری و تأثیرگذاری دارد؛ از این رو مهاجمان، همواره با ترویج فرهنگ خود، در پی

تأثیرگذاری بر فرهنگ مورد هجوم، هستند، حتی اگر در مواردی از دشمن، عمدی هم در کار

۱- تهاجم فرهنگی، مصباح یزدی، ص ۴۹.

نباشـد، تعاملات بین المللی و اجتماعی، خود عامـل تأثیرگـذاری بر فرهنگ ها می شود و متأسـفانه همین ظرفیت، برخی را به انکار اصل هجوم فرهنگی، واداشـته است. بنابراین نظام اسـلامی مؤظف به ترویـج فرهنگ و ارزش های خود، در جامعه است. به بخشی از سوگند نامهٔ رئیس جمهور در اصل صد و بیست و یکم توجه کنید:

«من به عنوان رئیس جمهور، در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال، سوگند یاد می کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی باشم. همهٔ استعداد و صلاحیت خویش را، در راه ایفای مسئولیت هایی که بر عهـده گرفته ام، بکـار گیرم و خود را وقف خـدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویـج دین و اخلاق، پشتیبـانی از حق و گسترش عدالت سازم...».

تأکید قانون اساسی بر ترویج دین و اخلاق، نشان می دهد ماهیت ترویجی دین و اخلاق و فرهنگ، ایجاب می کند از سـکون و رضـایت به وضع موجود، در این حوزه هـا به شـدت، پرهیز شود و کارنامـهٔ نظـام، در هر لحظه و ساعت پر از تلاش ترویجی باشد تا ملت در دامان بی هویتی و تقلید فرهنگی، گرفتار نیایند و دین و فرهنگ، دچار انزوا و تحقیر نگردد. اگر سایهٔ سیاسـت های ترویجی نظام اسلامی، از سر ارزش ها و فرهنگ برداشته شود، حاصل، خانه نشینی فرهنگ و نابودی آن، خواهد بود.

توضـیح دقیق تر اینکه؛ انسـان، غرایز و گرایش هـای طبیعی دارد که به طور فطری، در نهاد او هست،ماننـد غریزهٔ جنسـی. اگر این غریزه نبود، احساس نیاز دختر و پسـر به هم، شـکل نمی گرفت و کسـی مشـکلات زندگی را به سبب ازدواج، تحمل نمی کرد. این غریزهٔ فطری است که آن ها را به تشکیل زندگی مشترک، با وجود همهٔ مشکلات، فرامی خواند؛ بنابراین وجود

غرایز، براساس حکمت است، اما همین غرایز اگر در چارچوب محدودی، اعمال نشود، موجب بروز فساد می شود. آنچه این غرایز را کنترل می کند و در چارچوب معینی نگه می دارد، گرایش به ارزش های روحی، معنوی، و پذیرش و باور یک سلسله از ارزش هاست؛ مانند پذیرش عفت، عبادت، خدا محوری و ... .

بعثت انبیا هم برای این بود که این باور بازدارنده و پیشگیرانه را در بشر، ایجاد کنند و به رشد و تزکیه او، در سایهٔ حرکت در داخل محدوده، کمک کنند.

{لَقَدْ مَنّ اللّهُ عَلَی الْمُؤْمِنینَ إِذْ بَعَثَ فیهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفی ضَلالٍ مُبینٍ}؛(۱)

«به یقین، بر مؤمنان منت نهاد، هنگامی که در میان آنان، فرستاده ای از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان، بخواند و رشدشان دهد و کتاب و فرزانگی، به آن ها بیاموزد، در حالی که، قطعاً پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند».

در برابر مخالفان، انبیا در تلاش هستند این محدوده ها را بشکنند و برای وصول به منافع خود، مانع کنترل غرایز و نظام مندی بهره برداری از آن، شوند. از این رو مثلاً غول های سرمایه داری که حیاتشان در تولید و مصرف بیشتر است، تلاش می کنند با شکستن محدوده های مصرف گرایی، مردم، هر چه بیشتر می توانند مصرف کنند، ارضای جنسی شوند، بخورند، و ... خلاصه، فرهنگ غریزهِ محوری را در جامعهٔ بشری، بگسترانند و غریزه را که «ابزار رسیدن به اهداف عالی» بود، به «هدف نهایی» تبدیل کنند.

ص: ۲۰۸

۱- آل عمران / ۱۶۴.

سؤال این جاست که اگر در جامعه دو عامل به وجود می آمد:

(۱). موافق گرایش و غرایز طبیعی (فرهنگ مورد علاقه سودجویان)؛

(۲). مخالف و محدودساز گرایش های غریزی، کدام عامل خود به خود موفق خواهد بود؟ روشن است که فرهنگ موافق غریزه خود به خود، موفق خواهد شد؛ چون موافق غریزه، است. همین نکتهٔ مهم، لزوم تبلیغ و ترویج ارزش ها و باورهای پیشگیرانه و معنوی را نشان می دهد، زیرا بدون تبلیغ و ترویج، گرایش مذکور به انزوا، کشیده خواهد شد، بنابراین نظام اسلامی علاوه بر وظایف سلبی، وظیفهٔ ایجابی گسترش ارزش ها و فرهنگ اسلامی را برای مقابله با هجمهٔ فرهنگی به عهده دارد و باید برای ساماندهی تلاش های خود، در این ارتباط و کارآمدسازی آن، بیش از گذشته بکوشد.

۲. پویاسازی احساسات و عواطف

بحث و گفت وگو دربارهٔ هر یک از ارزش های اسلامی، ذکر فوائد هر کدام و بیان اولویت ها برای مبارزه با روش ها و شیوه های غلط و... راهکار مناسبی برای ترویج ارزش هاست. با این حال تبلیغات، عملی که همان تحریک احساسات و عواطف است، نقش کاراتری دارد؛ همان چیزی که دستگاه های تبلیغی غرب، برای مبارزه با ارزش های اسلامی، استفاده می کنند.

آنان، آنچه مربوط به نوشتار و روزنامه، کتاب، نمایشنامه و ... است، به صورتی منظم و مسلّم، به خواننده، تلقین می کنند که او ناخواسته، می پذیرد. همین شیوه در فیلم ها و ... هم به کار گرفته می شود و بدون نام بردن از شیوهٔ رفتاریِ خاص، عملاً شیوهٔ مورد نظر را ترویج و تثبیت می کنند.(۱) نظام

ص: ۲۰۹

۱- تهاجم فرهنگی، مصباح یزدی، ص ۳۱۴ - ۱۴۳.

اسلامی، باید از همین شیوه ها برای پاسخ، سود ببرد و با رخنه به فرهنگ و اعتقادات، مبارزه کند.

۳. احیای اجتماعات مذهبی

گام دیگر برای تحقق وظایف ترویجی و تبیینی دولت، احیا و گسترش اجتماعات مذهبی است؛ زیرا تأثیر محیطی این مراکز بر پیشگیری از جرایم و هویت سازی و تقویت هویت دینی و احیای اعتماد به نفس مذهبی، کاملاً و به گونهٔ مشهود، روشن است. این جلسات در سطوح مختلف، «شناخت ها، ارزش و رفتارهای اسلامی» را ترویج و تبیین می کنند. با هدایت و راهنمایی متخصص ترین و متعهد ترین گروه های اجتماعی، به احیا و حفظ ارزش های دینی و جلوگیری از انحراف، بی هویتی، تقلید فرهنگ و اضمحلال نظام هویتی، کمک می کنند. روایات متعددی بر نقش جلسات مذکور و اجتماعات دینی، تأکید دارند؛ برای نمونه، دربارهٔ یکی از این مراکز، امام حسن(علیه السّلام) می فرماید:

«من ادام الاختلاف الی المسجد اصاب احدی ثمان؛ آیه محکمه، واخاٌ مستفاداً و علماٌ مستطرفاً و رحمه منتظره و کلمهً تدلّه علی الهدی، او تّرده عن ردی و ترک الذنوب حیاءً؛ او خشیهً»؛(۱)

«کسی که پیوسته به مسجد رفت و آمد کند، به یکی از هشت چیز، می رسد: ۱. آیه ای استوار؛ ۲. برادری مورد استفاده؛ ۳. علمی جدید؛ ۴. رحمتی مورد انتظار؛ ۵. کلمه ای که به هدایت، راهنمایی اش کند؛ ۶. یا از بدی باز دارد؛ ۷. ترک گناه از روی حیا؛ ۸. یا از روی خشیت و ترس خدا.

۱- تحف العقول، ص۲۵۸.

از جمله کارکردهای مسجد، به عنوان یک مجتمع اسلامی، توان پیشگیری آن از گناهان و جرایم است که در این حدیث، مورد تأکید قرار دارد. روشن است که دیگر اجتماعات اسلامی هم به فراخور هم راستایی با اهداف مراکز دینی، مثل مسجد، توان بازداری از گناه و احیای ارزش ها و ترویج و تبیین آن ها را به عهده دارند.

۴. تبیین اهداف مهاجمان

دستگاه های رسانه ای و آموزشی و فرهنگ ساز نظام اسلامی، باید همت خود را برای تبیین تبلیغات مهاجمان و خنثی سازی آن، به کار گیرند و برای مردم، روشن سازند که تلاش دشمن به کاربردن شیوه های استعماری، برای حاکم کردن ارزش های ضد اسلامی است. این یک موضع تدافعی است، در عین حال، به دلیل عقب ماندگی های تاریخی و فن آورانه و وابستگی به فراورده های تبلیغی و هنری غرب، چاره ای جز کاربست سیاست های تبیینی در این حوزه، وجود ندارد.

ز) هجوم متقابل

نظام فرهنگی کشور، باید بتواند خود را برای تعاملی فعال و تأثیرگذار در عرصهٔ فرهنگی، آماده کند و دشمنان را به انفعال و چالش وا دارد و فرصت تأثیرگذاری و هجوم یک جانبه را از آنان، بگیرد. تنها در این صورت است که جریان یک طرفه و لجام گسیختهٔ هجوم و تأثیرگذاری، کنترل پذیر و برای دشمنان، هزینه دار خواهد شد. اما در انفعال فرهنگی، همواره گروه مورد حمله، هزینهٔ هجوم و دفاع را می پردازد و مهاجم فرهنگی، همواره در حال پیشروی است. نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی، مراکز هنری و ارتباطات و ... جملگی این وظیفهٔ مهم را در بخش نرم افزاری و سخت افزاری، برعهده دارند، و باید افرادی را برای تعامل فعال

و تأثیرگذار در همهٔ عرصه های یاد شده، پرورش دهند و به کار گیرند. پیامبران الهی، هر یک در عصر خود، این تعامل فعال و تأثیرگذار را به مرحله اجرا در آورده اند و فرهنگ مردم را با جهت دهی اعتقادی و الهی، اصلاح کرده اند.(۱)

س) بازسازی فرهنگی

مهم ترین وظیفهٔ نظام اسلامی، پرکردن خلأهایی است که عامل نفوذ فرهنگ مهاجم می شود یا مقدمات سستی و اضمحلال ارزش ها را فراهم می آورد یا عامل انزوا و مهجور بودن مؤلفه های فرهنگ اسلامی می گردد. در یک کلام، نظام اسلامی، باید به ترمیم و بازسازی مدام نظام فرهنگی، مبتنی بر اهداف حکومت اسلامی، سازوکارها و ساختار و برنامه های کاملاً روشن، اقدام کند.

شاید بتوان ادعا کرد، بزرگ ترین کمبود جامعهٔ اسلامی ما، در بخش فرهنگی است. در حالی که در حرکت های انبیای الهی هرگز این کمبود، وجود نداشت و تمام حوزه های دیگر (اقتصاد، اجتماع، سیاست، ...)، به عنوان ابزار بعد فرهنگی و معنوی، عمل می کرد. جامعهٔ اسلامی و در رأس آن، نظام اسلامی باید به بازسازی فرهنگی از طریق احیا، ترویج و تثبیت اندیشه های الهی و ارزشی اسلامی و مبارزه با اندیشه های رقیب، بپردازد و نشر فرهنگ اسلامی را بر هر خدمت دیگر مقدم دارد.

۱- ر.ک.به: شعراء/۶۹؛ قصص۳-۸، آل عمران/۱۴۶، انعام/۱۱۲؛ اعراف/۱۵۸؛ انفال/۶۵؛ توبه/۷۳؛ تحریم/۹، بقره۴۷.

ش) گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و آثار ترک آن

اشاره

امر به معروف و نهی از منکر، نقش بسیار مهمی در مقابله با هجمهٔ فرهنگی، به عهده دارد؛ چه بخش دولتی آن و چه بخش عمومی اش. امر به معروف و نهی از منکر موجب می شود ارزش ها، همواره در صحنه بمانند و هرگز دچار انزوا و فراموشی نشوند، این، اولین گام برای محافظت از هویت فرهنگی است، همان طور که تلاش برای به محاق بردن و انزوای ارزش ها، اولین گام مهاجمان فرهنگی برای ایجاد خلأ فرهنگی و بعد تقلید فرهنگی است؛ لذا امام حسین(علیه السّلام) به نقل از امیرمؤمنان فرمود:

«انها اذا ادّیت واقیمت استقامت الفرائض کلها هیّنها و صعبها و ذلک لان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر دعاء الی الاسلام مع رد المظالم و مخالفه الظالم و قسمه الفیء و الغنائم واخذ الصدقات من مواضعها و وضعها فی حقّها»(۱)

«وقتی امر به معروف و نهی از منکر، انجام و بر پا داشته شود، همهٔ واجب ها الهی از ساده و دشوارش، به پا داشته می شود، چون امر به معروف و نهی از منکر، مردم را به اسلام فرامی خواند، مظالم (حقوق مردم) را به آن ها بر می گرداند. با ستمگر، به مخالفت برمی خیزد و فیء و غنائم را تقسیم می کند و صدقات را از محل آن، می گیرد و در جای خود، مصرف می کند».

از این رو اگر امر و نهی صورت گیرد، موجب ماندگاری ارزش ها و تزلزل ضد ارزش ها می شود، بنابراین آمر و ناهی هم به اندازهٔ عامل به معروف و تارک از منکر، در احیا و عمل به ارزش ها، نقش پیدا می کند و به این دلیل است که رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمود:

۱- تحف العقول ، ص ۲۴۱.

«مـن امر بمعروف او نهی عـن المنکر او دل علی خیر او اشـاربه فهـو شـریک و مـن امر بسـوءٍ او دل علیـه او اشـاره بـه فهو شریک»؛(1)

«هر کس، به معروف امر و از منکر، نهی کنـد یـا به نیکی، راهنمـایی یا به آن، اشاره کنـد، در آن، شـریک است و هر کس به بدی، امر کند یا به آن، راهنمایی یا اشاره نماید، در آن شریک است».

اساساً حفظ سلامت دین، به همین امر به معروف و نهی از منکر، وابسته است: امام علی(علیه السّلام) فرمود:

«ثلاث خصال من کن فیه سـلمته الدنیا و الآخره: من امر بالمعروف و أئتمر به و نهی عن المنکر و انتهی عنه و حافظ علی حدود الله»؛(2)

«سه ویژگی در هر کس باشد، دنیا و آخرت برای او، سالم می ماند: کسـی که به معروف، فرمان دهد و خود هم، آن را بپذیرد و نهی از منکر کند و خود هم، از آن بازایستد و بر حدود خداحافظ باشد».

به همین میزان هم ترک امر به معروف و نهی از منکر، عامل سـقوط ارزش ها و فرهنگ اسلامی است، فراموشی این دو فریضهٔ بزرگ الهی، آثار زیان باری دارد که به چند مورد آن اشاره می شود.

1- وسائل الشیعه، ج۱۱، ص۳۶۸.

2- امالی مفید، ص ۱۳۰.

برخی آثار ترک دو فریضه

(۱). سلطه اشرار

رسول خدا فرمود:

«تا زمانی که مردم، امر به معروف و نهی از منکر، می کنند و همدیگر را در نیکی، یاری می رسانند، همواره در خیر و سعادت، خواهند بود و گر نه برکت ها و خیر الهی از آنان، گرفته خواهد شد و برخی بر دیگران، مسلط خواهند شد و یاوری در زمین و آسمان، نخواهند داشت».(۱)

(۲). هلاکت و نابودی

امام علی(علیه السّلام) فرمود:

«کسانی از امت های پیش از شما، هلاک نشدند؛ مگر به علت اینکه، گناه کردند و ربّانیان و دانشمندان، آن ها را نهی نمی کردند، پس قبل از آنکه بر سر شما، همان بیاید که بر سر آنان آمد، امر به معروف و نهی از منکر کنید».(۲)

(۳). حساسیت زدایی

اگر امر به معروف، ترک شود و نهی از منکر، صورت نگیرد، حساسیت ها در برابر غلبهٔ فرهنگ مهاجم، به مرور کاهش خواهد یافت. امام علی(علیه السّلام) در قالب یک مثال به نقل از رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)، این حساسیت زدایی را چنین توضیح می دهد:

«هر مردی از فجور در خانه اش، چیزی ببیند و آن را اصلاح نکند، خداوند پرنده ای سفید را برمی انگیزد که چهل صبح بر در خانه

ص: ۲۱۵

۱- تهذیب الاحکام، ج۶، ص ۱۸۱ ، ح۲۲.

۲- اصول کافی، ج۵، ص۵۷، ور .ک. به: به سوی فردای بهتر، محمد عابدی، ص ۱۰۳ - ۱۰۹.

او، پر می گستراند و هرگاه او به خانه وارد یا از آن، خارج شود، می گوید: اصلاح کن، اصلاح کن! اگر اصلاح کرد (به وظیفه اش عمل کرده است) و اگر اصلاح نکرد، پرنده بال خود را بر چشم او،می کشد، پس اگر او به خوبی بنگرد، خوب نمی بیند و اگر به زشتی بنگرد، زشت نمی بیند.»(۱)

(۴). استحالهٔ ارزشها

امیرمؤمنان(علیه السّلام) فرمود:

«پس از من، زمانی برای شما فرا می رسد که چیزی پنهان تر از حق و آشکارتر از باطل، نیست؛ زمانی که دروغ بستن به خدا و رسول، بر هر چیزی فزونی می گیرد، قرآن اگر به گونه ای بایسته تلاوت شود، بی مقدارترین کالاها نزد مردم، می شود و زمانی که در جایگاه خود، قرار نگیرد و تحریف شود، گران ترین چیزها می شود. در تمام شهرها، معروف ناشناخته ترین و منکر، شناخته ترین ها می شود».(۲)

این همه، گواه آن است که احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، از سوی نظام اسلامی و زمینه سازی برای آن، از وظایف ذاتی حکومت اسلامی است.

حکومت، باید ظرفیت پذیرش امر به معروف و نهی از منکرهای مردمی خود را به آنان، در عمل نشان دهد و در عمل، آنان را به سوی احیای این فرایض بکشاند.

۱- مستدرک الوسائل، ج۱۲، ص۲۰۰، به نقل از همان، ص۱۰۶.

۲- همان، ص۱۰۷.

ص) تقویت جایگاه ولایت فقیه

هر محقق و ناظر منصفی باور دارد که طوفان های سهمگین و بنیان کن بعد از انقلاب، به دلیل حضور مقتدر و امن ولایت فقیه، نتوانسته اند نظام اسلامی را ساقط کند. از این رو، تمام تلاش مهاجمان فرهنگی، متوجه این رکن اساسی، شده است تا با نابودی آن، ساختار نظام اسلامی را درهم بشکند و آن را به ساختاری نفوذپذیر در برابر سلطه، تبدیل کنند.

«فقاهت باید برود تا جامعه دوباره بر روال و مدار رشد و ترقی قرار بگیرد، در چارچوب فقه، نمی شود رشد کرد...»(۱)

«بدون پرده پوشی بگویم که ما، هم خواستار جایگزینی جمهوری اسلامی با یک جمهوری لائیک هستیم و در این، هیچ تعارفی نداریم».(۲)

یکی از نشریات کشورمان می نویسد:

«فقه، علمی دنیوی است و با آن، نمی توان جامعه ای آرمانی – ایمانی ساخت».(۳)

نشریهٔ دیگر کشورمان می نویسد:

«اگر به مذهب و سنت های مکاتب الهی هم معتقد نباشیم، با قوانین طبیعی می توانیم برای خود، هویتی استوار فراهم کنیم».(۴)

نشریه ای ضد انقلابی معتقد است:

«فرهنگ لائیک و غیر اسلامی، هر چه بالنده تر و منفذتر شود، جا را برای فرهنگ ولایت فقیهی تنگ می کند و این مسئله، بدون

۱- هویت، ص ۳۹.

۲- همان، ص ۴۲ – ۴۳.

۳- همان.

۴- همان.

شک محدود به حوزهٔ فرهنگ، نخواهد بود و به میدان سیاست نیز سرایت خواهد کرد».(۱)

نتیجهٔ کنفرانسی که در ۱۴ مرداد ۱۳۷۴ در اشتوتگارت آلمان، برگزار شد، چنین اعلام گردید:

«شرکت کنندگان در این کنفرانس، بر یک نکته تأکید داشته و آن، لزوم نفی قانون اساسی جمهوری اسلامی، به دلیل وجود اصل ولایت فقیه است».(۲)

علاوه بر تلاش های خارجی، پیادهٔ نظام هجوم فرهنگی در داخل نیز تلاش گسترده ای برای از میدان به درکردن ولایت فقیه، در موعدهای مساعد، انجام می دهد. سال های ۱۳۷۷ و حوالی آن، از جمله این فرصت های طلایی برای بروز و ظهور چهرهٔ پیاده نظام یاد شده بود، که برای همیشه خود را رسوا کرد و نشان داد که اگر مسئولان نظام اسلامی، به فکر تقویت این اصل مهم و سلطه ستیز نباشند، دشمنان داخلی و خارجی، کمر همت برای نابودی آن، خواهند بست. تنها به گوشه ای از این تلاش ها توجه کنید.

«در حیطهٔ ولایت سیاسی، حتی ائمه هم، وجوب اطاعت ندارند چه رسد به ولایت فقیه».(۳)

«جامعهٔ ولایی، انحصارگر و مستبد است و ارزشی برای توده ها، قائل نیست».(۴)

«ولایت فقیه نه از اصول دین است نه از فروع دین و هیچ دلیلی بر آن، اقامه نشده است».(۵)

۱- همان.

۲- همان.

۳- آزادی یا توطئه، به اهتمام جمعی از فضلا و روحانیون حوزهٔ علمیه قم، ص۱۰۷.

۴- همان.

۵- همان.

«ولایت فقیه، یعنی حکومت توتالیز و ضد مردمی».(۱)

«ولایت فقیه، در نحوهٔ ارتباط با مردم و رعایت حقوق آن ها، گرفتار تناقضات بسیاری است».(۲)

«ولایت مطلقهٔ فقیه، همان حکومت مطلقهٔ سلطنتی است».(۳)

«مدیریت سیاسی و ادارهٔ حکومت، با تخصص فقها ناسازگار است، پس بهتر که فقیه، صرفاً ناظر حکومت باشد».(۴)

«نظریهٔ وصایت و شورا که پس از پیامبر، اجرا گردید، می تواند جانشینی برای نظریهٔ ولایت فقیه بعد از دوران ائمه باشد».(۵)

«در درون حاکمیت هم، زمزمه هایی در مورد تعدیل ولایت فقیه، به گوش می رسد. همهٔ تشنجات و بحران ها و اعمال زورها در حقیقت، به کاربردن زور است برای نگه داشتن چیزی که عمر آن، به سر آمده است».(۶)

حقیقت این است که ولایت فقیه، عقبه و تکیه گاه دفاع فرهنگی در برابر سلطه جویی فرهنگ مهاجم است. سوگمندانه در حالی که دشمن آگاهانه، به منابع قدرت ما می تازد و رکن اصلی مدافع هویت فرهنگی ما را، نشانه می گیرد، برخی این چنین در داخل کشور اسلامی به آن،

می تازند و می کوشند با کنار زدن ولایت فقیه، استقلال فرهنگی ایران اسلامی را، لکه دار و فرهنگ اسلامی ایران را، خلع سلاح کنند.

۱- همان.

۲- همان، ص۱۰۸.

۳- همان.

۴- همان، ص ۱۱۰

۵- همان، ص ۱۱۱.

۶- همان.

به راستی بایـد پرسـید، نهادهـا و سازمان های فرهنگی و مراکز تولیـد فرهنگ و انـدیشه نظام اسـلامی، سازمان های فرهنگی و آموزشـی و رسانه ای حکومت اسلامی، تاکنون چه حساسیت ها و طراحی ها و ساختارهایی برای دفاع از این رکن مقتدر و در عین حـال مظلوم نظـام اسـلامی، ارائه کرده انـد و در جهت روشن گری و دفـاع فکری و آموزش آن به نسـل هـای آینـده، چه اقداماتی انجام داده اند؟

ولایت فقیه، ضامن اقامهٔ واجبات و مبارزه با همهٔ گناهان و جرایم و منکرات است. آیا در نظام فکری نسل جوان، چقدر به این موضوع پرداخته ایم؟

ض) نگاهی به نقش اقلیت ها در بسترسازی برای جرم و گناه

جامعـهٔ اسـلامیماننـد هر جامعـهٔ دیگر، پـذیرای اقلیت هایی است که با پـذیرش حاکمیت اسـلامی، در سـرزمین های اسـلامی زندگی می کنند.

«ایرانیان زردشتی، کلیمی و مسیحی، تنها اقلیت های دینی شـناخته می شونـد که در حـدود قانون، در انجام مراسم دینی خود، آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود، عمل می کنند».(۱)

«احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسـی و صـنفی و انجمن های اسـلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده، آزادند؛ مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند...».(۲)

۱- اصل سیزدهم قانون اساسی.

۲- اصل بیست و ششم قانون اساسی.

علاوه بر این ها، اقلیت هایی هم وجود دارند که به طور غیر قانونی به فعالیت می پردازند و آثار تخریبی خطرناک و بنیان براندازی دارند.

واقعیت این است که مشروط کردن فعالیت اقلیت ها به عدم نقض «استقلال» ، «آزادی»، «وحدت ملی»، «موازین اسلامی»، «اساس جمهوری اسلامی» گویای آگاهی قانون گذار از خطرهای اقلیت ها برای جامعهٔ اسلامی و نقشی است که در بسترسازی برای جرایم و گناهان دارند. اما آیا نظام اسلامی سازوکارهای روشن، برای پیشگیری از بسترسازی های ناشی از فعالیت های اقلیت های رسمی و غیر قانونی دارد؟ اصولاً چه وظایف تعریف شده ای در این ارتباط طراحی شده است؟

صدها آیه، در قرآن کریم به تبیین وضعیت اقلیت های یهودی، (۱)مسیحی، و خطرهای آن ها برای نظام اسلامی و راهکارهای رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) برای مقابله و پیشگیری از خطرهای آنان در عین زندگی مسالمت آمیز دارد.

تلاش برای خلع سلاح علمی مسلمانان، انکار رسالت رسول خدا، کارشکنی ها و پیمان شکنی ها، تحریم ها و فشارهای اقتصادی، با هدف ایجاد خلل در عقاید مسلمانان، شبهه افکنی برای برگرداندن از عقاید اسلامی، کتمان حقایق مربوط به رسالت رسول خاتم، انکار اصل نزول قرآن، مبارزه با یهودیان مسلمان شده، محاصرهٔ اقتصادی مسلمانان، همدستی با منافقان داخلی، تفرقه افکنی، حرمت شکنی، تحقیر مسلمانان، شرکت در جنگ های داخلی، آزار رسول خدا در قالب هنر شعر و ... طراحی نقشهٔ قتل رسول اکرم، روشن کردن شعلهٔ جنگ ها (مانند جنگ خندق و خیبر و...)، علیه مسلمانان، تعهد به دشمن خارجی، مسموم کردن رسول خدا و ...(۲) تنها

۱- ر.ک. به : فصلنامهٔ فرهنگ کوثر، ش۵، تابستان ۱۳۸۱، ش ۵۰، ص۱۷ - ۳۶، کارشکنی های یهود در مصاف با حکومت نبوی، محمد عابدی.

۲- همان.

گوشه ای از خطرهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و آموزشی، و ... است که می توانند از سوی اقلیت ها، جامعهٔ اسلامی را تهدید کند و راز تأکید قانون اساسی بر مشروط بودن فعالیت و آزادی آنان به استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی، و اصل جمهوری اسلامی نیز در همین قابلیت ها نهفته است. سیاست نظام اسلامی، باید به طور روشن، راهکارهای اصولی برای کاهش خطر این گروه های دینی و سیاسی، داشته باشد. به ویژه در عصر ما که نقش آنان، در جرم گستری در حوزه هایی چون حجاب و پوشش، ظواهر و شعائر اسلامی، ربا و مسائل اقتصادی، فسادهای جنسی و ... بر کسی پوشیده نیست. این سخن، به معنای اقلیت ستیزی، نیست، بلکه هدف، تلاش برای ایجاد همان محیط مسالمت آمیزی است که اقلیت ها و مسلمانان برای تأمین آن، به توافق رسیده اند.

امام علی(علیه السّلام) به این ظرفیت فسادگستری توجه داشت؛ از این رو آن ها را ملزم به رعایت هنجارهای جامعهٔ اسلامی می کرد و در صورت تخلف، قطعاً مجازات می نمود. ابی بصیر از امام صادق یا باقر(علیهماالسّلام) نقل می کند:

«کان علی(علیه السّلام) یضرب فی الخمر و النبیذ ثمانین الحر و العبد و الیهودی و النصرانی»؛

« روش امام علی(علیه السّلام)، این بود که در مورد خمر و نبیذ، هشتاد ضرب می زد، به آزاد، بنده، یهودی و نصرانی».

ابی بصیر پرسید: چرا یهودی و نصرانی را؟ فرمود:

«لیس لهم ان یظهروا شربه، یکون ذلک فی بیوتهم»؛

«آن ها حق ندارند شراب خواری را اظهار کنند، بلکه باید در خانه شان باشد».(۱)

ص: ۲۲۲

۱- وسائل الشیعه، ج۱۸، ص۴۷۱، ابواب حد المسکر، باب ۶، ح۱.

اگر چنانچه اقلیت ها، هنجارهای اسلامی را قبول نداشته باشند، نظام اسلامی موظف است، وضعیتی به وجود آورد که آن ها، توان اظهار خلاف نداشته باشند. در این روایت امام، هزینهٔ خلاف را چنان بالا می برد که توان پیشگیری ایجاد کند، و گر نه اظهار منکر به اشاعهٔ آن، خواهد انجامید؛ چه عامل آن مسلمان باشد، چه اقلیت ها که منکری را آشکار انجام دهند.

{ إِنّ الّذینَ یُحِبّونَ أَنْ تَشیعَ الْفاحِشَهُ فِی الّذینَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَلیمٌ فِی الدّنْیا وَ اْلآخِرَهِ}؛(۱)

واقعیت ها، نشان می دهد اقلیت های موجود، در صورت نبود مانع عملی بر سر راهشان، به جز کشاندن آداب و هنجارهای خود به صحنهٔ اجتماع مسلمین و تظاهر به

اموری که از نگاه اسلام، فحشا و گناه شمرده می شود، تلاش وسیعی هم برای اثبات خود و گسترش دادن ترویج آیین و مذهبشان، خواهند کرد. برخی تشکّل های مسیحیان ایران، کتاب های انجیل، با ترجمهٔ تفسیری آن را از مناطق مرزی تهیه می کردند و در تهران، رایگان یا با تخفیف ویژه، در اختیار جوانان قرار دادند. آنان، حتی از محیط فرهنگی ایران، استفاده و کتاب های تبلیغی مسیحیت را چاپ می کنند و کشور مسلمان و بحران زدهٔ افغانستان را آماج هجوم تبلیغی خود، قرار می دهند.

جزواتی در تبلیغ آیین خود، چاپ و در مناطق مختلف به ویژه فقیرنشین، پخش می کنند. برای نمونه، این کار توسط کمیسارای سازمان ملل متحد، به همراه کمک های غذایی در منطقهٔ کهریزک تهران نیز انجام شد. جلساتی با عنوان مسیح شناسی در برخی مناطق برگزار می کنند، سی دی با مضامین مذکور، در میان مردم، به رایگان توزیع می کنند. فعالیت های تبشیری توسط کلیساها انجام می دهند و اخیراً برای جذب مسلمانان به جای

۱- نور / ۱۹.

شراب، از آب سیب، در مراسم خود استفاده می کنند و به تازگی خواهان ایجاد شبکهٔ تلویزیون «نجات»، در ایران شده اند.(۱)

وضعیت دربارهٔ یهویان از این هم، عجیب تر است. مساوی دانستن فراموشی اورشالیم با خشک شدن دست راست، توجه دائمی به اورشالیم در دعاها، به نیکی یادکردن از عناصر صهیونیست ایرانی رژیم طاغوت، همنوایی با دیگر یهودیان در طرح شعار سال اورشالیم، ارتباط پنهانی با صهیونیسم، رایزنی با صهیونیست های آمریکایی برای برقراری رابطه با ایران و... از اهداف سازمان های یهودی ایران، پرده برمی دارند. بعد از انقلاب، آنان سازوکارهای جدیدی برای ادامهٔ فعالیت عناصر صهیونیست ایرانی – به عنوان بدل سفارت – طراحی کردند. تلاش برای در دست داشتن شریان های اقتصادی و تجاری، حضور در عرصهٔ علم و فرهنگ و صنعت و هنر از جمله اقدامات آن هاست. یکی از انجمن های آنان که به تشکیل نهادها و مراکز خاص یهودیان اقدام کرده و برای رسمیت بخشیدن به آن، هم مجوز ها و اساسنامه های مربوطه را تهیه نموده است، بعد از انقلاب هم با تجدید نظر در اساسنامهٔ خود، مجوز لازم را اخذ کرد.

ارتباط با بیگانگان، برای حفظ ارتباط با صهیونیسم، جاسوسی رسمی، گرفتن امتیاز از نظام، با رایزنی با سفرای خارجی، تثبیت موقعیت یهودیان خارجی در اقتصاد و فرهنگ با عناوین رسمی مبادلات علمی، فرهنگی مذهبی، از جمله این کارهاست. کمیتهٔ فرهنگی این گروه، در سال های اخیر بر دامنهٔ اهمیت خود، افزوده است و اقداماتی از این دست انجام داده است:

(۱). فعالیت گسترده در عرصهٔ مطبوعات و کتاب؛

۱- سیری در اخبار و تحلیل ها، ش ۲۰/۱۰/۸۴ ،ص۳۹.

۲. برنامه ریزی در عرصهٔ سینما، موسیقی، صدا و سیما. در همین رابطه، شرکتی تشکیل داده اند که در سال های اخیر، به یکی از کانون های اصلی تهاجم فرهنگی علیه نظام اسلامی تبدیل شده است و در زمینهٔ ابتذال سینمای کشور، نقش بسیار مهمی بر دوش کشیده است.

علاوه بر این اقلیت های غیرقانونی نیز بستری جرم زا، پدید می آوردند.

وهابیان، از جمله این گروه ها هستند، برای نمونه، آنان فردی به نام محمد اسلام زومک هی از چهره های مردمی بلوچ را به جرم تشیع با شلیک ده ها گلوله به شهادت رساندند.(۱)

شبهات گسترده ای علیه شیعیان ایجاد می کنند؛(۲) در ایام حج، میلیون ها نسخه کتاب، در نقد و تضعیف شیعه، چاپ و منتشر می کنند و در اختیار زائران ایرانی، قرار می دهند.(۳)

بهائیان چنان تلاش منسجمی انجام می دهند که در ضیافتی که در اصفهان، برگزار کردند، قضیهٔ حذف کلمهٔ دین اسلام، از کارنامهٔ داوطلبان بهایی در کنکور سراسری را حاصل استقامت خود و فشارهای بین المللی می دانند. محفل ملی بهائیان، هماهنگ کنندهٔ اقدامات این گروه گمراه است.(۴) حتی گاهی روزنامه های دولتی هم متأثر از تبلیغات و فشارها، به تبلیغ آن ها می پردازند.(۵)

برخی فرهنگ سراهای پایتخت، برای گردهمایی ها در خدمت فرقهٔ اهل حق، قرار می گیرد تا برای مثال همایش «موسیقی برای ذهن»، برگزار شود.

ص: ۲۲۵

۱- سیری در اخبار و تحلیل ها، ش۹، تاریخ ۱۱/۱۱/۸۴، سال نهم، ص۴۰.

۲- همان، ش۴، تاریخ ۹/۴/۸۶، س۱۱، ص۴۷.

۳- همان، ش۶، تاریخ ۲۲/۸/۸۴، ش۹، ص۲۱.

۴- برگزیدهٔ اخبار، ش۱۲، تاریخ ۵/۹/۸۳، سی و هشتم، ص۴۲.

۵- ر.ک. به: روزنامهٔ ایران، ۱۰/۱۰/۸۳.

فرقه ای منحرف و فاسد از لحاظ اعتقاد و اخلاق مثل «فرقهٔ ذهبیهٔ احمدی» به ساخت و تجدید بنای خانقاه در دزفول، می پردازد و... .(۱)

این ها همه، نمونه ای از ده ها گروه و فرقه مذهبی و سیاسی است که به عنوان اقلیت های قانونی و غیرقانونی، تأثیری مهم در بسترسازی برای جرایم و گناهان در جامعهٔ اسلامی، ایفا می کنند و از وظایف دولت اسلامی است که به مقابلهٔ ارشادی و قانونی با این گروه ها بپردازد و اجازهٔ خروج از قانون، به آن ها ندهد. اما به راستی ابزارها و سازوکارهای چنین سیاست پیشگیرانه، تاکنون چه بوده و چه ثمری داشته است؟ در پایان یادآوری می گردد، شناخت وظایف دولت در پیشگیری از جرم و ایجاد ساختار مناسب برای آن، پژوهشکده ای قوی و با اخلاص و ایمان، لازم دارد و پیوند نزدیک بین پژوهش و اطلاع رسانی و اقدامات اجرائی را می طلبد.

والسلام

۱- برگزیدهٔ اخبار، ش۱۶، تاریخ ۲۴/۱۰/۸۳، سی و هشتم، ص۴۸.

منابع و مآخذ

الف: قرآن و تفسیر

۱. قرآن کریم، ترجمهٔ گروهی (دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و دیگران)، ج۲، دارالذکر، قم، ۱۳۸۴.

۲. تفسیر کبیر(مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، دارالکتب العلمیه، ج دوم، تهران.

۳. تفسیر نور الثقلین، عبدالعلی الحویزی، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.

۴. تفسیر نور، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ج۱۲، قم، ۱۳۸۶هق.

۵. مجمع البیان، طبرسی، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۳هق.

۶. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی، مؤسسه النشر الاسلامی، التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، قم.

۷. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب السلامیه، ج۱۶، تهران، ۱۳۶۲.

۸. التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰هـ ق.

۹. تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم)، ابن کثیر، داراحیاء الکتب العربیه، مصر.

۱۰. آشنایی با قرآن، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ج اول، تهران، ۱۳۶۹هـش.

۱۱. تفسیر موضوعی «پیام قرآن»، ناصر مکارم شیرازی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم، چ اول، ۱۳۷۴هـق.

۱۲. المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، محمد فؤاد، عبدالباقی، انتشارات اسلامیه، قم، چ هشتم، ۱۳۸۶هـق.

۱۳. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، مولی فتح الله کاشانی، کتاب فروشی الاسلامیه، تهران، ۱۳۴۶هـش.

۱۴. اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی، ۳ج، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم، چ دوم، ۱۳۸۲هـش.

۱۵. التفسیر القرآن المجید، المستخرج من تراث الشیخ المفید، سید محمد علی ایازی، مرکز الثقافهٔ و المعارف القرآنیه، بوستان کتاب، قم، چ اول، ۱۳۸۲هـش.

ب: روایت و فقه

۱۶. نهج البلاغه، ترجمهٔ محمد دشتی، انتشارات شاکر، قم، چ اول، ۱۳۷۹هـش.

۱۷. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حرّ عاملی، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۲هـق.

۱۸. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۹هـق.

۱۹. غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد آمدی، متعدد و شرح و فهرست آن.

۲۰. بحارالانوار، علامه محمد باقر مجلسی، موسسه آل البیت، بیروت، ۱۴۰۴هـق.

۲۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، موسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۷هـق.

ص: ۲۲۸

۲۲. صحیح بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، مطابع الشعب، ۱۳۷۸هـق.

۲۳. قرض الحسنه، محمد حسین ابراهیمی، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱هـش.

۲۴. چهل حدیث استقلال، محمد عابدی، نشر معروف، قم.

۲۵. الحکومه الاسـلامیه فی احادیث الشیعه الامامیه، غلامرضا سلطانی، حسین مظاهری،ابوالحسن مصلحی، محسن خرازی، رضا استادی، مؤسسهٔ انتشارات در راه حق، قم، ۱۳۶۸هـش.

۲۶. الحیاه، محمد رضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ سوم، ۱۳۶۰.

۲۷. احتجاج، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، نجف، ۱۳۸۶هـق.

۲۸. فروغ حدیث، محمود شریفی، نشر معروف، قم.

۲۹. سفینه البحار، عباس قمی، تهران، چ اول، ۱۴۱۴هـق.

۳۰. خصال، شیخ صدوق، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۸۹.

۳۱. کنزالعمال، علی متقی هندی، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۵هـق.

۳۲. احکام و آداب مسکن، غلامرضا گلی زواره، انتشارات نورالسجاد ،سفارش ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر).

۳۳. جواهر الکلام فی شرح شرائع الحکام، محمد حسن نجفی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱م. ط۷.

۳۴.اخلاق از نظر همزیستی و ارزش های اسلامی، محمد تقی فلسفی.

۳۵. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، داراحیاء الکتب العربیه، مصر، ۱۹۶۵م.

۳۶. به سوی فردای بهتر، محمد عابدی، انتشارات زائر، قم.

۳۷. مکاسب محرمه، امام خمینی، انتشارات اسماعیلیان، قم.

۳۸. من لایحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن الحسین بابویه القمی، نشر جماعه المدرسین بحوزه العلمیه من القم المقدسه.

۳۹. کنزالعرفان فی فقه القرآن، جمال الدین فاضل مقداد، نشر المجمع العالمی للتقریب بین المذهب الاسلامیه، چ اول، ۱۳۸۰.

۴۰. تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرّانی، موسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ایران، تصحیح علی اکبر غفاری، ۱۴۲۱هـق.

۴۱. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲، ط اول.

۴۲. امر به معروف و نهی از منکر، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، قم، چ هشتم، ۱۳۷۷.

۴۳. گناه شناسی، محسن قرائتی، تدوین محمد محمدی اشتهاردی، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چ هفتم، ۱۳۸۶.

ج) کتب مرتبط با موضوع

۴۴. تاریخ اندیشه های کیفری، ژان پراول، ترجمهٔ نجفی ابرندآبادی.

۴۵. جرم شناسی، دکتر سید محمود میرخلیلی، مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی، مقطع کارشناسی ارشد، قم.

۴۶. مقالات راجع به قوه قضائیه و پیشگیری از جرم، ابوالحسن شاکری، انتشارات قوه قضائیه،

۴۷. جرم شناسی کاربردی، ریمون گس، ترجمهٔ مهدی کی نیا، انتشارات علامه طباطبایی.

۴۸. مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟ تاج زمان دانش، انتشارات کیهان، چ دهم، ۱۳۸۴.

۴۹. پیشگیری وضعی با نگاه به سیاست جنائی اسلام، سید محمد میرخلیلی، رسالهٔ دکتری، دانشگاه تهران.

۵۰. جامعه شناسی جنایت، ژان میشل سبت، ترجمهٔ دکتر فریدون وحیدا.

۵۱. گزارش آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۸هـش.

۵۲. جامعه شناسی جنائی، دکتر مهدی کی نیا، تهران، ۱۳۴۶هش.

۵۳. تهاجم فرهنگی، محمد تقی مصباح یزدی، تحقیق عبدالجواد ابراهیمی،انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چ اول، ۱۳۷۶.

۵۴. تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات سپاه، قم.

۵۵. آزادی یا توطئه، به اهتمام جمعی از فضلا و روحانیون حوزهٔ علمیه قم، انتشارات کیهان، تهران.

۵۶. پایان غم انگیز یک داستان، نگاهی به زمینه های صدور حکم حکومتی مقام معظم رهبری دربارهٔ قانون مطبوعات، حمید رسائی، انتشارات کیهان، چ سوم، ۱۳۸۱.

۵۷. هویت، مسعود خرم، موسسه فرهنگی انتشاراتی حیان، تهران، چ اول، ۱۳۷۶.

۵۸. مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام، ولی الله نقی پورفر، پیام نور، تهران.

۵۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه مجموعه نظرات شورای نگهبان، سید محمد مهدی هزاوه ئی، نشر محسن، چ اول، ۱۳۷۸ه

۶۰. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۶۱. کلمات قصار «پندها و حکمت ها» مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۶۲. حدیث ولایت، مجموعه سخنرانی های مقام معظم رهبری.

۶۳. نقش اسلام در پیشگیری از کاهش بزهکاری، مهدی علیزاده، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چ اول، ۱۳۸۲.

۶۴. رابطه جرم و گناه، سید صادق سید حسینی تاشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، وابسته به معاونت پژوهش دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۳۸۶.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹